



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و ششم - حرف ل
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۲۳	لانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۵	لاوی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۷	لباس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۰	لجاجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۶	لذا ید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۸	لطف خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۷۱	لعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۸۰	لعب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۸۷	لعن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۲۳	لغزش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۵۴	لغو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۷۷	لقاءالله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۰۰	لقمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۲۰	لنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۲۳	لواط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۵۲	لوح محفوظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۶۷	لوط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۹۷	لهو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۱۴	لیاقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۲۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و ششم - حرف ل / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تعریف، هدف، فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این

زمینه مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن

را در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم و اعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وینیات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً- توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز میرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) -

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می

کند و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانی که می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

لانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لانه سازی بر روی خانه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

لانه سازی بر روی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

لانه سازی بر روی سایبانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

منشأ لانه سازی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۱،۲

۱- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً و

من الشجر و ممّا يعرشون

۲- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربك إلى النحل . . . و ممّا يعرشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

لاوی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لاوی

اندوه لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم . . . قد أخذ علیکم موثقاً ... فلن أبرح الأرض

اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبح . . . > بر <ألم تعلموا أن أباكم قد أخذ عليكم موثقاً > بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

اهتمام لاوی به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . . . > بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا > بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

اهتمام لاوی به عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷۸

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . . . > بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا > بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۸ فرزند ارشد یعقوب نسبت به دیگر برادرانش ، متعهدتر و به عهد و پیمان خویش پایبندتر بود .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا من الله . . . فلن أبرح الأرض

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف) ع

(و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لَاتَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ أَلْقُوهُ فِي غَيِّبَتِ الْجُبِّ . . . قَالُوا يَا بَنَا مَا لَكَ

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (أَلْقُوهُ فِي غَيِّبَتِ الْجُبِّ) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

بینش لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لَاتَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ أَلْقُوهُ فِي غَيِّبَتِ الْجُبِّ . . . إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ

جمله شرطی <إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إِنْ كُنْتُمْ...) معنایی است که از <أَلْقُوهُ...> استفاده می شود / یعنی، <إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ فَأَلْقُوهُ فِي غَيِّبَتِ الْجُبِّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱، ۹، ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ

لاوی با تفریع جمله <فَلَنْ أُبْرِحَ . . .> بر <أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)،

سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد.

ألم تعلموا .. من قبل ما فرطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرطتم ..> عطف بر <أَنْ أباکم ...> می باشد؛ یعنی: <ألم تعلموا> تفریطکم فی یوسف من قبل<. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد.

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا- أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۳،۵،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه،

سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جَبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جَبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : ... فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم.<

تصمیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۵

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح>

(مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

تعالیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱،۲

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد.

قال کبیرهم .. ارجعوا إلی أیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

توصیه های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۴

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان، داستان سرقت بنیامین را جو یا شود.

فقولوا یأبانا .. وسئل القریه ... والعیبر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیبر التی ...> یعنی، از کاروانی پرس که ما در

میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز

مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

حکمت در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید.

فصیر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

خواسته های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۳،۴،۵،۷

۳ لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند.

ارجعوا إلی أبتکم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه، به پدر بیان کنند.

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را

با جمله <یا بانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ، یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

سرزنشهای لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم .. و من قبل ما فرطتم فی یوسف

عقیده لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود .

قال .. أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

فلسفه پیشنهاد لاوی

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تقتلوا یوسف . . . و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . قالوا یاأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب (ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف (ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۷

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم، یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

لاوی و اذن یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱،۱۴

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از <حتى يأذن لي أبي> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که

ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <يحكم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او بازگردم.

۱۴ > عن أبي الحسن الهادي (ع) :... قال [لاوی] : < لن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي ... > ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: .. (لاوی) گفت: هرگز از این سرزمین دور نمی شوم تا اینکه پدرم به من اجازه دهد
<...>.

لاوی و بازگشت به کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۹،۱۱

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا .. من قبل ما فرطتم في يوسف

<ما> در <ما فرطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرطتم ..> عطف بر <أن أباكم ...> می باشد ؛ یعنی: <ألم تعلموا فرطتكم في يوسف من قبل>. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد

فلن أبحر الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از <حتی یاذن لی اَبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

لاوی و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۷، ۴، ۳، ۲

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظین

در معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ، یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

لاوی و تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لا تقتلوا

یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . إن كنتم فعلمین

جمله شرطی <إن كنتم فعلمین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن كنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود؛ یعنی، <إن كنتم فعلمین فألقوه فی غیبت الجب>.

لاوی و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد.

قال کبیرهم . . . ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

لاوی و ظلم برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۹

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد.

ألم تعلموا . . . من قبل ما فرطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرطتم...> عطف بر <أنّ أباکم...> می باشد؛ یعنی: <ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل>. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

لاوی و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۴

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد

بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لا تقتلوا يوسف .. و ألقوه في غيبت الجب يلتقطه بعض السّياره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (يلتقطه بعض السّياره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

لاوی و مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد.

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از <حتى يأذن لي أبي> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <يحكم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود

من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

لاوی و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم .. قد أخذ علیکم موثقاً ... فلن أبرح الأرض

لاوی و نجات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تقتلوا یوسف .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

لاوی و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۳

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه

چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه في غيبت الجب يلتقطه بعض السّياره

<جَبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جَبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

يعقوب(ع) در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جميل

صبر جميل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

يعقوب(ع) و بازگشت لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا

يعقوب(ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

مراد از ضمير جمع در <بهم> يوسف(ع) ، بنيامين و لاوى است.

يعقوب(ع) و

ملاقات با لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

لباس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لباس

اهمیت لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۹

۹- اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً .. ظللاً ... أكنناً ... سربيل تقيكم الحرّ ...

پاکیزگی لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۱

۱ - پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثيابك فطهر

پوشیدن لباس زرد در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - > عن الصادق (ع) (فی قوله تعالى) > و تأتون فی نادیکم المنکر < یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام ... و مناقره الدیوک ... و الجتق فی المجالس و لبس المعصفرات ... ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی > و تأتون فی نادیکم المنکر < روایت شده که فرمود : مقصود از >منکر< پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر ... و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و شرطه در مجالس و

پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفرا، به رنگ زرد درآمده) است.

تاریخ لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۴

۴- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . . . لم نجعل لهم من دونها ستراً

تشبیه به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً

جمله <و هو الذی جعل لکم الیل لباساً> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است ، یعنی ، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد ، نه قدرتی دیگر . گفتنی است در این جمله ، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۱

۱ - تاریکی شب بسان لباسی پوشیده بر موجودات با مستور ساختن آنها از دید انسان ، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است .

و جعلنا الیل لباساً

تقابل این آیه و آیه بعد که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است بیانگر برداشت یاد شده است .

تنوع لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۳

۳- لباس های بهشتیان ، دارای تنوع

سندس و إستبرق

جنس لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایندگان در بهشت

یلبسون من سندس و استبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲- جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

رنگ لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیاباً خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژه های <ثیاباً> و <خضرًا> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۷

۷- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دِیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و إستبرق متکئین فیها علی الأرائک

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژه های <ثيابًا> و <خضرًا> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

ضحامت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و إستبرق

ظرافت لباس بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

علاقه به لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۸

۸ - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها ، به زیور آلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

يحلون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فيها حریر

کیفیت لباس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۵،۶،۷

۵ - > عن رجل من أهل اليمامة . . . قال : قال لي أبو الحسن : إن الله تعالى قال لنبیه < و ثيابك فطهر > و كانت ثيابه طاهرة و إنما أمره بالتشمير ;

از مردی از اهل یمامه روایت شده . . . که گفت : امام کاظم(ع) به من فرمود : خدای تعالی به پیغمبر خود فرموده است : > و ثيابك فطهر< ، در حالی که جامه های وی پاک بوده است . همانا او را به بالا زدن جامه ها امر کرده است .

۶ - > قال أبو عبدالله (ع) . . . و الله تعالى يقول : < و ثيابك فطهر > قال : و ثيابك ارفعها و لاتجرها . . . ;

امام صادق(ع) فرمود : . . . خدای تعالی می فرماید : < و ثيابك فطهر > [یعنی] می فرماید : جامه های خود را بالا بزن و بر روی زمین مکشان . . . <

۷ - > قيل معناه و ثيابك فقصر . . . و روی ذلك عن أبي

عبدالله (ع) ;

گفته شده که معنای آن (و ثيابك فطهر) این است که جامه های خود را کوتاه کن و این معنا از امام صادق (ع) روایت شده است.

لباس آتشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶۸

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند.

فالدین کفروا قطع لهم ثياب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

۸ جامه های آتشین در دوزخ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده.

قطع لهم ثياب من نار

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لباس اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پر نعمت و لباسی فاخر از حریر، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ... وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

<جَنَّة> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالا پوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی

نازک و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالاپوش است.

لباس بودن همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳

۳ - زن و شوهر ، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است .

هن لباس لکم و انتم لباس لهن

لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۲

۲- انسان در بهشت ، دارای جامه و پوشش

یلبسون من سندس و إستبرق

لباس تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ شیطان در صدد برملا ساختن زشتیهای آدمیان و کندن لباس تقوای ایشان است.

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

هشدار به فریبکاری شیطان و مطرح کردن برهنه سازی آدم و حوا پس از بیان ارزش برتر لباس تقوا، بیدارباشی است به آدمیان که شیطان در تلاش است تا جامه تقوا را از اندام و قلب و روح آنان به در آورد.

لباس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالدین کفروا قَطَّعت لهم ثياب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند

برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قَطَعَتْ لَهُمْ ثِيَابَ مِنْ نَارٍ

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پر نعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ... وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

<جَنَّة> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

عليهم ثياب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالاپوش است.

۲ - جامه های سبز

رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثياب سندس خضر و استبرق

لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و استبرق

کلمه <استبرق> معرب <استبر> فارسی است. و به معنای <دییای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۶

۶- لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

لباس در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۴

۴- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . . . لم نجعل لهم من دونها ستراً

لباس رسمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاك هايي به رنگ سبز، فراهم آمده از حرير و در كمال ظرافت و لطافت، لباس رسمی بهشتیان است .

يلسون ثياباً خضراً من سندس

<سندس> به <پارچه ديبيای نازك> گفته می شود نكره بودن واژه‌های <ثياباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخيم است، از همین رو، در برداشت،

قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

لباس مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۹

۹ - استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلُّ تَأْكُلُون لَحْمًا طَرِيًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

لباس متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایندگان در بهشت

یلبسون من سندس و استبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

لباس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت جامه ای به خود پیچیده بود .

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَل

<تَزْمَلُ> (مصدر <مَزْمَلُ>) به معنای پیچیدن جامه و پارچه ای بر خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت ردا بر خود

پیچیده بود .

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ

<دثار>، به معنای لباس رویین و آنچه روی لباس زیرین به تن می کنند (مانند ردا و ..) است.

لباس مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱، ۳۰، ۷

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتَه اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرتَه . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفرتَه . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

منابع تأمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۶

۱۶- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أوصافها و أوبارها و أشعارها أثنًا و متعًا إلی حین . . . و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید <إلی حین> مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سراییل> که ذکر عام بعد از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

نعمت لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۷

۷- دستیابی انسان ، به لباسی مناسب برای محافظت خویش از حرارت و شداید جنگ ، نعمتی الهی است .

و جعل لکم سربیل تقیکم الحرّ و سربیل تقیکم بأسکم

نیاز به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۶

۱۶- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أوصافها و أوبارها و أشعارها أثنًا و متعًا إلی حین . . . و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید <إلی حین> مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سراییل> که ذکر عام بعد

از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

ویژگیهای لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت، لباس رسمی بهشتیان است.

یلبسون ثياباً خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژه‌های <ثياباً> و <خضرًا> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم، فراهم آمده از حریر سبز، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است.

و یلبسون ثياباً خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبرق> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲،۹

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و إستبرق

۹ - <روی عن الصادق (ع) أنه قال: في معناه تعلقهم الثياب فيلبسونها... > و سقاهم ربهم شراباً طهوراً < يطهرهم عن كل شيء سوى الله... >

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای <عليهم ثياب سندس خضر و إستبرق> فرمود: لباس به طرف آنان بالا می

رود

و آن را می پوشند. .. و درباره <و سقاهم ربهم شراباً طهوراً> فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...<

لجاجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لجاجت

آثار اجتناب از لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بینا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون

آثار ترک لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهره‌وری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه .. و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمی

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به

استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

آثار لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۹

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لا يعلمون لولا .. تأتينا آية ... قد بينا الآيات لقوم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۸

۱۸ لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیرپذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درك و پذیرش حق است.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آية .. لا يؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۳،۶

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

۶- لجاجت و تعصب ، عامل انکار حقایق عینی و محسوس

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرفنا في هذا القرآن ليذكروا و ما يزيدهم إلا نفورا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از

آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۳

۳ - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ . فَقَدْ كَذَّبُوا ... و ما كان أكثرهم مؤمنين

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۵

۵ - روحیه لجاج و عناد ، مانع بهرهوری از هدایت و رحمت قرآن

و إِنَّهُ لَهْدِي وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی اند که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن می ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۵

۵ - مصمم بودن بر حق ناپذیری ، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ... وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَا إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

قید <إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ>

بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است؛ یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری، مانع بهرهوری انسان از آیات الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قید <لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۹

۹ - روحیه خیره سری و عناد، مانع بهرهوری از روشنگری های قرآن

تلك آيات الكتب المبين . تتلوا عليكم... لقوم يؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است؛ مراد از عبارت <لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳،۷

۳ - کافران رویگردان از حق، با لجاجت و تعصب خویش در برابر حق، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

يَكْفُرُونَ... فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

۷ - عناد و

حق‌گریزی موجب محرومیت انسان از هدایت الهی است .

فإنك لاتسمع الموتى .. إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۹

۹ - کفر مخالفان پیامبر (ص) در مکه ، براساس لجاجت و عناد بوده است ، نه منطق و برهان

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق‌ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنا جعلنا فی أعنقهم أغللاً ... فهم مقمّحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق‌ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و

بینایی

فهم لایؤمنون .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق‌ناپذیری باشند ، انذارها و اخطارهای پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- روح لهجاءت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كذلك يُؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض .. و کانوا بآیتنا یجددون

چنانچه جمله <و کانوا بآیتنا یجددون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بآیتنا یجددون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن يروا.. يقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷

۴- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

۵- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

آثار لجاجت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفرییشه تاریخ را که از سر لجاجت و عمد بر کفر و تکذیب خود پافشردند با عذاب استیصال نابود کرد .

فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینت .. ثم أخذت الذین کفروا

<تنکیر> به معنای انکار (تغییر) است (لسان العرب) و مقصود از آن در آیه شریفه، تغییر نعمت به نعمت و حیات به مرگ می باشد؛ که مجازات کفرپیشگی است.

آثار لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدار به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباہ کننده ای برای جوامع

در پی دارد.

آثار لجاجت با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۸

۸ - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی ، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله على ق

آثار لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

آثار لجاجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱۰

۱۰ - سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن ، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لداً

آثار لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۹

۹- بنی اسرائیل ، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع) ، از راه راست منحرف شدند .

لم تؤذوننی . . فلما زاغوا

<زیغ> به معنای میل و انحراف است.

آثار لجاجت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل

کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

آثار لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ .. فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ

آثار لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۳ - ۲

۲ - کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر كيف كان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگرستن در سرنوشت کافرانِ لجوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِلَا يُلْقُونَ

عبارت <بل لا یوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجاجتی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ . .. وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون

مراد از <ما كانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . .. بل الذین کفروا فی تکذیب

آثار لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی اکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله

<لقد حقّ القول علی اکثرهم> می باشد، یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار لجاجت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إِنْ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَنَّ صَبْرَنَا عَلَيْهَا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

آثار لجاجت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لا يؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی اکثرهم> می باشد یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - باقی ماندن منافقان ، بر مواضع منافقانه خود تا لحظه مرگ ، مایه بدبختی و شقاوت آنان در آخرت

بَلَىٰ وَلَكُمْ فِتْنَةٌ أَنفُسِكُمْ .. حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ

مقصود از <أمرالله> مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۷

۷ - پافشاری و استمرار بخشی منافقان بر اعمال زشت و ناپسند ، عامل گرفتاری آنان به عذاب سخت اخروی

إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

<إِنَّهُمْ سَاءَ..> برای

بیان علت محکومیت منافقان به عذاب سخت اخروی است.

افشای لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمان مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

زمینه لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتَّقوا الذي أمَدَّكم .. أمَدَّكم بأنعم و بنين ... قالوا سواء علينا أوعظت أم ل

شدت لجاجت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۸

۸ عناد و لجاجت آدمی در برابر حق تا مرز رضایت به نابودی خویش و گرفتار شدن به عذاب های الهی

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره .. أو ائتنا بعذاب أليم

شگفتی لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسان ما أكفره

عوامل لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ . . . وَكَانُوا بِأَيْتِنَا يَجْحَدُونَ

عوامل لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشرکون به

کیفر لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ينوح قد جدلنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله <إن كان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند

بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

لجاجت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۷

۷ فرعون و اطرافیان او ، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع) ، آن را انکار کردند .

ثم بعثنا من بعدهم موسى و هرون إلى فرعون و ملأيه بأيتنا فاستكبروا

لجأجت اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - قلم - ٦٨ - ٢٨ - ٥

باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

لجاجة اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۶، ۱۴، ۱۳

۱۳- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا ، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

مرجع ضمیر در <أيديهم في أفوههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایه دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

۱۴- اقوام کافر در برخورد با دلایل روشن انبیا ، بشدت ناراحت و غضبناک می شدند و به صراحت موضع کفرآلود خود را اعلام می کردند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

مراد از <فردوا أيديهم في أفوههم> کنایه از غضب و خشم آنهاست که در آیات دیگر نیز آمده است (غضوا علیکم الأنامل من الغیظ).

۱۶- اقوام کافر ، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابو عبیده و اخفش، عبارت <فردوا أيديهم في أفوههم> ضرب المثل برای کسی است که جواب مثبت به درخواست نمی

دهد و سکوت اختیار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم پیامبران

فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

لجاجة اكثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضلّ قبلهم أكثر الأولین . و لقد أرسلنا فيهم منذرين

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای حقیقت یاد شده است.

لجاجة اكثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدر اسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

لجاجت اکثریت رهبران کفر صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵ - بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری

برخی کافران از مرام خویش / حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن ... منفکین ... حتی تأتیهم البینه ... و ما تفرق ... إلا من بعد ما جاء

لجاجت اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فکذبوهما فعزّزنا بثالث

فرستاده شدن دو پیامبر در یک زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای

تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

لجاجت اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۷ - ۱

۱ کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند ، اگر تمام معجزات و نشانه های الهی

بر آنان عرضه شود، هرگز تسلیم نشده و ایمان نخواهند آورد.

إن الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون. و لو جاءتهم كل آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۱

۱- امت های محکوم به عذاب، علی رغم بهره مندی آنان از معجزات الهی، ایمان نیاوردند.

ماء امنة قبلهم من قرية أهلكنها

لجاجة اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴- اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند.

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل آیه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۳

۳ عناد، لجاجت و بهانه جویی، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (ص) و موسی (ع)

فقد سألوا موسی أكبر من ذلك... فأخذتهم الصعقة بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواستهای اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر (ص)، در عین آگاهی کامل

از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم .. فهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۶

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن ... منفکین حتی تأتیهم البینه

در برداشت یاد شده، <منفکین> به معنای <منفکین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البینه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البینه> مرادف است و عبارت <حتى اتیان البینه> را می توان به معنای <حتى وقت اتیان البینه> یا <حتى باتیان البینه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکین فی وقت من الأوقات حتى وقت اتیان البینه> یا <لم یکن ... منفکین بأی طریق حتى باتیان البینه>.

لجاجت اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱

۱ خداوند ، در پی اصرار مردم مدین بر شرکورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع) ، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت .

و لما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

لجاجة با حق

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجك .. فنجعل لعنت الله على الكاذبين

لجاجت برده داران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۶

۶- برده داران ، خود را با برده ها برابر نمی دانند و هرگز از برده داری دست بر نمی دارند .

فما الذين فضلوا برادى رزقهم على ما ملكت أيمنهم فهم فيه سواء

لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم

از اینکه خداوند با تهدید و ارباب از بنی اسرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسپارند، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور .. ثم توليتم من بعد ذلك

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و ... مضمون جمله بعد دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

و رفعنا فوقكم الطور خذوا ماء اتينكم

از اینکه خداوند با تهدید و ارباب (قرار دادن کوه بر سر بنی اسرائیل) از قوم موسی خواست تا تورات را بپذیرند و برای عمل کردن به آن پیمان بسپارند. برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کتم مؤمنین

تعبیر <ان کتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیر مؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها .. قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه الله علیکم .. قالوا یموسی اِنَّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

اِنَّا لن ندخلها .. فلا تأس علی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۵

۵ لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و اذ نتقنا الجبل فوقهم .. خذوا ماء اتینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبینی اسرئیل قد أنجینکم .. أضلهم السامری ... ألم يعدکم ربکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است، به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سستی برخوردار بودند که این

چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي .. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَكْفِينَ

<لن نبرح> یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عكفين حتى يرجع إلينا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۵،۸

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند .

لم تؤذونني و قد تعلمون أنني رسول الله إلیکم

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

يقوم لم تؤذونني .. فلما زاغوا

جمله <فلما زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - بنی اسرائیل ، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (ص) موضع گیری کرده و رسالت

آن حضرت را نپذیرفتند .

و مَبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ .. فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

لجاعت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

لجاعت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاعت داشته و حق ناپذیرند.

قُلْ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمی و هذا لسان عربی مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون .. فإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى ... إِذَا وُلُّوا مُدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۵ - برخی از مردم ، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزانند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست .

أفأنت تنقذ من في النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون رسول الله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقيا في جهنم كل كفار عنيد

وصف <كفار> و <عنيد> مشعر به علیت است ؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق ؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لجاجة دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۸

۸ محاجّه و لجاجة خصم در برابر حق ، شرط دعوت آنان به مباحله

فمن حاجك .. فقل تعالوا ... ثم نبتهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمراً فإنا مبرمون

لجاجة دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶

۶- بشارت به پرهیزگاران

و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقین و تنذر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <ألدِّ> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

لجاجت دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۵

۵ دلداری خداوند به پیامبر(ص) و رفع نگرانی او نسبت به لجاجت مخالفان

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا

از اهداف این یادآوری تاریخی به پیامبر(ص) می تواند رفع ناراحتی و دلگیری آن حضرت از خصومت و مخالفت‌های کافران باشد.

لجاجت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَّا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَّا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این

که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

لجاجت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إِلَّا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

لجاجت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود

در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . .. أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان...> و یا عطف بر جمله <يسمعون...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون...> می باشد.

لجاجت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۷

۷ فرعون و اطرافیان او ، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع) ، آن را انکار کردند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ؛ در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۳

۳- مخالفت فرعون با دعوت موسی (ع) ، از روی لجاجت و با آگاهی کامل از حقانیت او بود .

فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا ربّ ا

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۳،۴

۳ - فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أرینہ ءایتنا کلّھا فکذّب و أبی

۴ - فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرینہ ءایتنا کلّھا فکذّب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۵

۵ - تکبر فرعون و ابای وی از تصور رسالت موسی (ع) به سوی خود

قال إنّ رسولکم الذی أرسل إلیکم لمجنون

تعبیر <رسولکم> به جای <رسولنا> می تواند از آن جهت باشد که او در یک گفتار استهزاآمیز نیز حاضر نبود رسالت موسی را متوجه خود بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری فرعون بر سحر شمردن معجزه موسی

إنّہ لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أقتلون رجلاً.. فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أريكم إلا ما أ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ -

۱ - روی گردانی فرعون با تمام وجود ، از پذیرش رسالت موسی (ع)

أرسلنه إلی فرعون .. فتولّی برکنه

<رکن > در این جا می تواند به معنای ارکان وجود و کنایه از اعراض کامل و همه جانبه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۱

۱ - فرعون ، به تکذیب گفته های موسی (ع) اکتفا نکرده سرسختانه به مخالفت با او پرداخت .

ثمّ أدبر یسعی

حرف <ثمّ > در این آیه، برای تراخی رتبی است یعنی، ادبار فرعون، نارواتر از تکذیب او بود.

لجأجت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۶

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم .. فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و ...) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

<رجز > به معنای عذاب است و <ال > در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه

قبل باشد، و هم می تواند <ال > در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به

دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه

بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۲

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقایق آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

<جَحَدُوا> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <استیقنت>) معادل <ایقان> و جمله <استیقنتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۴

۴ - لجاجت و عناد شدید فرعونیان ، در مخالفت با پیام موسی (ع)

و ما نریهم من آیه إلا هی أكبر من أختها

از این که خداوند برای هدایت فرعونیان، معجزاتی پیاپی و یکی از دیگری مهم تر نشان داد، لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۹

۹ - اصرار و لجاجت فرعونیان ، در پذیرفتن ربوبیت مطلقه الهی ، حتی پس از گرفتار آمدن به عذاب

ادع لنا ربك

فرعونیان به جای <رَبَّنَا> <رَبِّكَ> گفته اند؛ با این که موسی (ع) خداوند را <رَبِّ الْعَالَمِينَ> معرفی کرد. از این مطلب اعتراف نکردن به ربوبیت مطلقه و

در نتیجه لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۲

۲ - فرعونیان و قوم ثمود، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران، در امت های پیشین بودند.

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است؛ بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

لجاجت قبطیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱

۱ قوم فرعون، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع) و غلبه او بر ساحران، بر ناباوری خود پای فشرده و کسی از آنان به او ایمان نیاورد.

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <من قومه> راجع به <موسی> و مراد از <قوم موسی>، بنی اسرائیل باشد.

لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲،۳

۲ تعصب و پافشاری قوم ابراهیم بر عقیده شرک خویش، علی رغم استدلالهای آن حضرت بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۲

۲- بت پرستان ، علی رغم قانع شدن از استدلال محکم ابراهیم (ع)

بر بطلان شرک ، بار دیگر در صدد دفاع از عقیده شرک آمیز خویش برآمدند .

ثم نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

برداشت یاد شده براین مبنا استوار است که مقصود از بالا- و پایین شدن که در جمله کنایی <ثم نکسوا علی رءوسهم> موجود است زیر و رو شدن عقاید و مواضع اعتقادی بت پرستان باشد^۱ یعنی، آنان در آغاز بر اثر استدلال ابراهیم(ع) به بطلان شرک دست یافتند^۲ ولی باز به عقیده پیشین بازگشتند. و مجدداً به دفاع از آن پرداختند.

لجاجة قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۲،۳

۲- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، از معجزات و آیات الهی روی برتافته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنہا معرضین

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنہا معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود^۳ چنان که آمدن جمله <فکانوا عنہا معرضین> به جای <فأعرضوا عنہا> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۶

۶ - ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فَأْتِ بَنِي إِدْرِيسَ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . قَالَ هَذِهِ نَاقَةُ آلِ إِبْرَاهِيمَ . لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ... فَعَقَرُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۶

۶ - بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبرانِ خویش

فَإِنَّا بِنَاكُمْ وَأَرْسَلْنَاكُمْ قُرْآنًا مَّعَكُمْ . فَذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِئُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۴

۴ - انتخاب گمراهی از سوی قوم ثمود ، با وجود روشن شدن راه هدایت برای آنان

و أمّا ثمود فهديهم فاستحبوا العمى على الهدى

<استحباب> (مصدر <فاستحبوا>) به معنای دوست داشتن است و آن گاه که با <علی> متعدی شود به معنای انتخاب و برگزیدن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۲

۲- فرعونیان و قوم ثمود، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران، در امت های پیشین بودند.

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است؛ بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف

۱۲ قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأنتا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۴،۶،۷

۴ اصرار و پافشاری و تعصب قوم هود ، بر شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا

و ما نحن بتارکی ءالہتئا عن قولک

جمله اسمیه <ما نحن ..> و آوردن <با> ی زائده در خبر (تارکی ءالہتئا) حکایت از تأکید و اصرار قوم عاد بر پرستش بتها دارد.

۶ دعوت هود (ع) و سخنان او ، بی تأثیر در بازداری قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالہتئا عن قولک

<عن> در <عن قولک> برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله <ما نحن ...> چنین می شود: سخن و ادعای تو ، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

۷ تأکید قوم عاد ، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱

۱ قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند .

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قومًا غیر کم ... و لما جاء أمرنا نجینا هودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲- قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علينا .. من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبران خویش

فإننا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أولم يروا... و كانوا بأيتنا يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار کردن چیزی است که حقایق آن برای منکر روشن است.

لجاجت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۹

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فاعلين

جمله <إن كنتم فاعلين> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنكم تفعلون> است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا .. لتكوننَّ من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۷

۷- روی آوردن قوم لوط به کردار زشت ، علی رغم آگاهی آنان به ماهیت پلید آن

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

برخی از مفسران کلمه <تبصرون> را از <ابصارالقلب> (معادل دانش و

آگاهی) مشتق دانسته اند. بنابراین مفاد پیام لوط چنین می شود: شما به زشتی ها روی آورده اید با این که ماهیت پلید و قبیح اعمالتان را می دانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع)، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

لجاجت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱

۱ قوم نوح، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند.

يقوم إن كان کبر علیکم مقامی .. فإن تولیتم فما سألتکم من أجر ... فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند.

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری قوم نوح ، بر مواضع کفرآمیز خویش

و أَصْرُوا

لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف

دین در نتیجه لجاج و کفر، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد.

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من آیه... إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبونک و لكن الظلمین بأیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند.

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و

جهت

آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا...> یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا، یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان ، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند .

هو الذی یریکم البرق . . . و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه <و هم یجدلون فی الله> قید برای همه جمله هایی است که در آیات پیشین آمده است ، یعنی، با آنکه آثار وجودی خدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعد، ابر و صاعقه را پدید می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّ و بحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلم لَنُخْرِجَنَّکمْ . . . و خاب کلّ جبار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی ، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود ، مورد سرزنش خدایند .

و الله جعل لکم . . . أقبالِ بطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلک بخر نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵- ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمناهم .. للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۵

۵- دلداری خدا به پیامبر (ص) در مورد سرسختی کافران

لعلک بخر نفسک ألا یكونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۳

۳- لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱- اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیُّ أولئک ینادون من مکان بعید

۱۵ - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و

فهم کافران لجوج

أولئك ينادون من مكان بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلی علیه ثم یصرّ مستکبرًا

بنابراین که <ثم> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتَّبِعُوا أهواءهم .. فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین كفروا و صدّوا .. و شاقّوا ... من بعد ما تبین لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن يروا كسفاً .. يقولوا سحب مركوم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

- طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵- برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رگم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أكثرهم لا یعلمون

مفهوم <أكثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رگم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۲

۲- روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (ص) به رگم مشاهده معجزه < شق القمر >

و انشقّ القمر . . . و إن یروا آیه یعرضوا

از اطلاق <آیه> بر <شق القمر>، استفاده می شود که <شق القمر> از معجزات پیامبر(ص) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴- کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵- تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ -

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷،۸

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

۸ - تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب گر ، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدید آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أریتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۷

۷ - کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای رها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لَمَّا یَقْضِ مَا أَمْرَهُ

ضمیر فاعلی <یقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أكفروه> تنها بر کافران منطبق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٖ كَانَ بِهِ بِصِيرًا .. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق <لَا يُؤْمِنُونَ>،

ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب .. بل هو قرآن مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۸

۸ - سرسختی مخالفان توحید در مواضع خویش ، نباید پایداری اهل توحید را متزلزل سازد .

ولا أنتم عبدون ما أعبد

پایداری اهل توحید، از مضارع بودن <أعبد> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر ، از خبر های غیبی قرآن

ولا أنتم

عبدون ما أعبد

لجاجة كافرين صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشركان و كافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پيامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۳

۳- كافران عصر بعثت ، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر كتاب های آسمانی ، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انكار می کردند .

لولا یأتینا بایه من ربّه أولم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳ - اندوه پيامبر (ص) ، به خاطر تکذيب شدنش از سوی كافران و مشركان لجوج در صدراسلام

و إن یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

از آهنگ آيه شریفه استفاده می شود که پيامبر(ص)، به خاطر تکذيب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذب رسل من قبلک>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۲

۲ - كافران صدراسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما

تأتيهم من آيه .. إلا كانوا معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شکفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

وإنه لقسيم لو تعلمون عظيم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجوا في عتو و نفور

<عتو> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

ولقد كذب الذين من قبلهم .. بل لجوا في عتو و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص)، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للكافرين ليس له دافع

<للكافرين> خبر مقدم برای <ليس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است؛ یعنی، <ليس للكافرين دافع يدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر. فقال إن هذا إلا سحر يؤثر. إن هذا إلا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدر اسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۲

۲ - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص)، آماده عبادت خداوند می خواندند، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (ص) را نمی پرستیدند.

و لا أتم عبدون ما أعبد

لجاجة کافران مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجة شدید کافران مکة در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکة نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکة، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکة مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکة، علی رغم دریافت آیات قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به

آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين . لايؤمنون به ... و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش درى از آسمان برای بالا رفتن خود و درك حقایق ، آن را نوعی چشم بندى و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظّلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندى می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظّلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷- لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمهم .. للنجوا فى طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذين كفروا لن تؤمن بهذا القرءان و لا بالذى بين يديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اصرار کافران مکه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

لجاجة گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن كان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

لجاجة گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱،۲

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه .. لا یؤمنون به حتی یروا العذاب الالیم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الالیم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا یستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزاء، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

۲ - استمرار دشمنی مجرمان

با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لایؤمنون به حتی یروا العذاب الالیم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

لجاجت گناهکاران هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۲

۲- مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکة فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

لجاجت مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۵

۵ - مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إنه كان لأيتنا عينًا

لجاجت مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

لجاجت مردم صدر اسلام

۳ - مردم در صدر اسلام، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصَّفَّتْ صَفًّا .. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این

حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أكثرهم ... و قالوا ... فاعمل إننا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (>أَكْثَهُ< ، >وَقَر< و >حِجَاب<) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

لجاجت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر ، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها .. قل أو لو ... قالوا إننا بما أرسلتم به كفرون

لجاجت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۴

۴ - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ؛ لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا أنحن صددنكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

لجاجت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵،۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

۵- یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت

، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۸

۸ علمای نصاری نجران ، مفسد ، مشرک ، مجادله گر ، حق ناپذیر و مورد تهدید خداوند

فمن حاجبک .. فان تولّوا فانّ الله علیهم بالمفسدین

در شأن نزول آمده که این آیات درباره علمای نجران نازل شده است.

لجاجة مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۹

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لا یعلمون لولا .. تأتینا آیه ... قد بیّنا الأیت لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا باز گردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

۱۰ دروغگویی، شیوه همیشگی مشرکان لجاجت پیشه است.

فقالوا .. و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۲

۲ مشرکان لجوج، حتی در صورت نزول ملائکه بر ایشان، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة .. ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۹، ۷

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند، دیگران را ولی

و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أف اتخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله <اتخذتم ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد \$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

۱۹ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أف اتخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله <خلقوا كخلقه> صفت برای <شركاء> است. <خلق> در هر دو مورد (<كخلقه> و <الخلق>) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابه> (مصدر تشابه) به قرینه کلمه <علی> به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم> در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۳

۳ مشرکان علی رغم اعترافشان به اینکه قوام بخش امور بندگان خداوند است ، برای او شریک های متعددی برگزیده بودند .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت و جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۱

۱- مشرکان ، علی رغم شناخت نعمت های الهی ، آن را عملاً انکار می کنند و راه ناسپاسی می پیمایند .

يعرفون نعمت الله

در این آیه انکار در مقابل عرفان و شناخت قرار گرفته است و این می رساند که مراد از انکار نعمت، انکار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۲

۲ - ردّ دعوت پیامبر (ص) (دعوت به یکتاپرستی) ، از سوی مشرکان و پافشاری آنان بر شرک و بت پرستی

و ادع إلى ربّك... و إن جدلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱

۱ - تعجب پیامبر (ص) از مواضع انکارآمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند؛ علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إنّ إلهکم لوحد... فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً... بل عجبت

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر(ص) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۴

۴ - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلا سحر مبین

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۷ - ۱

و به دفاع از مواضع عقیدتی خود پیوسته ، تکرار می کردند .

و إن كانوا ليقولون

<إِنَّ> مخفف <إِنَّ> است. آمدن فعل <كانوا> دلالت می کند که خبر آن (لیقولون)، امری ثابت در گذشته و دارای پیشینه است و آمدن خبر به صورت فعل مضارع بیانگر تکرار مضمون آن است. بنابراین مقصود از آیه شریفه با توجه به آیات بعد سخنان بهانه جویانه مشرکان است که پیوسته آن را تکرار می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۱

۱ - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين . لكنا عباد الله المخلصين . فكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱،۲

۱ - توطئه های پی در پی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمراً

<إبرام> (مصدر <أبرموا>) در اصل به معنای تابیدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه بعد تصمیم جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

۲ - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص) ، نمودی از حق گریزی آنان

أكثركم للحقّ كرهون . أم أبرموا أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۶

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که

از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن ... منفکین حتی تأتیهم البینه

در برداشت یاد شده، <منفکین> به معنای <منفکین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البینه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البینه> مرادف است و عبارت <حتی اتیان البینه> را می توان به معنای <حتی وقت اتیان البینه> یا <حتی باتیان البینه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکین فی وقت من الأوقات حتی وقت اتیان البینه> یا <لم یکن ... منفکین بأی طریق حتی باتیان البینه>.

لجاجت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸،۹

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتى إذا جاءوك یجدلونک یقول الذین کفروا

۹ مشرکانی که صرفاً برای مجادله در محضر پیامبر(ص) حاضر می شدند، در نهایت عناد و لجاجت قرار داشتند.

حتى إذا جاءوك یجدلونک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم آیاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا ات بقراءان غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ -

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل کذبوا .. و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <یؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۴

۴ مشرکان ، در برخورد با سخنان پیامبر (ص) دارای موضعی لجوجانه بودند .

أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۴

۴ مشرکان با پیامبر اکرم (ص) برخوردی لجوجانه داشتند .

أفأنت تهدی العمی و لو كانوا لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدر اسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۱

۱ - اظهارات انکار آمیز مشرکان صدر اسلام نسبت به قرآن ، به رغم باور قلبی آنان به آسمانی بودن آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<إدهان> (مصدر <مدهنون>) به دو معنا آمده است: الف) اظهار کردن بر خلاف آنچه در دل است؛ ب) به شوخی گرفتن چیزی و برخورد استهزا آمیز کردن با آن.

برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم اَنکم تکذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

لجاجة مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۴

۴ امتناع مشرکان عصر بعثت از اقرار به ربوبیت خدا بر تمام هستی علی رغم مشاهده نقش او در جهان آفرینش

قل من رب السموت و الأرض قل الله

از اینکه خداوند خود به پرسشی که از مشرکان کرده (من رب السموت) پاسخ می دهد (قل الله) معلوم می شود آنان از اعتراف و اقرار به ربوبیت خداوند خودداری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا .. فليأتنا بآيه كما أرسل الأولون

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پيشگويي قرآن ، مبنی

بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءمنت قبلهم .. أفهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۴

۱۴- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل أكثرهم لا یعلمون الحقّ

واژه <أكثر> افعال التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد نه قلیل و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است، یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳- اندوه پیامبر (ص)، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذب رسل من قبلک>.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذكروا لا يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۹

۹ - پایبندی مشرکان صدر اسلام به آیین شرک و دفاع از معبود های خود در برابر دعوت به توحید

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . و يقولون أئنا لئنا كواء الهتنا لشاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٥ -

۶- سرسختی و لجاجت مشرکان عصر بعثت ، در برابر قرآن و دعوت پیامبر (ص)

و قالوا قلوبنا فى أكنه مما تدعونا إليه و .. فاعمل إننا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱

۱- اصرار مشرکان عصر بعثت ، بر شرک و مباحثات انکارآمیز آنان درباره توحید

و الذین یحاجون فی اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۲

۲- بحث و جدل مشرکان با پیامبر (ص) ، در عینی ترین حقایق مورد شهود آن حضرت ، امری نکوهیده و سرزنش بار

أفتمرونه علی ما یری

استفهام در <أفتمارونه> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور افشای سرسختی مشرکان در ترک پرستش خداوند / حتی در فرض محال تن دادن پیامبر (ص) به

پرستش معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرفنا .. من کلّ مثل فابی ... و

قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۱ - ۳

۳- مشركان مكه ، على رغم مشاهده آيات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... تكون لك جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۵

۵- سرسختی و لجاجت مشركان مكه در برابر پیامبر (ص) و تعالیم بر حق او

لن نؤمن لك حتى ... تسقط السماء كما زعمت علينا كسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۴

۴- مشركان مكه ، على رغم مشاهده آيات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... يكون لك بيت من

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - مشركان مكه ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب .. و ما يجحد بأيتنا إلا الكفرون

<جحد> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل، نفی

کرده است (مفردات راغب) بنا بر معنای لغوی، <جحود>، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بآیتنا إلا الکفرون .. و ما یجحد بآیتنا إلا الظلمون

<جحود> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب).
<جحود> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۲

۲ - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۴ - ۲

۲- مشرکان مکه بر موضع انکار آمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ

به کارگیری فعل مضارع (يقولون) که مفید استمرار است بیانگر مطلب فوق می باشد.

لجاجت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۵، ۶۸

۶ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل

می تواند باشد: ۱ به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف (ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

لجاجت معرضان از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - > عن النبی (ص) قال : کلّ جبار عنید من أبی أن یقول : لا إله إلاّ الله ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: [مراد از] گردنکش کینه توز، کسی است که از گفتن <لا إله إلاّ الله> دریغ داشته باشد.

لجاجت معرضان از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - > عن أبی جعفر (ع) قال : > العنید < المعرض عن الحق ;

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: [مراد از] <عنید> کسی است که از حق روی گردان است.

لجاجت مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۹

مغلطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فى خوضهم يلعبون

لجاجة مكذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۵

۵ تکذیب کنندگان رسالت پیامبران پس از نوح (ع)، علی رغم ارائه معجزات و دلیل های روشن به آنان، همچنان بر ناباوری و تکذیب خود، پای فشردند.

فجاءوهم بالبینة فما كانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این است که مضاف الیه <قبل> ضمیر عاید به <مجیء> که از <جاءوهم بالبینات> استفاده می شود، باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجة آنان، موجب یأس پیامبران از موفقیت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتى إذا استیئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - تکذیب شدن رسالت پیامبران الهی، از روی عمد و لجاجة و باآگاهی از محتوای آن بوده است.

جاءتهم رسلهم بالبینة و بالزبر و بالکتب المنیر

تکذیب شدن پیامبران الهی به رغم آن که آنان در متن جامعه بودند (جائتهم) و معجزات و دلایل روشنی را به مردم ارائه

نموده و کتاب روشنگر و قابل فهمی را به ایشان عرضه می کردند حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

لجاجت مکذبان بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا .. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

لجاجت مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۲

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر؛ هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لجاجت مکذبان حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا .. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

لجاجة مكدبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ -

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

لجاجت مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا .. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

لجاجت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

لجاجت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۲

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جمله <کنتم بها تکذّیون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گرز هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لجاجة مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۸

۸- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (ص)

بل أكثرهم لا يعلمون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳ - اندوه پیامبر (ص)، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدر اسلام

و إن يكذبوك فقد كذب رسلك من قبلك

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط <إن يكذبوك> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن يكذبوك فلاتحزن و اصبر اذ قد كذب رسلك من قبلك>.

لجاجة مكذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۶، ۱۴

۱۴- منکران معاد، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، با تکان دادن سر همچنان آن را مستبعد می شمردند.

فسينغصون إلیک رءوسهم

تکان دادن سر از سوی مشرکان، پس از دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، می تواند به منظور استبعاد معاد باشد.

۱۶- منکران معاد، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خود درباره معاد، همچنان بر حفظ ذهنیت خود پای می فشردند.

فسينغصون إلیک رءوسهم

از اینکه منکران معاد، پس از دریافت پاسخ تمامی شبهات خود درباره معاد، با تکان دادن سر آن را به استهزا گرفته و انکار می کردند، نشان می دهد که آنان، در پی حفظ ذهنیت دیرینه خود درباره معاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۶

۶- خداوند به پیامبر (ص) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد، دلجویی کرده است.

فوربک لنحشرنهم والشیطین

ضمیر <فوربک> خطاب به پیامبر(ص) است.

عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر(ص) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۳

۳ - منکران معاد ، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما أکفره

از آیات بعد که توجه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجه به معاد در <ثم إذا شاء أنشره> قرار داده است استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله <ما أکفره>، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ... فما لهم لا يؤمنون

متعلق <لا يؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۳

۳ - منافقان با وجود این که از نجوا کردن نهی شده بودند بر آن اصرار میورزیدند .

ألم تر إلى الذين نهوا عن النجوى

ثمَّ يَعودونَ لِمَا نَهوا عنهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۶

۶ - تداوم و استمرار بخشی منافقان ، بر اعمال رشت و کردار ناپسند خویش

انَّهم ساء ما كانوا يعملون

<كانوا يعملون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری و تداوم بخشیدن منافقان به اعمال ناپسند خویش است.

لجاجة منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۵

۵ منافقان صدر اسلام ، علی رغم امتحانات مکرر الهی ، متنبه نگشته و توبه نمی کردند .

أولاً یرون أنهم یفتنون .. ثم لا یتوبون ولا هم یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۶

۶ - منافقان صدر اسلام ، با علم به این که احکام و فرمان های خدا و رسول او ، به دور از ظلم و احجاف بود ، به آنها تن در نمی دادند .

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <بل> در <بل أولئک..> برای اضراب ابطالی باشد؛ یعنی، منافقان این گونه نبودند که گمان کنند که خدا و رسول او، به آنان ظلم می کنند؛ بلکه می دانستند که خدا و رسولش، عادلانه حکم می کنند.

لجاجة ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲- ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثم أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق

پیامبر(ص) استفاده می شود.

لجاجت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاء کم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلتهم فلم قتلتموهم ان کتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۹

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

لجاجت یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول

وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

محمد(ص) و لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، مبرا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصب جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ لجاجت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۹

۹ - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أكثرهم لا يعلمون

قید <أكثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

موارد لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۷

۷ - بی اعتنایی به ضرورت ها و احتیاط های عقلی ، کج روی و لجاجت است .

قل أراءيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ

از آن جا که بی اعتنایی به احتمال نزول قرآن از سوی خداوند، موجب گمراهی دانسته شده است، استفاده می شود که برای پرهیز از گمراهی به عنوان ضرر، باید به احتمال منتهی به آن اعتنا کرد.

موانع لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - توجّه به وقوع حتمی وعده های

الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد الله حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

مؤمنان و لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، میرا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند ، در عین مشاهده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او ، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است .

اللّٰه الذی جعل لکم الیل . . . ذلکم اللّٰه ربّکم ... فأنّی تؤفکون . کذلک یؤفک الذی

لجوج

ایمان کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۱۸ اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله

بی تأثیری معجزه بر لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۴

۴ لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا... و كلمهم الموتى... ما كانوا ليؤمنوا

تهدید کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است.

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد.

فسوف تعلمون . من یأتیه عذاب یخزیه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از عذاب خوارکننده، به قرینه ذیل آیه که از عذاب دائمی (اخروی) سخن می گوید عذاب دنیایی است.

تهدید مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد.

فسوف تعلمون . من یأتیه عذاب یخزیه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از عذاب خوارکننده، به قرینه ذیل آیه که از عذاب دائمی (اخروی) سخن می گوید عذاب دنیایی است.

روش برخورد با کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۸

۸- رهنمود خدا به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

روش برخورد با مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۸

۸- رهنمود خدا

به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

عذاب کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است.

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناک، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند.

إن الذین لایؤمنون بأیت الله .. لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۳

۳- کافران متعصب و لجاجت پیشه، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند.

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا ليؤمنوا... و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ٩٣ - ١١

١١ اندوهناك شدن بر هلاکت كفرپيشگان لجوج ، حتى در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم

کفرین

کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناک ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله .. لهم عذاب أليم

محرومیت کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و يعف عن كثير . و يعلم الذين يجدلون في آياتنا ما لهم من محيص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محمد(ص) و کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ ناآگاهی اغلب مشرکان لجوج به تعیین کننده بودن مشیت الهی جهت متمایل ساختن آنان به ایمان

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن أكثرهم

متعلق <یجهلون> می تواند <مشیه الله> باشد، یعنی اکثر مشرکان به نقش مشیت الهی ناآگاه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۸

۸- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (ص)

بل أكثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۶

۶- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر ، در میان مشرکان و منکران معاد

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ... وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَيَعْلَمُونَ

بنابراین که ضمیر <هم> به مشرکان مکه بازگردد؛ از مفهوم <أكثرهم> استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقانیت معاد، به انکار آن می پرداختند.

هشدار به کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

لجوجان

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیر ناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه .. قال هذه ناقه ... فعقروها

لذايذ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار لذايذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأفعدن لهم صرطك المستقيم .. لا تجد أكثرهم شكرين

ارزش لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خير من اللهو و من التجره

اعراض از لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۲

۲۲ - ضرورتِ دل بستن به عاقبت نیک و دل خوش نبودن به لذت های زودگذر

والعقبه للتقوى

اهمیت لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۳

۳- ارزش ها و لذت های بهشتی ، فراتر از تصوّر و اندیشه بشر

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون

در صورتی که واژه <مثل> به معنای تمثیل و تشبیه باشد، می رساند که بیان نعمت های اخروی بدون استفاده از تمثیل و تشبیه، برای بشر قابل فهم نیست.

بهترین لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : > ان اطیب شیء فی الجنه و ألدّه حبّ اللّٰه و الحبّ فی اللّٰه و الحمد لله قال اللّٰه عزوجل : > و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین < . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین

دعا [و گفتار] مؤمنان در بهشت <الحمد لله رب العالمين> است <

بهترین لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۸، ۹، ۱۴

۸ پرتوی از خشنودی و رضوان الهی، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من الله أكبر

نکره آمدن <رضوان> می تواند برای تقلیل باشد، یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

۹ رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من الله أكبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت، لذت معنوی و روحانی است.

و رضون من الله أكبر

بهترین لذایذ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۸

۸ پرتوی از خشنودی و رضوان الهی، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من الله أكبر

نکره آمدن <رضوان> می تواند برای تقلیل باشد، یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

بی ارزشی لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ ناچیزی بهره‌وری‌ها و لذایذ زندگی دنیوی، در مقایسه با ثواب‌ها و ارزش‌های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم... أولئک حبطت أعمالهم... و أولئک هم الخسرون

با اینکه کافران و منافقان در دنیا بهره‌مند بوده‌اند، خداوند ایشان را زیانکار واقعی معرفی می‌کند؛ زیرا لذایذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی

بهره اند.

بی ارزشی لذت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیوی کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ... وَالنَّارِ مَثْوًى لَّهُمْ

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذت جویی های آنان را ارزش نپندارند؛ زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

پوچی لذت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

تحریم لذت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ سوگند بر تحریم طبیات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لَا يَأْخُذُكُمْ اللَّهُ بِاللُّغُو فِي أَيْمَانِكُمْ

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول الله فقد حلفنا علی ذلك فانزل الله تعالی <لا یؤاخذکم الله باللغو فی أیمانکم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰؛

نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

تلاش برای لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۶ - ۵

۵ - دنیا، عرصه تلاش برای رسیدن به لذت های آخرت است .

فلیتنافس المتنافسون

جاودانگی لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جئات تجری..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک يوم الخلود

عوامل علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌وری در لذت‌های دنیا، پشیمانی است.

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یاأکلوا... فسوف یعلمون

عوامل لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۲

۲- بهشت و نعمت‌های گسترده آن، مایه بهره‌وری و لذت کامل بهشتیان و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی *

فکھین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که <فاکھین>، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به

بهره‌وری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت‌ها است.

فرجام علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌وری در لذت‌های دنیا، پشیمانی است.

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یا کلوا... فسوف یعلمون

لذایذ اخروی انسان‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴- انسان در حیات اخروی، دارای تمایلات و لذت‌های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ

از این که خداوند وعده به <جَنّات> و <نهر> داده است، استفاده می‌شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۸

۸- تمامی زیبایی‌ها و لذت‌های مورد تمایل اهل تقوا، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

لذایذ اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ .. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تقواییشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۸

۸ - تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا ، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۵

۵ - لذت های جنسی تقواییشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت‌مندی آنها است .

مفازًا .. و کواعب أترابًا

لذایذ اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائک ینظرون

لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۶

۱۶ انسانها از گمراه شدن توسط جنیان لذت و بهره می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . *

و تلذّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <تلذّ الأعین>

از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۱

۱ - لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

مَتَّكِينِ عَلٰی رَفْرِفِ خَضْرٍ .. فَبَآئِٔ اِلَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذٰبَانَ

لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ

<فاکھون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکھون> خبر دوم برای <إِنَّ> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مَتَّكُونُونَ

جمله <هم و أزواجهم..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در

حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۱ - ۳

۳ - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جَنَّتِ النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إني

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پراز ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۵ - ۳

۳ - لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

لذایذ جنسی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۴،۵

۴ - وجود لذت های جنسی در بهشت

و کواعب أترابًا

۵ - لذت های جنسی تقوایبشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازًا... و کواعب أترابًا

لذایذ جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴،۱۵

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

لذايذ چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱

۱۲ - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . *

و تلذُّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <تلذُّ الأعین> از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

لذایذ حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۸

۸ حرمت هر گونه بهره گیری جنسی از محارم نسبی ، رضاعی و سببی

حرمت علیکم امهاتکم . . . و حلائل ابنائکم

اسناد حرمت به خود <امهات و . . . > می رساند که نه تنها ازدواج، بلکه هر گونه استمتاع و بهره گیری جنسی از زنان یاد شده، حرام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱

۱ حرمت بهره گیری جنسی از زن شوهردار و ازدواج با وی ، هر چند مسلمان نباشد .

حرمت . . . و المحصنات من النساء

قید <من النساء> برای <المحصنات> قیدی تأکیدی است و شمول آن را نسبت به زن غیر مسلمان افاده می کند.

لذایذ دنیوی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۴

۴ - مشرکانِ ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

<اشیاع> (جمع <شیعه>) به معنای پیروان است و در آیه به قرینه <من قبل> مراد کسانی است که مشابَهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

لذایذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا

لذایذ دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۱،۲،۴

۱ - بین مشرکان و لذت های دنیوی شان ، پس از مرگ فاصله می افتد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

این که مراد از <ما یشتهون> چیست احتمال های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله آنها لذت ها و مال و اموال دنیایی است.

۲ - مشرکان صدراسلام و پیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

۴ - مشرکان ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

<اشیاع> (جمع <شیعہ>) به معنای پیروان است و در آیه به قرینه <من قبل> مراد کسانی است که مشابهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

لذایذ دنیوی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام و بیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

لذایذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ وجود خواسته ها

و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

لذایذ قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹

۹ - از دید دنیاطلبان، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه ... قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است؛ یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

لذایذ مادی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۲

۱۲- انسان، در حیات اخروی همانند دنیا، دارای نیازها و لذت های مادی

فیها أنهر من ماء .. من لبن ... من خمر ... من عسل مصفّی و لهم فیها من کلّ الثم

توصیف ها و ترغیب های خداوند به اموری چون نهرهای آب گوارا، شیر، شراب و عسل می رساند که انسان ها در آخرت از این امور مادی، لذت می برند و بدین لذت ها نیازمنداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴ - انسان در حیات اخروی، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از این که خداوند وعده به <جنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

لذایذ مادی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت ... مسکن ... و

رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۴

۴ - انسان در بهشت ، دارای ویژگی های موجود مادی است و از خوردنی ها و آشامیدنی ها لذت می برد .

كلوا و اشربوا هنيئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۲

۲ - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنت النعيم .. لا يسمعون فيها لغواً و لا تأثيماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذايذ مادی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۵

۵ - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

يطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

لذايذ مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذره‌م یا کُلُوا و یَتَمَتَّعُوا

لذایذ مجاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲

۲ جواز بهره‌گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی

حَرَمَتْ .. و المحصنات من النساء الا ما ملکتم ایمانکم

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

لذایذ معنوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۴، ۱۰

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت .. مسکن ... و رضون من الله أكبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۲

۲ - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنت النعیم .. لا یسمعون فیها لغوا و لا تأثیما

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از

بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

محدودیت لذایذ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۱

۱ - بهره مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود

است .

كلوا و تمتعوا قليلاً

محرومان از لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۳

۳- مرفهان تکذیب گر و دین ستیز ، از هرگونه آسایش و راحتی یا لذت و کام جویی در قیامت ، محروم خواهند بود .

و ذرنی و المکذبین أولی النعمه . . . و طعامًا ذا غصه و عذابًا أليماً

تأکید خداوند بر گلوگیر و درد آور بودن کیفر صاحبان ثروت و رفاه، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

محرومیت از لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰- اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الكتب و المشركين في نار جهنم . . الذين ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

ناپسندی علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۸

۸- متمرکز کردن تمامی هم و تلاش بر بهره‌وری هر چه بیشتر از تمتعات و لذت های دنیوی و دل بستن به آرزو های واهی ، امری ناپسند و محکوم است .

ذره‌م یا کلوا و یتمتعوا و یلههم

آیه، تعریض است به اینکه: کافران هدایت ناپذیر، تمام همشان تمتعات دنیوی است؛ لذا باید آنان را به حال خود رها کرد و این حاکی از ناخرسندی خداوند از آنهاست.

ویژگیهای لذایذ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۱

۱ - بهره

مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود است .

كلوا و تمتعوا قليلاً

لذت طلبی

آثار لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۹

۹- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر خوش گذرانی ، در پی دارنده عذاب ذلت بار اخروی

أذهبتم طيباتكم في حياتكم الدنيا و استمتعتم بها فاليوم تجزون عذاب الهون

زمینه لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۵

۵- بی اعتقادی به معاد ، گرایش دهنده انسان به لذت جویی هر چه بیشتر از امکانات دنیایی

الذين كفروا .. أذهبتم طيباتكم ... و استمتعتم بها

مخاطب قرار گرفتن لذت جویان با عنوان کفر، می نمایاند که این وصف در گرایش کافران به لذت جویی و حرص بر لذت های دنیایی نقشی اساسی دارد.

سرزنش لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۰، ۹

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

لحن شدید توییخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است نه غوطهور در لذت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الآن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتعون

و يأكلون كما تأكل الأنعام > دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

فرجام لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . . . و الذین کفروا... النار مثوی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

لذت طلبی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۹

۹ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متّکین علی فرش . . . فیهنّ قصر الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۴

۴ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

لذت طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنت تجری..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی

است.

لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طيباتكم في حياتكم الدنيا و استمتعتم بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷۸

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۸- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذت طلب و شکمباره

یتمتعون و یأکلون ... و النار مثوی لهم

لطف خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لطف خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۷

۷- رفق و مدارای خداوند نسبت به عموم انسان ها

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ

برداشت فوق بر این اساس است که <لطیف> از <لطف> (رفق و مدارات) مشتق شده باشد. بنابراین متعلق <لطیف> در جمله یاد شده محذوف است یعنی، <أَنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ بَعَادَهُ>.

آثار ذکر لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . . . فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص)

به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

آثار علاقه به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - تقوایبندگان ، با انفاق کردن اموال خود ، نعمت علاقه مندی به لطف خدا را پاس داشته ، از آن قدردانی می کنند .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

آثار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۶

۶ - دستیابی به هدایت در گرو الطاف خدا و رحمت اوست .

أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمه و أولئك هم المهتدون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أولئك> (در ذیل آیه) اشاره به مشمولین صلوات و رحمت - که از <أولئك عليهم> به دست می آید - داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لا یکلمهم الله یوم القیمه و لا یرکبهم و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۸

۸ رهایی انسان از گرفتاری ها و مصایب ، در گرو مشیت خدا و بسته به لطف و رحمت اوست .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۷

۷- لطف و عنایت خداوند در هدایت انسان مؤثر است .

و اجنبی و بنی آن نعبد الأصنام . ربّ إِنْهَنّ أضللن کثیرًا من الناس

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) از خداوند خواستار نجات فرزندانش شد، معلوم می شود که عنایت و لطف خدا در هدایت مؤثر بوده و انسان نیازمند به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۳

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مایوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إنا نبشّرك بغلمِ عَلیم . قال أبشّرتمونی علی أن مسنی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۴

۴- ابراهیم (ع) امیدوار به فرزنددار شدن در کهنسالی ، در پرتو لطف و رحمت الهی

فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلا الضالّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۱

۱- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلا رحمه من ربّک

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمه> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را

نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۲۱، ۲۰

۲۰- حضرت ابراهیم (ع)، لطف و عنایت ویژه خداوند به خود را، پشتوانه پذیرش استغفار خود می دانست .

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

۲۱- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع)، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم عليك .. إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

جمله <إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا> پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، به عنایت خداوند، دارای گفتارهایی راستین و پرتین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیًّا> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۵، ۶

۵- برکت یافتن هر سرزمین، درگرو خواست و عنایت خدا است .

إلى الأرض التي برکتنا فیها

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش، برکت و توجهات خداوند

به آن

إلى الأرض التي برکنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۶

۶- عدم امکان برخورداری زکریا (ع) از فرزند ، طبق عوامل طبیعی و بدون لطف الهی

و زکریا إذ نادى ربّه .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه

از این که زکریا(ع) گفت: <خدایا مرا از تنهایی نجات ده به من فرزند عطا کن>، می توان استفاده کرد که اگر خداوند دعای او را مستجاب نمی کرد ایشان از داشتن فرزند محروم می شد و تا آخر عمر تنها می ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۲

۲- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان ، فلسفه دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلاّ رحمہ للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۱

۱- قرآن ، نشأت یافته از رحمت و لطف الهی به انسان ها است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵- مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است بلکه از باب

رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، ناشی از رحمت و لطف او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشداری است به شرک پیشگان صدراسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ،

معلول رحمت و لطف او است؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۵

۵ - تسلط انسان بر زمین و بهره گیری گسترده وی از نعمت های آن ، تدبیری الهی و نشان دهنده الطاف خداوند در حق وی

و يجعلکم خلفاء الأرض

اسناد <جعل> به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می جوئید، امری اتفاقی نیست؛ بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر <خلفاء الأرض> اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - لطف و آگاهی همه جانبه خداوند ، منشأ صدور احکامی خاص برای همسران پیامبر

قل لأزواجک . . . ينساء النبی . . . و اذکرن ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

۱۲ - علم و لطف خداوند ، منشأ اعطای عصمت به اهل بیت پیامبر (ص)

إِنَّمَا يَرِيدُ

اللّٰه ليذهب عنكم الرجس أهل البيت .. إنّ الله كان لطيفاً خبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۲،۳،۴،

۱ - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربّي لکننت من المحضرين

۲ - توفیق نجات از پیامد های هلاکت بار معاشرت با افراد فاسد و منحرف ، نعمت و لطف الهی است .

و لولا نعمه ربّي لکننت من المحضرين

۳ - رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامد های سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربّي لکننت من المحضرين

۴ - انسان ها در جامعه فاسد و محیط منحرف ، بدون ایمان به خدا و لطف او ، در معرض انحراف و هلاکت اند .

و لولا نعمه ربّي لکننت من المحضرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ - بدون کمک و عنایت خداوند ، صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إني أرى في المنام أنّي أذبحك .. قال يأبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من

مسأله ذبح اسماعيل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء الله

من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۸

۸ - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - اخطار و بیم دادن خداوند به بندگانش ، از روی لطف و مرحمت او است .

ذَلِكَ يَخَوْفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَعْبَادُونَ فَاتَّقُونَ

تعبیر <ای بندگان من > نشانگر اظهار لطف خداوند به بندگان خویش است. گفتنی است که اظهار لطف پس از تهدید به آتش دوزخ، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ؛ نه از استحقاق آنان .

و من تق السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

بعید . الله لطيف بعباده يرزق من يشاء و هو القویّ العزيز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است ؛ ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید .. لطیف ... يرزق من يشاء و هو القویّ

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگر منکران معاد و گمراهان، بر باطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۸

۸ - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

الله لطيف بعباده .. و هو القویّ العزيز ... و يمح الله البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ - < نعمت ها > برخاسته از لطف و رحمت الهی و < مصائب و سختی ها > نتیجه عملکرد خود آدمی است .

و إنا إذا أذقنا الإنسان منا رحمة .. و إن تصبهم سيئه بما قدمت أيدهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۴

۴ - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

إِنِّي بَرَاءٌ لِّمَا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي ... وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ

فاعل <جعل> به قرینه آیه بعد می تواند خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۹

۹ - امکان فرزنددار شدن زن کهنسال و نازا ، در پرتو لطف و عنایت الهی

و بَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ .. قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ . قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱،۴،۵

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

۴ - بهشتیان ، قدردان لطف الهی اند ؛ نه مغرور به عمل خویش .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

۵ - انسان ها ، بدون لطف و رحمت خداوند ، در معرض ابتلا به عذاب دوزخ اند .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه کفالت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت

بنعمت ربك بکاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۴

۴ - رونق کشاورزی ، نشانه لطف و رحمت الهی به انسان ها است .

لو نشاء لجعلنه حطماً . فظلمت تفكّهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۲

۱۲ - امید بستن به حل مشکلات زندگی مشترک و تبدیل شدن سختی ها به آسانی ها در پرتو لطف و عنایت خداوند امیدی شایسته و بجا برای مؤمنان

سيجعل الله بعد عسر يسراً

آیه شریفه، ضمن امید بخشیدن به مردان و زنان درگیر با مشکلات زندگی مشترک، آنان را به رفع شدن مشکلاتشان در پرتو عنایت و لطف خداوند، امیدوار ساخته و به این امیدواری تشویق و ترغیب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۵

۵ - لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هرگونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲،۳

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدركه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیہ ربّہ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباہ > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۳

۳ - هیچ کس به صورت مستقل و بدون عنایت الهی ، به حقایق پنهانی و امور غیبی آگاه نیست .

فلا یظہر علی غیبہ أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۵

۵ - برخورداری از توجّہات و عنایت های خداوند ، مایه خشنودی انسان و دست یافتن او به فرجامی پسندیده و رضایت بخش

ابتغاء وجه ربّہ .. و لسوف یرضی

استمرار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱

۱ - لطف و رحمت پیوسته خداوند نسبت به بندگان خویش

اللّٰه لطیف بعباده

اقرار به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون (فرو بردن آنان در

(زمین)

لولا أن منّ الله علينا لخسف بنا

الگوئی امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۴

۴ - امیدواران به لطف خدا و معتقدان به روز جزا ، بهره مند از الگو های شایسته و الهی

لقد كان لكم فيهم . . . لمن كان يرجوا الله

امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم . . . إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ - امید پیامبران و تبلیغ کنندگان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم . . . إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم عليه من أجر إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

إِن أُجْرَى إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما

أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۵

۵- بشارت دادن و امیدوار ساختن افراد بی فرزند به فرزنددار شدن در پرتو لطف و عنایت خداوند ، کاری پسندیده و ارزشمند

إِنَّا نَبْشُرُكَ بَعْلَمٍ .. فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَنِطِينَ ... مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۶

۶- رهبران الهی و مصلحان جامعه اسلامی ، در معرض تبلیغات سوء و استهزای دشمنان بوده و باید به حمایت و لطف الهی امیدوار باشند .

المستهزئين .. و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱۰

۱۰- لطف و رحمت خاص الهی ، تنها نقطه امید زکریا در برخوردارشدن از فرزند بود .

فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۵

۵ - تنها در سایه پرهیز از گناه و توبه از خطاهای گذشته ، می توان به رحمت و لطف خدا امیدوار بود .

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا .. لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

به کار رفتن کلمه <لعلّ> که برای ترجیحی و امیدواری است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۶

۶ - توبه خالصانه ، موجب امیدواری بندگان به لطف و عنایت خداوند است .

توبوا إلى الله توبه نصوحًا عسى ربكم

مطلب

یاد شده، از تعبیر <عسی ربکم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۱

۱ - امیدواری باغداران یمنی پس از توبه و پشیمانی به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن <حیوان> بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به لطف خداوند ، خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گذاری است .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، <ابتغاء> از مصادیق <نعمه تجزی> خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت <ابتغاء> است. بنابراین وجود علاقه و دل بستگی به <وجه الله> که مایه <ابتغاء> است نعمتی است که باید به وسیله سپاس گذاری جزا داده شود (نعمه تجزی).

اهمیت امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ -

۲- توصیه فرشتگان به ابراهیم (ع) بر مأیوس نشدن از لطف و رحمت خداوند در زندگی

قالوا .. فلا تکن من القنطین

<قنوط> به معنای ناامید شدن از خیر است.

اهمیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخورداری از لطف و توجه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

تحصیل لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۷

۷ - نیل به هدایت و دستیابی به رحمت و الطاف الهی ، بشارت و مژده خداوند به صبرپیشگان راه ایمان

و بشر الصبرین .. أولئک ... هم المهتدون

جمله <أولئک علیهم ..> می تواند بیانگر بشارت و مژده ای باشد که <و بشر الصابرين> بدان اشاره داشت / یعنی: بشرهم بأن علیهم صلوات و ...

تداوم لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، با نوید آخرتی بهتر از دنیا برای پیامبر (ص) ، آن حضرت را به تداوم عنایت های خویش و نبود هیچ بغض و نفرتی نسبت به او ، مطمئن ساخت .

ما ودّعك .. و للأخره خير لك من الأولى

تفاوت مشمولان لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۱ - ۳

۳- برخوردارى همه انسان ها از فیض و عطای الهی ، به صورت یکسان و مساوی نیست .

کلاً نمَد

هُؤْلَاءُ وَ هُؤْلَاءُ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ .. انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض

حتمیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱

۱ - افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (ص)، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود.

أفضرب عنکم الذکر صفحاً أن کنتم قومًا مسرفین

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

ذکر لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۲

۱۲ - برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند در گذشته عمر، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است.

قال ربّ .. لم أکن بدعائک ربّ شقیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ - لزوم توجه همیشگی انسان به امداد ها و الطاف خداوند در حق وی

قلیلاً ما تذکرون

لحن آمیخته با سرزنش جمله <قلیلاً ما..> می رساند که خداوند خواهان توجه همیشگی انسان به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۳

۳ - توجه پیامبر (ص)، به ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به او، مایه اطمینان آن حضرت به قطع نشدن ارتباط الهی با او است

ما وَدَّعَكَ رَبِّكَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲

۸- توجه به عنایت های خداوند در رفع مشکلات رسالت ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی .. و وضعنا عنک وزرک

زمینه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۹

۱۹ توجه انسان به خدا و فرمانهایش ، زمینه ساز جلب لطف و رحمت او

نسوا الله فنیهم

با استفاده از مفهوم جمله <نسوا الله .. > برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۲

۱۲- برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند در گذشته عمر ، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است .

قال ربّ .. لم أکن بدعائک ربّ شفیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۶

۶- انقطاع کامل آدم (ع) از غیر خدا و معطوف شدن تمام توجه او به خداوند ، زمینه ساز عنایت دوباره خداوند به آن حضرت بود .

اجتبه ربّه فتاب علیه

حرف <فا> گویای تفریع <تاب علیه> بر جمله قبل است که بر گرد آمدن و جمع شدن همه علایق و وابستگی های آدم(ع) در توجه به خداوند دلالت داشت .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- لطف خداوند بر انسان ، بر اساس لیاقت و شایستگی او است .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده و کنا به علمین

برداشت یاد شده با

توجه به القای خصوصیت از مورد (حضرت ابراهیم(ع)) قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۹

۹- توسل و التجای ایوب (ع) به رحمت گسترده خداوند ، برای جلب لطف و عنایت او

و أیوب . . . و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۹

۹- بهره مندی از عنایات خاص الهی ، نیازمند به تلاش و عمل خود انسان است .

كُلِّمَن الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا إناهم من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۷۸

۷- بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند بودن زمینه های لایق و مستعد است .

۸ - عفت و پاک دامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتی أحصنت فرجها فنفضنا فیها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۲

۲ دعا و عبادت ، موجب توجه و عنایت خدا به انسان است .

قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۴

۴ - ایمان به

خدا و همراهی با پیامبران ، مایه نجات و بهره مندی از لطف و رحمت الهی

و نَجِّنِي و من معي من المؤمنين . فَأُنَجِّينَهُ و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۴

۴ - ایمان به خداوند ، مایه جلب لطف و رحمت او

و نَجِّينَهُ و أهله . .. إِنَّهُ من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، مایه جلب لطف و رحمت او

فَبَشِّرْهُ بِغَلْمٍ حَلِيمٍ . .. كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۲ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، مایه جلب لطف و رحمت او

و لقد متنا على موسى و هرون . و نَجِّينَهُمَا ... إِنَّهُمَا من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، موجب لطف و رحمت او

و تركنا عليه في الآخرين . .. إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۶

۶- عبودیت خداوند ، موجب بهره مندی از لطف و امداد الهی

أليس الله بكاف عبده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ - مودت اهل بیت پیامبر (ص) ، زمینه ساز برخورداری انسان از غفران و لطف الهی

قل

لا أسئلكم عليه أجرًا إلا الموده في القربى .. غفور شكور

با توجه به این که <إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ> پس از طرح محبت اهل بیت ذکر گردیده، مطلب بالا را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۵

۵ - ایمان و عمل نیک ، زمینه بهره‌وری از فضل و عنایات فزون تر خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و یزیدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - شمول لطف و رحمت الهی ، نسبت به گنه کاران ، در صورت اقدام عملی آنان به جبران گناهان

قل للمخلفین من الأعراب .. فَإِنْ تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۳

۳ - بهره مندی از لطف و رحمت خداوند ، منوط به شایستگی اعمال خود انسان

إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ . فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا

از ارتباط <فَمَنْ اللَّهُ..> با <كُنَّا قَبْلَ...>، استفاده می شود که عمل خود انسان زمینه ساز بهره‌وری او از رحمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۸،۱۰

۸ - عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا

تقدیم عبارت <الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا> بر <فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا>، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۰ - عفت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه

ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که عَفَّت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۸

۸ - توجّه به ربوبیت خداوند ، وادارسازنده انسان به تلاش برای کسب رضایت و لطف او است .

ابتغاء وجه ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲۲

۲۲ - تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب عنایت و توجّه خداوند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد، به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

سرزنش یأس از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتكن من القنطين

شدت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - لطف و عنایت خداوند به بندگانش ، بسیار شدید است .

قل یعبادی الذین أسرفوا

برداشت بالا از ندا کردن گنه کاران با عنوان عبودیت و نیز اضافه شدن <عباد> به ضمیر جلاله <ی> به دست می آید.

شرایط بهره مندی از لطف خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۹

۹ - بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند داشتن زمینه های شایسته و مستعد است .

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

عمومیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۲

۲- لطف و عطای خداوند در دنیا ، فراگیر همه انسان ها از مؤمن و کافر و نیک و بد

كَلَّا نَمَدَّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

عوامل امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

عوامل محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۵، ۱۴

۱۴ غفلت از خدا و فرمان های او ، عامل سلب شدن عنایت خدا نسبت به انسان و نیازهایش

نسوا الله فَنَسِيَهُمْ

۱۵ نقش اصلی عملکرد انسان ، در محرومیتش از لطف و عنایت الهی

نسوا الله فسيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۵

۵ - به تمسخر گرفتن مؤمنان و مضحکه قرار دادن آنان ، مایه محرومیت از لطف و رحمت الهی

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا .. و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

۲۶ - رواج دادن فساد در جامعه ، موجب محرومیت از لطف و محبت خداوند است .

و لا تبغ الفساد فی الأرض إنّ الله لا یحبّ المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

غفلت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۹

۹ - انسان ها در بیشتر عمر خود ، غافل از الطاف الهی در حق خویش

قلیلاً ما تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توییح کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیء الآء ربکما تکذبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۴

۴ فراخوانی انسان ها

به اسلام، علت و فلسفه توجه و عنایت خداوند به آنان است.

قل ما یعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۲

۲ - گسترش الطاف و رحمت خاص الهی بر مؤمنان صبور، پرتوی از ربوبیت خداوند است.

من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۲

۱۲ رأفت الهی به مؤمنان، با خرید جانشان در برابر رضایت خویش

و من الناس .. و الله رءوف بالعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۷

۷ نماز و حالات معنوی انسان، زمینه دریافت الطاف خداوند

فنادته .. و هو قائم یصلّی فی المحراب

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: انّ طاعه الله عزّ و جلّ خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته یعدل الصّلوه فمن ثمّ نادت الملائکه زکریّا و قو قائم یصلّی فی المحراب.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۲، ب ۳۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۸

۸ عنایت خاص خداوند به مریم (س)

یا مریم انّ الله اصطفیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۵

۵ توجه و لطف خاص خداوند به اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا

با توجه به آیات قبل که

خطابِ مستقیم به اهل کتاب ندارد، ولی نسبت به اهل ایمان، خطابِ مستقیم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۸

۱۸ لطف و عنایت خاصّ خداوند نسبت به پیکارگران نبرد احد

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۲

۲ لطف و عنایت خداوند به کشته شدگان در راه او (شهیدان)

فرحین بما اتیهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۷

۷ توجه خاصّ خداوند به مؤمنان واقعی و حمایت و پشتیبانی مستمر از آنان

ما كان الله ليدر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

ظاهراً مراد از <المؤمنین ۹>، مؤمنان خالص و واقعی می باشد و مخاطبان <انتم>، کلّ جامعه اسلامی اعم از خالص و ناخالص است. بنابراین معنای آیه چنین است: خداوند، مؤمنان واقعی را به حال خودشان رها نمی کند که همچنان با ناپاکان مختلط باشند و ناخالصان مشخص نگردند. و این، حاکی از توجه خاص خداوند به مؤمنان واقعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳

۳ خردمندان مؤمن ، مورد لطف و عنایت پروردگار هستند .

فاستجاب لهم ربهم

اجابت سریع دعای خردمندان مؤمن و نیز اضافه تشریفیه در <ربهم> (پروردگارشان)، دلالت بر عنایت و لطف خاصّ

خداوند به آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت رعایت حقوق یتیمان

وليشخس الذین . . . ذریه ضعیفاً ... ولیقولوا قولاً سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۴

۴ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

انّ الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً انّما یا کلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۸

۸ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ لطف و عنایت و خیرخواهی خداوند نسبت به بندگان

انّ الله نعمًا یعظکم به

با توجه به کلمه <موعظه> که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۷

۷ ضعف روحیه دشمنان و ناتوانی آنان از رویارویی با مسلمانان ، از عنایات خداوند

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

تقديم <سلطهم> بر <قاتلوكم> می رساند که مراد از سلطه، جرأت و بیباکی است؛ یعنی اگر خدا می خواست ترس را از آنان زایل می کرد و در نتیجه با شما می جنگیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۳

۱۳ اهمیت والای

نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منصوب آوردن <المقیمین> به تقدیر <امدح> و <اخص> برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۸

۴۸ بخشایش گناه بندگان از سوی خدا همراه با لطف و مهربانی بر ایشان است .

فإنَّ اللهَ غفورٌ رحیم

در برداشت فوق <رحیم>، صفت برای <غفور> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۹

۱۹ عنایت خداوند به عزت و شوکت مسلمین در برابر یهود و نصارا

فعسى الله ان يأتى بالفتح او امر من عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۵

۵ الفت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر، و پرهیز از دشمنی، مورد عنایت و خواست الهی

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء

نهی مؤکد خداوند از شرابخواری و قماربازی و معرفی شراب و قمار به عنوان عوامل تفرقه و دشمنی حکایت از آن دارد که الفت و مهربانی بین اهل ایمان مورد عنایت خاص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۴

۴ مرکزیت کعبه برای قوام مردمان ، لطف الهی به ایشان

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۹

۹ عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

یجعله علی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۱۳، ۱۲، ۹

۹ خداوند در عین آگاهی بر کردارهای آدمیان، به آنان لطف دارد.

هو یدرک الأبصر و هو اللطیف الخبیر

از معانی <لطیف> رفق و لطف است و مقتضای کنار هم آمدن دو صفت لطیف و خبیر، خصوصاً در صورتی که <الخبیر> صفت <اللطیف> باشد، برداشت فوق است.

۱۲ عن أبي الحسن (ع) في حديث: ... انما قلنا اللطيف للخلق اللطيف و لعلمه بالشيء اللطيف او لاترى إلى اثر صنعه في النبات اللطيف ... و من الحيوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا يكاد تستبينه العيون

از ابوالحسن (امام رضا یا امام هادی علیهما السلام) روایت شده است: .. اطلاق وصف <لطیف> بر خداوند به سبب آن است که آفریننده اشیا یی لطیف است و به اشیا یی لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

۱۳ عن أبي الحسن الرضا(ع): .. و اما اللطيف فليس قله و قضافه و صغر، و لكن ذلك على النفاذ في الاشياء و الامتناع من ان یدرک ... و كذلك لطف الله تبارک و تعالی عن ان یدرک بحد او یحد بوصف ... و اما الخبیر فالذی لا یعزب عنه شیء و لا یفوته شیء، لیس للتجربه

و لا الاعتبار بالاشياء فيفيده التجربه و الاعتبار علما

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. <لطیف> در صفات خداوند به معنای کمی و ریزی و کوچکی نیست، بلکه اطلاق این صفت بر ذات اقدس او به سبب نفوذش در اشیا و ممکن نبودن درک ذات باری است ... و اما <خبیر> به معنای آن است که هیچ چیز بر او پوشیده نیست و چیزی از حیطة آگاهی او بیرون نمی باشد. آگاهی و علم خداوند از راه تجربه و اکتساب حاصل نمی شود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۲

۲ ارائه آگاهی به انسان، پرتوی از ربوبیت و لطف الهی است.

قد جاءكم بصائر من ربكم

تکرار ضمیر <کم> و اضافه رب به آن بیانگر لطف خداوند به بندگانش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۲

۲ پیامبر(ص) از لطف و عنایت ویژه خداوند برخوردار است.

اليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۴

۴ موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً . .. و إذ أنجینکم من ءال فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث بر گرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که

پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۴

۴- نعمت ها و امکانات مادی ، لطف و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

كَلَّا نَمَدُّ .. من عطاء ربِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷- لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و

رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنهم .. للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - پیدایش دوستی و محبت میان انسان ها ، برخاسته از لطف و عنایت خداوند و از آیات او است .

و من ءایته .. و جعل بینکم مودّه و رحمه

نکته فوق بنابر این احتمال است که خطاب <و جعل بینکم مودّه.. > خطاب به همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- هشدار خداوند از فریب خوردن به وسیله عوامل اغواگر (همچون شیطان) درباره خدا و لطف و بخشش او

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

<باء> در <بالله> برای

ملايست است که بر سر مضاف مقدر (مانند <بشأن الله>) وارد شده است و مراد از <الغرور> به قرينه آيه بعد شيطان مي باشد. طبق نظر مفسران، مقصود از فريب خوردن دربارۀ خدا، مي تواند اين باشد که شيطان انسان را به عفو و بخشش خداوند مغرور مي سازد و او را به تکرار گناه، روي آوردن به متاع هاي دنيا و غفلت از آخرت سوق مي دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتي ناسپاس اند .

ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلي برخورداري، نوعي ناسپاسي در برابر صاحب اصلي نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲۰

۲۰ - عزت و اقتدار خداوند ، توأم با رحمت و لطف او است .

و هو العزيز الغفور

برداشت ياد شده، مبتني بر اين نکته است که <غفور> صفت براي عزيز باشد.

محرومان از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قيامت لطف خویش را از کتمان کنندگان احکام و معارف دين دريغ کرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ .. لَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جمله <ولا يكلمهم الله> كنايه از خشم خدا و دريغ کردن لطف و رحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ منافقان ، محروم از عنایت و توجه خدا به خاطر نسیان و غفلت آنان از او

المنفقون و المنفقت . . نسوا الله فَنَسِيَهُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۶

۶- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

و لا هم ينظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۵

۵ - طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار . . و يوم القيمة هم من المقبوحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ - انسان های مغرور و سرمست ، محروم از لطف و محبت خداوند

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۷

۲۷ - فسادگران ، از لطف و محبت خداوند محروم اند .

و لاتبع الفساد فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۴ - ۲،۳

۲ - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قيل اليوم ننسىکم

۳ - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است

و قيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسيتم> برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۸

۸ - کافران و روی گردانان از عبادت خداوند ، دور ماندگان از هدف آفرینش و عنایت حق *

و ما خلقت .. إلا ليعبدون

از این که هدف الهی از آفرینش انسان، پرستشگری حق دانسته شده، استفاده می شود که کافران از هدف عالی خلقت که مورد نظر حق بوده دور مانده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۳ - ۳

۳ - مدعیان بی عمل ، مبعوض خداوند و بی بهره از لطف و مهر او

كبر مقتًا عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون

<بغض> نقطه مقابل <حَبَّ> است. به همین جهت در آیه بعد، نسبت به مؤمنانی که به گفته های خود پایبند می باشند، فعل <يحبَّ> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحًا لأصحاب السعير

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ - جوامع اسرافگر ، مستحق محرومیت از برکات و الطاف الهی

أن كنتم قومًا مسرفین

آیه شریفه،

نشانگر آن است که مسرفان، استحقاق محرومیت از نزول وحی را دارند؛ ولی لطف بی کران الهی موجب شده است که وحی ادامه یابد.

محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مراتب لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

مشمولان لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۱

۱ - الطاف و عنایت های خداوند ، ثناء و درود او و رحمت خاصش همواره بر مؤمنان صبرپیشه ، سایه گستر است .

أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمه

صلاه به معنای توجه کردن و مورد مهر قرار دادن است. (الکشاف)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتُمون .. لایکلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله

<إن الذين... لا يكلمهم الله> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۳

۳ پیامبر (ص)، برخوردار از لطف و محبت ویژه خداوند

عفا الله عنك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۲

۲- بندگان راستین و مؤمن برخوردار از لطف و عنایت ویژه خداوند و دارای مقام و منزلتی خاص در پیشگاه او

قل لعبادی

برداشت فوق بر این اساس است که اضافه در <عبادی> تشریفیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- انسان، مورد لطف و عنایت خاص خداوند و دارای مقام و مرتبه ویژه در پیشگاه اوست.

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۷

۷- حضرت ابراهیم (ع) برخوردار از عنایت ویژه خداوند و بقای نسل او، مورد توجه خاص الهی بود.

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلمِ عَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۲

۲- خاندان حضرت لوط (ع)، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلما جاء آل لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۳

۳- پیامبر)

ص (دارای شخصیتی والا در نزد پروردگار و برخوردار از عنایت و لطف ویژه او

فوربک

از اینکه خداوند در سوگند خویش پیامبر(ص) را مخاطب قرار داد و فرمود: <سوگند به پروردگار تو.. > برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۵

۵- پیامبر (ص) تحت تربیت و عنایت ویژه خداوند

و اعبد ربك حتى یأتیک الیقین

اضافه صفت <رب> به کاف خطاب که مرجع آن پیامبر است با توجه به این نکته که خداوند <رب> همه بندگان است، می تواند به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۵

۱۵- انسان ، بهره مند از لطف خاص خداوند و برخوردار از کرامت و مقام ویژه در جهان

و الله جعل لکم من بیوتکم ... و جعل لکم من الجبال ... لعلکم تسلّمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۱،۲،۵

۱- حمایت و لطف الهی ، همراه تقوایبندگان است .

إن الله مع الذین اتّقوا

۲- نیکوکاران ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

إن الله مع .. الذین هم محسنون

۵- هدایت گران و مبلغان صابر دین ، در قبال مکرها و اذیت و آزار دشمنان ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

و اصبر . . إن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٢٠ - ٤

٤- نعمت ها و امكانات مادي ، لطف

و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

كَلَّا نَمَدَّ . . من عطاء ربِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، تحت ربوبیت و عنایت ویژه خداوند

إن ربِّكَ أحاط بالناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، در مواضع دینی اجتماعی خویش به عنایت خداوند معصوم بود .

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، تحت عنایت ویژه و ربوبیت خاص خداوند

من أمر ربِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۵ - ۲

۲- ذوالقرنین ، در پرتو لطف پروردگار ، برخوردار از امکانات مادی بسیار ، بهره مند بود .

قال ما مکنتی فیه ربِّي خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۶،۷

۶- بنده نوازی و مهرورزی خداوند ، مایه برخورداری پیامبر (ص) از تربیت ها و الطاف او است .

ذکر رحمت ربّك عبده

این که خداوند، رحمت بر بنده اش زکریا را با تعبیر <ربّك> خطاب به پیامبر(ص) بیان کرد، اشاره به این نکته دارد که او در راستای تربیت آن حضرت نیز از رحمت بر بنده خود دریغ نخواهد کرد.

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص

. ذکر رحمت ربّك عبده زكریّا

گفته اند: <كهيعص> می تواند مبتدا باشد و <ذکر>، خبر آن. در این صورت خود <كهيعص>، یادی رمز گونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۷

۷- یحیی (ع) در پرتو عنایت های خداوند ، دوست دار او و سرشار از اشتیاق به وی بود .

حناناً من لدنا

در این برداشت، وصف <حناناً> بیانگر مهر و محبتی است که خداوند آن رانست به خود، به یحیی(ع) عطا فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۶

۶- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود .

و هزّی إلیک .. تسقط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۲۱، ۱۹، ۱۸

۱۸- حضرت ابراهیم (ع) ، پیوسته مشمول نیکی و لطف ویژه خداوند بود .

إنّه کان بی حفیّاً

<حفیّ> یعنی کسی که کمال نیکی و گرامیداشت را در حق دیگری دارد (بر گرفته از <لسان العرب>) و <کان> در این موارد، مفید ثبوت و دوام است، لذا مضمون جمله چنین است که خداوند همواره مرا مورد عنایت و لطف خویش قرار داده است. از معانی <حفیّ>، <عالم> نیز می باشد، ولی آنچه ذکر شد، با آیه تناسب بیشتری دارد.

۱۹- پیامبران و بندگان محبوب خداوند ، مشمول نیکی و لطف بسیار او هستند .

إنّه کان بی حفیّاً

۲۱- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع)، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت

قال سلم عليك .. إِنَّه كان بي حفيًّا

جمله <إِنَّه كان بي حفيًّا> پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۲

۲- خداوند ، عطاکننده بهشت به تقوایبندگان است .

نورث من عبادنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۶

۶- خداوند به پیامبر (ص) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد ، دلجویی کرده است .

فوربک لنحشرنهم والشیطن

ضمیر <فوربک> خطاب به پیامبر(ص) است. عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر(ص) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۰

۱۰- عنایت ویژه خداوند به پیامبر (ص) در خطاب های قرآنی

عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۳

۳- خداوند نسبت به موسی (ع) لطف و عنایت ویژه ای داشت .

روشن است که پرسش خداوند از موسی (ع) به جهت کسب اطلاع نبوده است، بلکه این سؤال می تواند آغاز باب گفت و گو باشد و علاوه بر توجه دادن موسی به استثنایی نبودن عصایش، اضطراب و هراس آن حضرت را نیز برطرف سازد. طرح این پرسش

و نیز خطاب دو باره < یاموسی > نشانه ابراز لطف و عنایت الهی به موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۹ - ۲

۲ - مکالمه خداوند با موسی (ع) ، همراه با ابراز لطف و رأفت به آن حضرت بود .

یموسی . . . قال ألقها یموسی

تکرار اسم، نشانه ابراز کمال علاقه به مخاطب است. در این آیات، علاوه بر لحن محبت آمیز آیات، نام موسی (ع) در خطاب الهی چند بار تکرار گردیده است که نشان از لطف و عنایت خاص خداوند به آن حضرت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۷

۷ - موسی (ع) ، بسیار مورد عنایت خداوند بود .

یموسی

اجابت سریع خواسته های موسی (ع) و تکرار تصریح به نام وی، بر توجه و عنایت خداوند به موسی (ع) دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - موسی (ع) پیش از گام نهادن در وادی طوی نیز مورد لطف و عنایت و مشمول نعمت سنگین خداوند شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

۳ - برخورداری موسی (ع) از نعمت بزرگ خداوند در گذشته ، مایه اطمینان او به اجابت حتمی خواسته هایش در وادی طوی بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

تعبیر < لقد > نشانه سوگند است. خبر از گذشته همراه با تأکید، برای ایجاد اطمینان نسبت به وعده های مربوط به آینده (أوتیت سؤلک) است.

۲- موسی (ع) از طفولیت، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت.

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَائِيحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۱۶

۱۶- محبوبیت یافتن در دل ها، لطف و عنایتی الهی است.

وَأَلْقَيْتَ عَلَيْكَ مَحَبَّةَ مَنِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۵،۶

۵- بنی اسرائیل، مورد عنایت و لطف الهی، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أَسْرَ بَعَادِي

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی> بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

۶- بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم، مورد عنایت و لطف خداوند

أَسْرَ بَعَادِي

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان <عبادی> در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند دلالت بر این نکته دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع)، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند.

با توجه به معنای لغوی <فرقان> (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۴،۵

۴- ابراهیم (ع) از امداد و لطف ویژه الهی در انجام رسالت خویش برخوردار بود .

قلنا ینار کونی بردًا و سلّمًا علی إبرهیم

۵- مبلّغان و دعوت کنندگان به توحید و معارف الهی ، در شرایط حساس و خطیر از لطف و امداد خداوند برخوردار خواهند شد .

قلنا ینار کونی بردًا و سلّمًا علی إبرهیم

نقل داستان نجات ابراهیم از آتش، می تواند به منظور دلداری به پیامبراسلام(ص) و مؤمنانی باشد که در شرایط دشوار مکه زندگی می کردند. همچنین برای بیان این نکته باشد که چنین امدادی، شامل حال تمامی یکتاپرستان و مبلغان دین توحیدی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند

از لطف ویژه خداوند

فنجينه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذين كذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۳،۸

۳- حضرت سلیمان (ع) ، مورد توجه و عنایت خداوند ، حتی در زمان داوود (ع)

و داود و سلیمان إذ يحکمان فی الحرث .. ففهمنها سلیمان

۸- داوود (ع) برخوردار از مقام والا در پیشگاه خداوند و بهره مند از لطف ویژه او

و سخّرنا مع داود الجبال یسبحن و الطیر

از آن جایی که خداوند، کوه ها و پرندگان را برای هم آوایی با داوود(ع) در تسبیح الهی تسخیر و رام کرد با آن که همه پدیده ها در حال تسبیح او هستند می تواند برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۰

۱۰- زکریا (ع) از عنایت و لطف ویژه خداوند برخوردار بود .

فاستجینا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا

تکرار <له> (برای او)، می تواند حاکی از عنایت خاص خداوند به زکریا(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۶

۶- عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود .

التي أحصنت فرجها

تقدم عبارت <وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا> بر <فَنفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا> می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد كتبنا .. أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۵

۵ مسلمانان ، مورد توجه و عنایت خدا هستند .

قل ما يعبؤا بكم ربّي لولا دعاؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونى ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إن ربك لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته

که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف

ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدراسلام، این آیه پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدراسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدراسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده؛ می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران

نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُو العزيز الرحيم

ذکر آیه <إِنَّ رَبِّكَ..> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه، این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت، تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۹

۹ - الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع)، الطافی آشکار برای همگان

و قال یا ایها الناس . . . إنّ هذا لهو الفضل المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۵

۵ - مادر موسی، برخوردار از منزلتی بلند در پیشگاه خداوند و

مورد لطف و عنایت ویژه او

و أوحينا إلى أم موسى . . . و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

مادر موسی، در این بخش از آیات محور داستان موسی قرار گرفته است و این می تواند حاکی از منزلت و جایگاه بلند او در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، برخوردار از لطف و رحمت ویژه خداوند

و لكن رحمه من ربك

نکره آمدن <رحمه> نشانگر ویژه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۶

۶ - زندگی هدایت یافتگان در جهان آخرت ، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است .

و ما عند الله خير و أبقى

با توجه به قید <عندالله> (نزد خدا) که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و ربك يخلق

اضافه در <ربك> تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و رَبِّكَ يَعْلَم

اضافه در <رَبِّكَ> تشریفیه و رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۷

۷ - پیامبر (ص)

، از لطف و عنایت ویژه خداوند برخوردار بوده است .

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

تعبیر <رَبِّكَ> به صورت اضافه تشریفی <رَبِّ> به <کاف>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۱

۱ - مسلمانان مکه ، مورد توجه ویژه خداوند بودند .

یَعْبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۷

۷ - مؤمنان راستین ، تحت عنایت و توجه ویژه پروردگارند .

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر <هم> که مرجع آن مؤمنان است با توجه به این که پروردگار، ربّ همه انسان ها است، می تواند به نکته یاد شده اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) تحت توجه و عنایت ویژه خداوند بود .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصَلُ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر مخاطب که مرجع آن پیامبر اکرم(ص) است می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۷

۷- پیامبر (ص) از عنایت ویژه خداوند، برخوردار بود.

ما یوحى إلیک من ربّک

اضافه شدن <ربّ> به ضمیر مخاطب مفرد که مرجع آن پیامبر(ص) است با توجه به این که خداوند، ربّ همه مؤمنان و انسان ها است، از عنایت ویژه خداوند به آن حضرت حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۱، ۱

- خداوند ، عطاکننده فضیلت هایی برای سلیمان (ع)

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و لسلیمن

<لسلیمان> عطف به <داود> در آیه قبل و متعلق به فعل محذوف <سَخَّرْنَا> است.

۱۱ - مسخّر و رام بودن جئیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فَضْلًا .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۷

۷ - مترفان ، خود را مورد عنایت ویژه خدا می دانند .

و قالوا نحن أكثر أموالاً و أولدًا و ما نحن بمعذبین

به قرینه جوابی که خداوند در آیه ۳۷ به مترفان داده است، به دست می آید که این کلام از ناحیه آنان، احتمالاً به منظور نکته یاد شده گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

قل إنّ ربّی یسط الرزق

سفارش خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت <ربّی> آمده است. چنین تعبیری حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر(ص) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مورد توجه و عنایت ویژه پروردگار

إنّ ربّی

گفتنی است که سفارش خداوند به پیامبر(ص) برای اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت <إِنَّ رَبِّي> آمده است.

چنین

تعبیری، حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر(ص) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۴

۴ - پیامبر اکرم (ص) ، تحت عنایت ویژه خداوند

قل إِنَّ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۸

۸ - پیامبر اکرم (ص) ، مورد عنایت ویژه خداوند

فبما يوحى إِلَيَّ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - انسان ، مورد لطف خداوند و برخوردار از جایگاه ویژه در پیشگاه او

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حَبًّا فمَنه يَأْكُلون

احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن برای تغذیه انسان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجَّينَه و أهله من الكرب العظيم

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجَّينَه و أهله من الكرب العظيم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۹- نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ، از نعمت‌ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوحاً... و نَجَّینَهُ و أهله من الكرب العظیم

برداشت

یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۸ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹۸ - ۴،۶

۴ - لطف و عنایت خدا، موجب شکست توطئه مشرکان علیه ابراهیم (ع) و پیروزی آن حضرت در برابر آنان

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

<أسفل> (مفرد <أسفلین>) در اصل به معنای فروتر است؛ ولی در آیه شریفه کنایه از شکست و به معنای مغلوب می باشد؛ زیرا انسان غالب، احساس برتری و انسان مغلوب، احساس فروتری می کند.

۶ - جبهه حق، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

برداشت یاد شده به خاطر این

نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۱

۱ - ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخوردار از برکات و فیوضات الهی

سلم علی ابرهیم . . . و برکنا علیه و علی إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها

و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۵

۳ - یونس (ع) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

۵ - دعا و تسبیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنه کان من المسبّحین .. و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۵

۵ - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، خانواده از دست

رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست؛ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند؛ ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۲- با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۴

۴- ایوب (ع) و همسرش ، مورد لطف و عنایت خداوند بودند .

و خذ بيدك ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) برای وفای به سوگند خود به شکلی آسان، در حقیقت لطف و عنایت الهی به ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۴ - ۳

۳- برخوردار شدن تقوای پیشگان از بهشت و نعمت های جاویدان آن ، براساس لطف و عنایت خدا به ایشان است ؛ نه به خاطر استحقاق و حق آنان بر خدا .

جنت عدن .. هذا لرزقنا ما له من نفاذ

تصریح بر خدادادی بودن بهشت و نعمت های آن در حالی که خدادادی بودن آن بر کسی پوشیده نیست

می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۳

۳ - بندگان مؤمن ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند .

یعباد الذین ءامنوا

برداشت بالا از تعبیر <یعباد> (ای بندگان من) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۶

۶ - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقوایبندگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض تنبؤاً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۴،۵،۸

۴ - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنت عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده؛ ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز در صورت صالح بودنشان وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

۵ - قرب و منزلت مؤمنان تائب و پیرو دین در پیشگاه

خداوند و لطف ویژه الهی به آنان

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

۸- بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

وَادْخَلَهُمْ جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

یاد کردن مسأله بودن پدران و .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد؛ زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

وَأُورِثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكُتُبَ

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره اعطای کتاب به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده است تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - مصون ماندن امت پیامبر (ص) از نابودی و کیفر دنیوی ، در پرتو عنایت ربوبی خداوند به آن حضرت است . *

و لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <هم> در <بینهم>، مربوط به کفار عصر بعثت باشد و نه قوم موسی. و از آن جا که خداوند در موارد امهال، تعبیر به <رَبِّكَ>

نموده است که نشانه عنایت ویژه خداوند به پیامبر(ص) می باشد مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۶،۲۰

۱۶ - جبران کاستی اعمال نیک مؤمنان ، از سوی خداوند

و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

برداشت یاد شده بنابر نظر عده ای از مفسران است که <نزد له فیها حسنًا> را بدین معنا گرفته اند: اگر در انجام عمل نیک

نقص و کاستی باشد، خداوند آن را جبران نموده و بر حسن آن می افزاید.

پذیرش کمترین عمل نیک مؤمنان از سوی خداوند ، نشانی از ارج گذاری او به بندگان خود

و من یقترف حسنه .. . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۶

۶ - لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

یقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۶

۶ - انسان ها ، با وجود گناه کاری و ناسپاسی ، برخوردار از فضل و عنایت بی کران الهی

و یعف عن کثیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۶

۶ - عنایت خداوند به هدایت تمامی انسان ها ، حتی مشرکان ستیزه جو

أفَضْرِبْ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ

آیه شریفه، نشانگر لطف و رحمت الهی است؛ بدین صورت که خداوند، حتی با مخالفت فراوان مشرکان، از فرو فرستادن قرآن دریغ نورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۵

۵- بنی اسرائیل گرفتار در چنگال فرعونیان ، مورد عنایت و عطوفت پروردگار

به کار رفتن تعبیر <عبادی> در حق بنی اسرائیل، بیانگر مطلب یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۵

۵- دور ماندن بهشتیان از ناگواری های جهنم ، در پرتو لطف و حمایت خداوند

و وقهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۸

۸ - نعمت ها و منافع دریا ، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سخر لکم البحر . . . و لتبتغوا من فضله

از این که بر منافع نهفته در دریا <فضل الهی> اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، قومی برگزیده و مورد عنایات الهی در گذشته تاریخ

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۴

۴ - شهیدان ، برخوردار از آسودگی خاطر در پرتو عنایت خداوند *

و یصلح بالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <بال>، به معنای قلب و خاطر باشد و <إصلاح> به معنای زدایش نگرانی ها و آرامش بخشیدن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دلدادگان به وحی و سخنان رسول (ص) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند در ره یابی به حق

و منهم من یستمع إلیک . . . و الذین اهتدوا زادهم هدی

<والذین اهتدوا> معرف چهره هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر(ص) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - حضرت ابراهیم (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه الهی و بقای نسل او مورد توجه خداوند

و بشروه بغلم علیم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۷

۷ - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهين بما ءاتيهم ربهم و وقيهم ربهم عذاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذين ءامنوا و اتبعتهم ذریتهم بايمن الحقنا بهم ذریتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فمن الله علينا و وقينا عذاب السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۶

۶ - پیامبر اکرم (ص) ، مورد عنایت ویژه پروردگار و برخوردار از نعمت خاصه او

فما أنت بنعمت ربك بكاهن و لامجنون

<باء> در <بنعمت> برای ملایست و <بنعمت ربك> حال از ضمیر <أنت> است / یعنی ، <حالكونك مصاحباً نعمت ربك> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت

از مهلکه طوفان ر و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود، اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نعمة من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۴

۴ - پیامبر اکرم (ص) مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و یبقی وجه ربک

با این که خداوند پروردگار همه انسان ها است ، اضافه <ربّ> به ضمیر <ک> اضافه تشریفی و بیانگر لطف و عنایت ویژه خداوند نسبت به آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۱

۱ - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً .. لأصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- پیامبر (ص)، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر <كَ> اضافه تشریفی و بیانگر مطلب بالا

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۷

۷ - پیامبر اکرم (ص)، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

اضافه <رَبِّ> به <کاف>، اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۸

۸ - صدیقان و شهدا (گواهان)، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الصدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

اضافه <رَبِّ> به ضمیر <هم> اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند، در قیامت به مؤمنان تقوایبیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند.

و يجعل لكم نورًا تمشون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است.

إن تقرضوا الله... يضعفه... والله شكور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق

گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۳، ۱۱

۱۱ - زنان مطلقه و شوهران تنگ دست آنان در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی مورد عنایت

و حمایت خدا قرار می گیرند .

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عَسْرٍ يُسْرًا

۱۳ - عنایت و لطف ویژه خداوند ، نسبت به قشر آسیب پذیر و محروم جامعه در تعالیم و تکالیف خویش

و من قدر علیه رزقه فلينفق ممّا آتیه الله .. سيجعل الله بعد عسر يسرا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <سيجعل الله ..> ناظر به تنگدستان (من قدر علیه رزقه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۱

۱ - اظهار لطف و شفقت خداوند ، نسبت به پیامبر (ص)

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحْرَمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ

در دیدگاه برخی از مفسران، ندای <يا أيها النبي>، برای تشریف و تکریم پیامبر(ص) است. بر این اساس، عتاب <لِمَ تَحْرَمَ> عتاب حقیقی و برای سرزنش نیست؛ بلکه نوعی اظهار لطف و شفقت به آن حضرت است. از این رو خداوند اجازه فرمود که سوگند خود را بشکنند و از قید آن آزاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - عنایت ویژه خداوند به پیامبر (ص) ، با آگاه کردن ایشان از امور پنهانی علیه آن حضرت

و أظهره الله عليه .. قال تَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، تحت تربیت خداوند و مورد عنایت و لطف ویژه او

بنعمه ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - قلم - ٤٨ - ٤٩ - ١

- ١

یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۲ - ۶

۶ - پیامبر اسلام (ص) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

فسّیح باسم ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر <ک>، اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۶

۶ - انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و الله جعل لکم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهره‌وری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

يَأَيُّهَا الْمَزْمَل

خطاب به پیامبر(ص) در حال استراحت و جامه به خود پیچیده به جای خطاب با عنوان رسول و بنی می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ

خطاب به پیامبر(ص) در حالی که آن حضرت ردا بر تن پیچیده است به جای خطاب با عنوان رسول و نبی می تواند

بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مورد عنایت ویژه خداوند در روز رستاخیز و انتقام گیرنده از دشمنان آن حضرت

إلی رَبِّکَ یومئذِ المستقرّ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر مخاطب (پیامبر(ص)) می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۲

۲ - مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی رَبِّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب رَبِّها ناظره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۶ - ۳

۳ - ابرار ، بندگان خاص خدا و مورد عنایت ویژه او

عیناً یشرب بها عباد الله

تعبیر آوردن از <ابرار> به <عباد الله>، بیانگر برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۸

۸ - ابرار ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند و دارای جایگاه بلند در پیشگاه او

و سقیهم ربّهم شراباً طهوراً

از این که آیه شریفه، کار نوشتن را به خداوند نسبت داده است، می توان به برداشت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - رحمت و لطف خداوند به مؤمنان و کیفر و عذاب ظالمان از سوی او ، براساس علم و حکمت او است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . يدخل من

يشاء فى رحمته و الظلمين أعدّ لهم عذاباً أ

برداشت یاد شده، بر این فرض مبتنی است که جمله <یدخل من یشاء..>، خبر برای <إِنَّ> در <إِنَّ اللَّهَ> و جمله <كان
الله عليمًا حكيمًا>، معترضه و یا حال باشد. بر این اساس توصیف خداوند به علم و حکمت، اشاره به این دارد که کار خدا
(رحمت یا عذاب)، مبتنی بر علم و حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۱

۱ - آگاهی پیامبر (ص) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت
ویژه او بود.

سنقرئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخوردارى از لطف و توجه خداوند، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است.

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلیٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحیٰ - ۹۳ - ۳ - ۶

۶ - با وجود ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به پیامبر (ص)، موردی برای خشم و بی مهری به آن حضرت وجود نداشت.

ربّک و ما قلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحیٰ - ۹۳ - ۴ - ۵، ۲

۲ - خداوند، با نوید آخرتی بهتر از دنیا برای پیامبر (ص)، آن حضرت را به تداوم عنایت های خویش و نبود هیچ بغض و
نفرتی نسبت به او، مطمئن ساخت.

.. و للأخره خير لك من الأولى

۵- قرآن پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خير لك من الأولى

مراد از < آخرت > و < اولی > چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱- زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف يعطيك ربك فترضى

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

۳- عطیه های خداوند به پیامبر (ص) در جهان آخرت ، جلوه ربوبیت او و در راستای رشد و کمال آن حضرت است .

يعطيك ربك

۴- خرسندی پیامبر (ص) در جهان آخرت ، مرهون عطای بی شمار الهی است .

يعطيك .. فترضى

حرف <فاء> دلالت دارد که آنچه رضایت پیامبر(ص) را در پی خواهد داشت، عطای مداومی است که فعل <يعطيك> بر آن دلالت دارد. گفتنی است که در آیه شریفه، دو نکته نهفته است: ۱. خداوند، عطای خود را به رسول الله(ص) افزایش می دهد تا حدی که او را راضی سازد. ۲. خداوند، هر چه را پیامبر(ص) دوست دارد و به آن راضی است، در اختیار آن حضرت می

نهد.

۵ - عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت ، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (ص) بر دنیای آن حضرت است .

و للأخِرهِ خَیْرَ لَکَ مِنَ الْأَوَّلِ . و لسوف یعطیک ربّک فترضی

۶ - دنیا ، فاقد زمینه مناسب برای بهره بردن پیامبر (ص) از عطا های ویژه الهی و رسیدن آن حضرت به خرسندی کامل

و للأخِرهِ خَیْرَ لَکَ مِنَ الْأَوَّلِ . و لسوف یعطیک ربّک فترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۶

۶ - خداوند ، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (ص) ، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید .

و لسوف یعطیک .. ألم یجدک یتیمًا فاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، با بیان زدودن فقر از زندگی پیامبر (ص) ، آن حضرت را به دوری از قهر و خشم خویش ، اطمینان بخشید .

و وجدک عائلاً فأغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱،۲

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لک صدرك

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر>

اعم از <قلب> است؛ زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

۲- خداوند، برخورداری پیامبر (ص) را از شرح صدر، به او یادآور شده، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند.

الم نشرح لك صدرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۱،۶

۱- خداوند، پیامبر (ص) را در عصر بعثت، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد.

و رفعنا لك ذکرک

۶- خداوند، با توجه دادن پیامبر (ص) به نعمت خوش نامی، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند.

و رفعنا لك ذکرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۶

۶- عنایت ویژه خداوند به قبیله قریش

لایلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴- فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

موجبات لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۶

۶- تقوایبشگی و احسان ، دو عامل جلب حمایت و عنایت الهی است .

إن الله مع

الذین اتقوا و الذین هم محسنون

ذکر تقوایبشگی و احسان، به صورت دو جمله مستقل، بیانگر این نکته است که هر یک از آن دو عاملی مستقل در جلب حمایت خدایند.

نشانه های لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۸

۸ فراوانی و رفاه و آسایش همواره نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذکرنا به فتحنا علیهم أبواب کل شیء حتی إذا فرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸،۱۷

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم کفار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

۱۷- مسخر و رام بودن نهر ها و رود ها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و سخر لكم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۵

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق .. و سخر لكم الشمس و القمر دائبین و سخر لكم الیل

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۰

۳۰ - برخی از سختی های زندگانی ، نعمت خداوند بر انسان و نشانه لطف او است .

و لقد منّا .. و فتّٰنک فتونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۸

۸ - تسخیر دریا های موج ، نمود بارز عنایت خداوند در مسلط ساختن انسان بر طبیعت

ألم تر أن الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فی الأرض و الفلک تجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۷

۷ - امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کنا عن الخلق غفلین .. و إنّ لکم فی الأنعم لعبره ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۱

۱ - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أیحسبون .. من مال و بنین . نسارع لهم فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ٦٢ - ٤

٤ - تكاليف

آسان ، جلوه امتنان الهی نسبت به انسان ها

و لَانْكَلَّفَ نَفْسًا اِلَّا وَسْعَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۲

۲ - هدایت خلق به وسیله کتاب آسمانی ، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی بر آنان

و اِنَّهٗ لَهْدٰی و رَحْمَهٗ

از این که خداوند پس از مطرح ساختن بُعد هدایتی قرآن، تنها به یک صفت دیگر (رحمت بودن آن) بسنده کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۷

۷ - مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

اَوَّلَمْ یُرَوۡاۗ .. اَنْعَمَّا فَهَم لَهَا مَلٰکُوۡنَ

از آمدن جمله <فهم لها مالکون> (با فاء تفریع) می توان برداشت بالا را استفاده کرد زیرا خداوند علاوه بر آن که انعام را برای بهره مندی انسان ها آفریده، مالکیت را نیز به انسان ها بخشیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخر کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذَلَّلْنٰهَا لَہِم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - جلوه فضل و لطف الهی در پاداش دادن به محسنان

ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

ملاك قرار گرفتن پاداش بهترین اعمال در

وقت جزا و پاداش، و بدترین اعمال در وقت عفو و چشم پوشی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۶

۶ - بهشت جاویدان، فراتر از استحقاق تقوایندگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورتنا الأرض نتبواً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - اعطای روزی به خلق، نمودی از لطف و رحمت و آگاهی خداوند به بندگان خویش

الله لطيف بعباده يرزق من يشاء

۵ - برخورداری گمراهان از روزی خداوند، نمود لطف او به بندگان خویش است؛ نه نشانه استحقاق آنان

لفى ضلل بعيد . الله لطيف بعباده يرزق من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۳

۳ - همسران زیبا، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذين ءامنوا و اتبعتهم ذرّيتهم بايمن الحقنا بهم ذرّيتهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - واقعه - ٥٦ - ٣٨ - ١

١ - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظيم الهى

به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ .. يَضْعَفَهُ ... وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۸

۸ - اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۳،۵

۳ - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامشَوْا فِي مَنَاقِبِهَا

مقصود از <مناكب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

۵ - وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا .. وَكَلَّوْا مِنْ رِزْقِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه .. فجعله من الصالحین

نیاز به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

۵- تمامی انسان ها، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند.

و لقد ءاتینا إبرهیم رشدہ من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷- نیاز انسان به لطف و حمایت خدا، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که

حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

وسعت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

يقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۵

۵ - رفق و مدارای خداوند ، نسبت به عموم انسان ها

و هو اللطيف

آثار لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۳

۳ - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زناى آنان ثابت شده است .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله

مفهوم جمله <و یدرؤا عنها العذاب؛ عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود> این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

احکام لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - > عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) (أن علیاً (ع) قال ، لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهنّ ملاءنه ...
والمجلود فی الفریه لأنّ الله عزّوجلّ یقول : و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً ... ؛

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاءنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود).. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: <و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۲،۳،۵

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم ولم

يكن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادت باللّ

۳- با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۵- <خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم > ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذین یرمون أزوجهم .. فشهده أحدهم أربع شهادت باللّ إنه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۴، ۵، ۱، ۲

۱- وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنا را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

۲- < لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم > ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

۴- با سوگند پنجم شوهر ، زناى همسر ثابت

گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

با سوگند پنجم شوهر که در آن پذیرای لعنت خدا می شود دو چیز به اثبات می رسد: ۱ زناى همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. ۲ صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

۵ - با اعلام پذیرش لعنت خدا در پنجمین سوگند از سوی شوهر مدعی زناى همسرش ، حد قذف و دیگر کیفر های آن ، از وی ساقط می شود .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۱،۲،۳،۴

۱ - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله

۲ - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله إنه لمن الكذابين

الف ولام <العذاب> ذکرى و اشاره به <مائه جلده> است که در آیه دوم آمده بود.

۳ - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زناى آنان ثابت شده است .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله

مفهوم جمله <و یدرؤا عنها العذاب> عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود< این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می

شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

۴ - < خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است > متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكٰذِبِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱،۲،۴

۱ - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِينَ

۲ - < لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد > ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِينَ

۴ - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

وَالْخَمْسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ .. وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِی

تشریح لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۱

۱ تحریم اُکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح < لعان > ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی

فاجلدوا.. والذین یرمون المحصنت... فاجلدوهم... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۳

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۱

۱ - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أن لعنت الله علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۲،۴

۲ - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد

کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

الف ولام <العذاب> ذکری و اشاره به <مائه جلد> است که در آیه دوم آمده بود.

۴ - < خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است > متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

سوگند دروغ در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۳

۳ - زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت وارد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أنّ غضب الله عليها إن كان من الصادقين

کیفیت سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۵

۵ - < خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم > ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذين يرمون أزواجهم .. فشهده أحدهم أربع شهادات بالله إنه لمن الصادقين

کیفیت لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۲

۲ - < لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم > ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد

و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۴

۴ - > خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است < متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱

۱ - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

کیفیت لعان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۲

۲ - > لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد < ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

لعان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - > عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) أنّ علياً (ع) قال ، ليس بين خمس من النساء و بين أزواجهنّ ملاعنه ...
والمجلود في الفريه لأنّ الله عزّوجلّ يقول : ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً ... ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان
ملاعنه نیست

(یعنی قانون لعان اجراء نمی شود).. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند، زیرا خداوند فرمود: <و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً>.

واجبات لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۱

۱ - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱

۱ - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

لعب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لعب

آثار لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ . . . وَ تَكَاثُرٌ . . . وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده

است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

اجتناب از لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴- دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفرة من ربکم و جنّه

خدا و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا .. لعین . لو أردنا أن نتخذ لهواً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لو> امتناعیه باشد بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <اگر ما چیزی را بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم..>. گفتنی است که برخی از مفسران <إن> در <إن کنا فاعلین> را نافیه دانسته اند؛ که در این صورت مؤید برداشت یاد شده

خواهد بود.

۲- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش

نیستند .

لو أردنا أن نتخذ لهمو لاّتخذنه من لدنا إن كنا فعلين

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهمو لاّتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنا>، معنای <من جبهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است.>. گفتنی است آمدن <لدنا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- اگر خداوند برفرض محال به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ؛ بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتخذ لهمو لاّتخذنه من لدنا إن كنا فعلين

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <من لدنا> به معنای <مما عندنا> باشد و یا معنای <مما يليق بحضرتنا..> را افاده کند؛ یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

لعب در زندگی دنیوی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی

أَئِمَّا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا .. وَ تَكَاثُرَ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

واژه <أئِمَّا> (به فتح همزه) نظیر <إئِمَّا> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئِمَّا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلّا- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکثیر> نمی باشد.

متقین و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۸

۸ تقواپیشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت دور هستند.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو و للدار الآخرة خير للذين يتقون

موارد لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱،۳

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله .. و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا

می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و

لهو معنای دیگری ندارد.

لعن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لعن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ تحقیق مباحله پس از شرکت مباحله کنندگان ، با درخواست لعنت از خداوند برای طرفِ باطل صورت می گیرد .

ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۲

۲ لعن و نفرین ، از شیوه های برخورد با مرتدان

اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنة الله و الملكة و الناس اجمعين

آثار لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۷

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس اجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۳، ۱۰، ۶

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما يؤمنون

فاء تفریع در <فقلیلا- ما...> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

۱۳ - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنجهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك یلعنهم الله .. إلا

الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸، ۲۹

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

۲۹ لعنت الهی ، زمینه محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۶

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۴، ۲۳، ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلى يوم القیمة

جمله <و القینا ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ؛ یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۴ جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا .. و القینا بینهم العدو و البغضاء إلى

يوم القيومه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبصرهم

اجابت دعای مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۷ - ۵

۵- امکان اجابت دعای مطرودین در گاه الهی و لعن شدگان

فاخرج منها .. و إن عليك اللعنه ... قال ربّ فأنظرنی ... قال فإنك من المنظرین

احكام لعن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۸

۸- نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و يلعنهم اللعنون. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۴

۴ - لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إنّ الله لعن الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳،۵

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

۵- جواز لعن و نفرین حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إن توليتم .. أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه <أولئك> به قرینه آیه قبل <إن

تولیتیم < کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

ایمان شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه <قلیلا> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم الله> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

ایمان مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود را به سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما يؤمنون

تفریع جمله <فقلیلا ما يؤمنون> بر <لعنهم الله بکفرهم> می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را؛ یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۵،۹،۱۰

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احياناً همدیگر را یاری

می دهند، بنابراین جمله <فلن تجدد... > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی، از سنت های خداوند

و من يلعن الله فلن تجدد له نصيراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

روز لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۷

۷- > یزید بن سلام... سأل رسول الله (ص)... قال: فالخميس، قال: هو يوم خامس من الدنيا و هو يوم... لعن فيه إبليس...؛

یزید بن سلام از رسول خدا(ص) پرسید: پنجشنبه یعنی چه؟ حضرت فرمود: پنجشنبه پنجمین روز از دنیا است و آن روزی است که... ابلیس در آن مورد لعن قرار گرفت...<

زمینه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی، معلول عملکرد خود او است.

فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم... أولئك الذين لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبص

هر چند فعل های <أصمّ> و <أعمى> به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

گمراهی مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

لعن ابدی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنه الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه الله ..> (در آیه قبل) باز گردد.

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتُمون .. أولئك علیهم لعنه الله ... خلدین فیها

لعن اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك یلعنهم الله .. أولئك علیهم لعنه الله

جمله <أولئك یلعنهم الله> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در

دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئك علیهم لعنه الله> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت

نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از

زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أَنْ لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ ... يَبْغُونَهَا عِوَجًا

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

لعن اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ ستمگران در قیامت ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

أَلَا لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ

لعن اخروی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - قوم ابراهیم ، در قیامت همدیگر را لعن می کنند .

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا

لعن اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

أَلَا لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصْدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

لعن اخروی مانعان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

لعن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. تری کثیراً منهم يتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۹ گرفتار شدن آدمی به لعنت پیامبران ، نشاندهنده خشم و غضب الهی بر وی

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود .. ان سخط الله

لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۴ - ۷

۷- > أباالحسن علی بن محمدالعسکری (ع) : معنی الرجیم انه مرجوم باللعن ... لا یذکره مؤمن إلا لعنه و ان فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لا یبقی مؤمن فی زمانه إلا رجمه بالحجاره كما کان قبل ذلك مرجوماً باللعن ;

امام علی نقی(ع) فرمود: معنای <رجیم> این است که ابلیس هدف لعن قرار می گیرد .. هیچ مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آن که او را لعن می کند و در علم ازلی خدا بوده است که وقتی که حضرت قائم(ع) ظاهر شد، مؤمنی نمی ماند مگر اینکه ابلیس را با سنگ هدف قرار می دهد؛ چنان که او قبل از این هدف لعن قرار می گرفت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱،۲،۶

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده

بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

۲- طرد از درگاه الهی و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنك رجيم . و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

۶- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . *

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ال> در <اللعنه> برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

و إنَّ عليك لعنتي إلى يوم الدين

۲ - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنك رجيم . و إنَّ عليك لعنتي إلى يوم الدين

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلى يوم الدين> مربوط به کیفر دنیایی او است.

لعن بر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۷، ۱۶

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنا اصحاب السبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۳

مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

لعن بر امت های گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر امت های مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد،

در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أحتها .. قالت أخرجهم لأولئهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اتوا الكتب .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۵،۹

۵ گروهی از اهل کتاب ، گرفتار لعنت و غضب خداوند

من لعنه الله و غضب عليه

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتارهای زشت

آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و ... به عنوان

پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

لعن بر بدخواهان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان، مورد طرد و لعن خداوند هستند.

یتربص بکم الدوائر عليهم دائره السوء

ظاهراً جمله <عليهم دائره السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

لعن بر بدخواهان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان، مورد طرد و لعن خداوند هستند.

یتربص بکم الدوائر عليهم دائره السوء

ظاهراً جمله <عليهم دائره السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

لعن بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۳، ۱۴

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا در باره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ نورالثقلین،

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع)، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل .. عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المائده ثم کفروا بعد ذلك.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل .. کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: .. و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینھاه فلا ینھی فلا یمنعہ ذلك من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب اللہ عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل ... کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه ... >

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

لعن بر بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیماردل روی گردان از جهاد و دستورات الهی، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض .. فهل عسیتم إن تولیتم ... أولئک الذین لعنهم اللہ

بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <تولیتم> خطاب به آنان است و <تولی> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

لعن بر پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض .. فهل عسیتم إن تولیتم ... أولئك الذین لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <تولیتم> خطاب به آنان است و <تولی> به معنای روی

گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

لعن بر حاکمان مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۴،۵

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ .. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <أُولَئِكَ> اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تَفْسُدُوا..> قرار گرفته اند.

۵- جواز لعن و نفرین حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إِنْ تَوَلَّيْتُمْ .. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه <أُولَئِكَ> به قرینه آیه قبل <إِنْ تَوَلَّيْتُمْ> کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزان فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - مدثر - ٧٤ - ٢٠ - ٤

٤ - جواز

نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدر

لعن بر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

لعن بر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدر

لعن بر رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۶

۶ - کافران پیرو ، از خداوند ، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند بود .

و قالوا... ربنا... والعنهم لعناً كبيراً

<كبير> صفت مفعول مطلق <إلْعَن> است. در آیه، این واژه به معنای <شدت> و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

لعن بر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۱

۱ شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱۴

۱۴- > عن علی بن محمدالعسکری (ع

(يقول : معنى الرجيم انه مرجوم باللعن مطرود من مواضع الخير لا يذكره مؤمن إلا - لعنه و إن في علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لا يبقى مؤمن في زمانه إلا رجمه بالحجارة كما كان قبل ذلك مرجوماً باللعن ;

از امام هادی(ع) روایت شده است که در باره <رجیم> می فرمود: او (شیطان) با لعن مورد رجم واقع شده و از درهای خیر رانده و مطرود گشته است. مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آنکه او را لعن می کند و چون در علم الهی از پیش روشن بود که هر گاه حضرت قائم(ع) خروج کرد، هیچ مؤمنی در زمان او نیست مگر آنکه شیطان را با سنگ رجم می کند؛ چنانچه قبل از آن با لعن رجم می شد.

لعن بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بينهم أن لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ > عن رسول الله (ص) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، > هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظالمين < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد.<

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶ - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم الظالمين

نصب <بُعْدًا> به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، <بعدوا بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۷

۷ - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

لعن بر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

لعن بر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

لعن بر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۷

۷ کسانی که به پیمان های الهی پایبند نباشند ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد

والذین ینقضون عهد الله .. أولئک لهم اللعنه

لعن بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۱

۱ فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

ضمیر در <أتبعوا> به فرعون و قوم وی باز می گردد. <اتباع> (مصدر أتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین <وأتبعوا...> یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

لعن بر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۱

۱ فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

ضمیر در <أتبعوا> به فرعون و قوم وی باز می گردد. <اتباع> (مصدر أتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین <وأتبعوا...> یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری

از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

لعن بر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إن الذين يرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنيا و الآخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

لعن بر قاطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

لعن بر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۱

قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

و أتبعوا في هذه الدنيا لعنه و يوم القيمة

لعن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنه الله و الملكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنه الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه الله ..> (در آیه قبل) باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۲، ۲۱

۲۱ مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

۲۲ مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و كان امر الله م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۵

۵ کافران مستحق لعن و

نفرین و دوری از رحمت خداوند

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ منافقان و کافران، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . . . و الکفار . . . لعنهم الله

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . . . و الکفار . . . لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ > عن رسول الله (ص) : . . . وأما الکافر فیکراً ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، > هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم ألا لعنه الله علی الظالمین < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: .. اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً لقوم لا يؤمنون

کلمه <بعداً> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف؛ یعنی، <بعدوا بعداً>. گفتنی است که <بعداً> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدايند .

و لاتطع الكافرين و المنفقين و دَعُ أذیهم . .. إِنَّ الذین

يُؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱،۴

۱ - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين

<ال> در <الكافرين> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

۴ - لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل كيف قدر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۳،۱۴

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

لعن بر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئك .. يلعنهم اللعنون

تکرار فعل < یلعن > به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت

است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۸

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و يلعنهم اللعنون. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنه الله

جمله <أولئك يلعنهم الله> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذين تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئك عليهم لعنه الله> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۲

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يكتُمون .. أولئك عليهم لعنه الله ... خلدین فیها

لعن بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گناهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله ..

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا

لعن بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

لعن بر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

لعن بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدايند .

و لاتطع الكافرين و المنفقين و دَعُ أذیهم . .. إِنَّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله علیهم و لعنهم

لعن بر ولید بن مغیره

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل کیف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثم> برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

لعن بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۰، ۶، ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی

آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

- گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بکفرهم قليلا ما يؤمنون

فء تفریع در <قلیلا- ما .. > گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸، ۲۷، ۲۱، ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بکفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بکفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بکفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰، ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم ... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم .. > به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف

<لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

واقع شدن جمله <وليزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند

که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) انه قال في قول الله عزوجل : > وقالت اليهود يدالله مغلولة > : لم يعنوا أنه هكذا ، و لكنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا يزيد و لا ينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم : > غلّت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يدها مبسوطتان ينفق كيف يشاء < ألم تسمع الله عزوجل يقول : > يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: > وقالت اليهود يد الله مغلولة < فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غلّ بسته است ؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: > دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد.< آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: > يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب <.

لعن بر يهود كافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور

و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

لعن برمفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۹

۹ فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

و الذين ... يفسدون في الأرض أولئك لهم اللعنه

لعن جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقين ... و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل کیف قدر

لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۷، ۲۱، ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. أَلَا قَلِيلًا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۸، ۱۶، ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب

در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب . . . او نلعنهم کما لعنا اصحاب السب

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

کما لعنا اصحاب السب

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله . . . فلا يؤمنون ... او نلعنهم کما لعنا اصحاب السب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين . . . يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا . اولئك الذين لعنه

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون . . . هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا . اولئك الذين لعنهم الله

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله

<فلن تجدد .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من يلعن الله فلن تجدد له نصيراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۱

۱ شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰، ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم .. > به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ کفرورزی یهود

با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۳

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی، مسخ شدگان و طاغوت پرستان، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان

، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای

بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷، ۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

واقع شدن جمله <ولیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که

ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی

بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین .. و الکفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۳

۳ لعنت الهی و دور شدن از رحمت او ، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه <الرفد> (عطیه و بخشش) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن <ال> جنسیه می باشد و <المرفود> (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین <بئس الرفد المرفود> یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

لعن داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۲، ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع)

و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف <لعن>، الله باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم ...

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن

حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القردة علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

لعن در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۱

۱ - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

لعن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

كلما دخلت أمة لعنت أختها

لعن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده

و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثم یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضاً

لعن دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّٰه .. أولئک علیهم لعنه اللّٰه

جمله <أولئک یلعنهم اللّٰه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّٰه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

لعن شدگان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. أولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّٰه و الملائکه و النّٰس

۶ کسانی از یهود و

نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و الناس اجمعين

لعن شدگان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنه الله و الملائكة و النّاس

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و الناس اجمعين

لعن عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۱، ۲، ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند.

لعن الذین كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی (ع)، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف <لعن>، الله باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع)، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع)، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل .. عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المائده ثم کفروا بعد ذلک.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

لعن مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را

که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

۷- تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعن مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين

لعن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱،۳،۷

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

۳- فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

۷- تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنه الله و الملائكه و الناس أجمعين

محروميت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۶

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

محمد(ص) و لعن کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهل الکفرین أمهلهم رویداً

<مَهْلٌ> و <أمهل> به یک معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: <مَهْلٌ> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْدٌ> (مهلت دادن) باشد؛ یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

مراتب لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۸

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله .. فلا يؤمنون ... او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبب

مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۷، ۵، ۱

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك لعنه الله و الملكة و الناس أجمعين

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنه الله

جمله <أولئك يلعنهم الله> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذين تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئك عليهم لعنه الله> به دلیل <ماتوا و هم كفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنه الله و الملكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه الله ..> (در آیه قبل) باز گردد.

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتُمون .. أولئك علیهم لعنه الله ... خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لکن لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۶،۱۷

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنا اصحاب السَّبْت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۳ کسانی که حقانیت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر

الی الذین . . . یقولون هؤلاء اهدی من الذین امنوا سیلاً. اولئک الذین لعنه

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن الله فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه الله علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ پندار فرزند داشتن خدا ، انحراف از مسیر حق بوده و معتقدان به آن ، گرفتار لعن و نفرین خدا خواهند بود .

ولا یدینون دین الحق . . . و قالت اليهود عزیر ابن الله ... قتلهم الله أنى یؤفکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين . . . والكفار ... لعنهم الله

١١ جواز لعن و نفرين بر منافقان و كافران

المنفقين . . . والكفار ... لعنهم الله

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان، مورد طرد و لعن خداوند هستند.

يَتْرَبُّصْ بِكُمِ الدَّوَائِرُ عَلَيْهِمِ دَائِرَةُ السُّوءِ

ظاهراً جمله <عليهم دائرة السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً اخبار از آینده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴، ۱۱، ۱۰

۱۰ ستمگران در قیامت، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد.

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

۱۱ کسانی که به خداوند دروغ می بندند، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد.

هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

۱۴ > عن رسول الله (ص): ... وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد، > هؤؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۱

۱ قوم عاد، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود.

وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ اللَّهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹

۱ فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

ضمیر در <أُتبعوا> به فرعون و قوم وی باز می گردد. <اتباع> (مصدر أُتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین <وَأُتبعوا...> یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۷۸،۹

۷ کسانی که به پیمان های الهی پایبند نباشند ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین ینقضون عهد الله .. أولئک لهم اللعنه

۸ آنان که به برقراری پیوندهایی که خداوند به برقرار ساختن آنها فرمان داده ، ملتزم نباشند ، به لعنت و دوری از رحمت گرفتار خواهند شد .

والذین .. یقطعون ما أمر الله به أن یوصل ... أولئک لهم اللعنه

۹ فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین .. یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ > عن أبی عبدالله (ع) انه قال فی قول الله عزوجل : < و قالت اليهود یدالله مغلوله > : لم یعنوا أنه هکذا ، و لکنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا یزید و لاینقص فقال الله جل جلاله تکذیباً لقولهم : < غلّت أیدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه

مبسوطان ینفق کیف یشاء < ألم تسمع الله عزوجل یقول : > یمحوا الله ما یشاء و یشب و عنده أمّ الکتاب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: <وقالت اليهود ید الله مغلوله > فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غلّ بسته است ؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: <دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد.>. آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <یمحوا الله ما یشاء و یشب و عنده أمّ الکتاب.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعته الملائكة إلى قبره . . . و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعة إلى قبره تلعنونه . . . ثم يدخل عليه ملكا القبر . . . فيقولان له : من ربك ؟ فيتلجلج و يقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له : لادريت و يقولان له : ما دينك ؟ فيتلجلج فيقولان له : لادريت و يقولان له : من نبيك ؟ فيقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزوجل : > . . . و يضلّ الله

الظالمين و يفعل الله ما يشاء > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند . . . و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۶

۶- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . *

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ال> در <اللعنه> برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن عليك لعنتي إلى يوم الدين

۲ - طرد از درگاه خداوند

و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنك رجيم . و إن عليك لعنتي إلى يوم الدين

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلى يوم الدين> مربوط به کیفر دنیایی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۷

۷ - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

مشمولان لعن اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳،۶

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

۶ کسانی که در پی منحرف ساختن دین و معارف الهی هستند ، ستمکارند و در آخرت به لعنت خدا گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين ... ييغونها عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إن الذين يرمون المحصنات الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا و الآخره

<محصنات> به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی

باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دورانند که گویا به

کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶- ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم الظالمين

نصب <بُعْدًا> به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، <بعُدوا بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹- جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً لقوم لا يؤمنون

کلمه <بُعْدًا> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف؛ یعنی، <بعُدوا بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از مصدرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳- مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خداوند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیان‌ش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵،۴،۶

۱ - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خداوند

و لأمستنسين لحديث إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ . . . إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ ... و رسوله لعن

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خداوند .

و لا تطع الكافرين و المنفقين و دَعُ أذِيهِمْ . . . إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ ... و رسوله لعنهم

۶ - مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر که موجب آزار دادن رسول خدا (ص) است مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فسلوهنّ من وراء حجاب . . و ما كان لكم أن تؤذوا رسول اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱

۱ - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ

<ال> در <الكافرين> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۱- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض .. فهل عسيتم إن توليتم ... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <توليتم> خطاب به آنان است و <تولي> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

۴- والیان و حاکمان فساد گر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن توليتم أن تفسدوا في الأرض .. أولئك الذين لعنهم الله

برداشت بالا بنابر این نکته است که <أولئك> اشاره باشد به همه متولیان امر که فساد گر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إن توليتم أن تفسدوا..> قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقاً لأصحاب السعير

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱- ولید بن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی

به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثُمَّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۸

۸ - < عن أمير المؤمنين (ع) ... > قتل الإنسان ما أكفره < أي لعن الإنسان ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که در معنای <قتل الإنسان ما أكفره> فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است].<

مشمولان لعن دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

مظاهر لعن خدا

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۶

۶ - عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جمله <لایخفف عنهم العذاب> پس از <خالدین فیها> بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ است.

ممنوعیت لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - ممنوعیت طعنه زدن به دیگران و عیب جویی از ایشان

و لا تلمزوا أنفسکم

<لمز> (مصدر <تلمزوا>) به معنای عیب جویی کردن است.

موجبات لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجك . . . فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸، ۲۷، ۲۱

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا . . . لعنهم الله بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن

لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه <قليل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قليلاً> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۱، ۱۷، ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اتوا الكتب .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبب

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبب

۲۱ مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نظمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۴، ۲، ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا. اولئك الذين لعنهم الله

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم ... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم .. > به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۹

۹ نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف) ، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بكفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذين كفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن > داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی > به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل . . . کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه

از حضرت علی (ع) روایت شده: . . . و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینھاه فلا ینھی فلا یمنعہ ذلک من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب اللہ عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل ... کانوا لایتناھون عن منکر فعلوه ... >

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۲،۳،۱

۱ - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته المنفقون . . . لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلا قلیلاً . ملعونین

<ملعونین > حال برای

ضمیر فاعلی <لایجاورون> است.

۲ - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیمارستان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ینته .. و المرجفون ... لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً . م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۷

۷ - تکبر ، خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان خداوند ، زمینه ساز لعن و نفرین ابدی

إلاّ إبلیس استکبر .. و إنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

موجبات لعن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناھون

موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّنا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۹

۹ ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

و قالت اليهود یدالله مغلوله . . و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . . ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . . ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۳

۳ انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

و أتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه ألا إن عادًا کفروا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۲

۲ نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لقد أرسلنا موسى . . . و أتبعوا في هذه لعنه و يوم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغين زنا به زنان پاکدامن ، در پي دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - كفر و عصيان ، در پي دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم في هذه الدنيا لعنه

نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا

هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه <قلیلا> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم الله> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

لعن خدا

آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۳، ۱۰، ۶

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی

موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم فقليلاً

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بكفرهم فقليلاً ما يؤمنون

فاء تفریع در <فقليلاً- ما...> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

۱۳ - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم الله بكفرهم فقليلاً ما يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸،۲۹

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلاً

۲۹ لعنت الهی ، زمینه

محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۶

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۴، ۲۳، ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العداوة و البغضاء إلى يوم القيمة

جمله <و القينا ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ؛ یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۴ جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العداوة و البغضاء إلى يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمهم و أعمى أبصرهم

زمينه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - محمد

۹- ابتلائی انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم .. أولئك الذين لعنهم الله فأصمهم و أعمى أبص

هر چند فعل های <أصم> و <أعمى> به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت

فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۷، ۲۱، ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۸، ۱۶، ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اتوا الكتب .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنا اصحاب السَّبْت

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله .. فلا يؤمنون ... او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين .. يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سييلا. اولئك الذين لعنه

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا سييلا. اولئك الذين لعنهم الله

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله <فلن تجد .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۱

شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹،۱۰

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷،۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بكفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بكفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بكفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ،

کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۳

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذين اتخذوا دينكم هزواً .. منهم القردة و الخنازير و عبد الطغوت

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

واقع شدن جمله <ولیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بينهم أن لعنه الله على الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از

رحمت او

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۳

۳ لعنت الهی و دور شدن از رحمت او ، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه <الرفد> (عطیه و بخشش) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن <ال> جنسیه می باشد و <المرفود> (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین <بئس الرفد المرفود> یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶ - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم الظالمين

نصب <بُعْدًا> به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، <بعَدُوا بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً لقوم لایؤمنون

کلمه <بعداً> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف ؛ یعنی ، <بعدوا

بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم في هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۴،۵،۶

۱ - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و الآخرة

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لامستثنین لحديث إنّ ذلكم كان يؤذی النبی . . . إنّ الذين يؤذون ... و رسوله لعن

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ اذیهم . . . إنّ الذين يؤذون ... و رسوله لعنهم

۶ - مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر که موجب آزار دادن رسول خدا (ص) است مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسلوهنّ من وراء حجاب . . و

ما كان لكم أن تؤذوا رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱

۱ - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين

<ال> در <الكافرين> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱،۴

۱- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض .. فهل عسيتم إن توليتم ... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <توليتم> خطاب به آنان است و <تولي> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن توليتم أن تفسدوا في الأرض .. أولئك الذين لعنهم الله

برداشت بالا بنا بر این نکته است که <أولئك> اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إن توليتم أن تفسدوا..> قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - كافران دوزخى ، مورد نفرين خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحاً

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قَدْر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثُمَّ قتل کیف قَدْر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثُمَّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۸

۸ - < عن أمير المؤمنين (ع) . . . > قتل الإنسان ما أكفره < أي لعن الإنسان ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که در معنای <قتل الإنسان ما أكفره> فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است].<

مظاهر لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جمله <لایخفف عنهم العذاب> پس از <خالدین فیها> بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ

است.

موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۹

۹ ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

و قالت اليهود يدا لله مغلوله .. و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق <ذلك> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا لا يتناهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۳

۳ انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از

رحمت اوست .

و أَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۲

۲ نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ .. و أَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

وَالْخَمْسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أَتَّبِعْنَهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ

نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ .. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

لعن شدگان

{لعن شدگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۱،۲

۱ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر مرتدان

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدین فیها لا ینخف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

ایمان لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لكن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه <قلیلا> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم الله> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاری نخواهند داشت .

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله >فلن

تجد ... < ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

لعن شدگان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه الله و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

لعن شدگان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه الله و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

محرومیت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۶

۶ مضمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه <قلیلا> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم الله> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

لغزش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لغزش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۴

۴ رهبران الهی ، حتی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغزنک تقلب الذین کفروا فی البلاد

آثار لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خطاها و لغزشها، زمینه ابتلای مؤمنان به رنجها و سلطه کافران است. *

ربّنا لاتجعلنا فتنه .. و اغفر لنا

ارتباط <واغفر لنا> با <لاتجعلنا فتنه..>، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل <فتنه> (مفتون و معذب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای <لاتجعلنا...>، طلب آمرزش شده است.

آثار لغزش در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد،

موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و یوم حنین . . . ثم ولیم مدبرین . ثم أنزل الله سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها

آثار لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد ، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و یوم حنین . . . ثم ولیم مدبرین . ثم أنزل الله سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها

آمرزش لغزش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۵

۱۵- راه یافتن تقوایپیشگان به بهشت ، پس از غفران لغزش های دنیوی آنان از سوی پروردگار

الجبّه الّتی وعد المتّقون فیها . . . و مغفره من ربّهم

با توجه به این که در بهشت، زمینه لغزش و گناه نیست؛ تعبیر <مغفره> نظر به خطاهای دنیوی دارد که به هر حال حتی همه اهل تقوا از آن مصون نیستند.

اجتناب از لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۰

۳۰- قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

خطر لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - همه انسان ها در معرض گناه و لغزش اند .

و استغفر لذنبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱

۳ - انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم يستغفرون

زمینه لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۳

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۹

۹ انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال لله و الرسول فاتقوا الله

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۶

۶ وجود زمینه های لغزش و گناه در بهرهوری از غنایم

فلکوا .. و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۵

۵- فراوانی مال و فرزند ، زمینه لغزش و غرور انسان است .

لأحدهما جنتين .. فقال لصحبه و هو يحاوره أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّينا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و

حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۸

۸- لزوم پرهیز از زمینه های لغزش و ابتلا به گناه

اجتنبوا کثیرًا من الظنِّ إِنَّ بعضَ الظنِّ إثم

در آیه شریفه برای این که خداوند مؤمنان را از بسیاری از گمان ها پرهیز دهد، به آنان یادآور شده که این مسیر، اصولاً امن نیست و در مواردی به گناه منتهی می شود. مفهوم این استدلال، این است که هر راهی که ناامن و در معرض گناه قرار دارد، باید از آن پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۴

۴- انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرو نهادن مسؤولیت ها *

لکلّ أَوَابٍ حَفِیظ

واژه <أَوَابٍ> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۲

۲- وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد ، زمینه ساز لغزش انسان

ها و ممانعت از دین داری است .

إِنَّمَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

زمینه لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

كَذَلِكَ يُوحَىٰ . . . وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ

زمینه لغزش اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - سلطه اولیای مقتول بر قاتل ، زمینه لغزش و زیاده روی آنان در اعمال سلطه خویش

جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطٰنًا فَلْيَسْرِفْ فِي الْقَتْلِ

نهی الهی، نوعی هشدار است و هشدار، نشانگر وجود لغزشگاه می باشد و <فاء> در <فلايسرف> که برای نتیجه است نیز تأیید دیگری است بر مطلب فوق.

زمینه لغزش در ارزیابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۸

۸ - تصوّر، شیفتگی نسبت به ترسیم و تحلیل های ذهنی خود، زمینه لغزش در محاسبات

بل ظننتم .. و زین ذلک فی قلوبکم

زمینه لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری -

۸- رهبران جامعه اسلامی، در خطر به سازش کشیده شدن و سستی در برابر فشارها و تهدیدهای سخت دشمنان

و استقم كما أمرت و لاتتبع أهواءهم

زمینه لغزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ .. ربکم أعلم ... إن تكونوا صلحین فإنه کان للأویین غفو

زمینه لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان، در معرض لغزش و نیازمند تذکر و هشدار مکرر

يأيتها الذين ءامنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و لا تبطلوا أعمالکم

از تکرار <أطيعوا> و نهی <لا تبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - امکان گرفتار آمدن مؤمنان به لغزش و خطا، حتی با داشتن مراتب بالای ایمانی *

ليزدادوا إيمانًا .. ليدخل المؤمنین ... و یکفر عنهم سيئاتهم

بنابراین که مراد از <سيئات>، صرفاً گناهان و لغزش های قبل از ایمان نباشد، بلکه مطلق لغزش های قبل از ایمان و بعد از آن را دربرگیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲

۲ - اهل ایمان ، در معرض خطر ایجاد ارتباط دوستانه با دشمنان خدا

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

نهی معمولاً در

جایی صورت می گیرد که زمینه ابتلا و ارتکاب به عملی وجود دارد؛ به ویژه که شأن نزول خبر از چنین مشکلی می دهد.

زمینه نگرانی از لغزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۶

۱۶- احاطه علم الهی بر احوال آدمی ، مقتضی نگرانی انسان از لغزش های خود و روی آوری به استغفار

و استغفر .. و الله يعلم متقلبکم و متویکم

از ارتباط دو بخش آیه (<استغفر> و <و الله يعلم..>) مطلب بالا استفاده می شود.

عفو از لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ ضرورت پرهیز از خرده گیری بر انسان های باگذشت

فمن تصدق به فهو كفاره له

خداوند به صاحبان حق قصاص در صورت گذشت آنان از حق خود، وعده آمرزش داده است و این درسی است به بندگان که از لغزش انسانهای باگذشت چشمپوشی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۴

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

عوامل لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - لزوم استعاذه به خدا و یاری جستن از او برای دور ماندن از کردار های جاهلانه و لغزش های برخاسته از جهل

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

۲۲ - جهل و نادانی خطر

آفرین و منشای برای لغزشهاست .

أعوذ بالله أن أكون من الجهلين

پناه بردن، که معنای عیاذ (مصدر أعوذ) است، به هنگامی است که آدمی از شر چیزی در هراس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۸

۸ - تعدد زوجات ، لغزشگاهی برای انحراف از عدالت

فانكحوا .. مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۸

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۷،۱۰

۷ زندگانی دنیا فریبنده و لغزشگاهی پر مخاطره است.

و غرتهم الحیوه الدنيا

۱۰ لزوم هشیاری در برابر فریبندگی زندگانی دنیا و لغزشگاههای پر جاذبه آن

هدف از بیان این جمله (و غرتهم ..)، که به عنوان عامل انحراف ذکر گردیده، هشدار به عموم مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۵،۷

۵ کمی رهپویان راه خدا نباید موجب تزلزل رهپویان در برابر اکثریت مردم گمراه گردد.

و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوک

گرایش به همسویی و همشکل شدن با توده های مردم در عقاید و افکار، لغزشگاهی خطرناک برای رهروان حق است.

و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوک

نهی از پیروی از اکثریت، بیانگر جاذبه عظیم عقاید اکثریت و خطر لغزش به سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۱

۳۱ - رویارویی مستقیم زنان و مردان نامحرم، لغزش آفرین است و باید از آن اجتناب کرد.

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

عوامل لغزش رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم

عوامل لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم

فراموشی لغزش های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۵

۱۵ - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یكفّر عنهم سيئاتهم

با توجه به این که مسأله تکفیر سیئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است احتمال می رود که

مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد؛ بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد؛ به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمنده و مکدر نشوند.

کیفر لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۳

۳- کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی ، دارای کیفری دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضَعْفَ الْحَيَوهِ وَ ضَعْفَ الْمَمَاتِ

لغزش آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فَأزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

<ازلال> (مصدر ازَل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم (ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم (ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة .. فَأزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

لغزش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۴

۴ انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند *

أولئك هم المؤمنون حقا لهم ... مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - هشدار خداوند به قرار داشتن انسان در معرض عوامل متعدّد انحراف آفرین

فلاتغزّركم الحيوه الدنيا ولا يغزّركم بالله الغرور

لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۸

۴۸- همه انسان ها حتی مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت الهی

وعد الله الذین . . . مغفره

این که خداوند، به مؤمنان دارای عمل صالح نوید مغفرت داده است؛ در حقیقت می نمایاند که بعضی از لغزش ها، برای همگان متوقع است و در صورت حفظ ایمان و عمل صالح، قابل جبران و بخشش است.

لغزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد

خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَا تَهْوَىٰ أَنفُسَهُمْ فَرِيقًا كَذَبُوا وَفَرِيقًا يُقْتَلُونَ

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة .. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

لغزش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

و إن جهداك علی أن تشرك بی .. فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنيا معروفاً و اتبع سب

لغزش در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های

الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إن الذین ءامنوا .. لا تهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی

اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر

آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

لغزش در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۳

۳ مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَلَا تَوَلَّوْا عَنهُ

لغزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۵

۲۵ احتمال بیشتر لغزش و فراموشی زنان نسبت به مردان

ان تَضَلَّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

جمله <ان تَضَلَّ> در مقام تعلیل برای جایگزینی دو زن به جای یک مرد است.

لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۰

۳۰ - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فَسئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

لغزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۹

۹- محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدى و يستغفروا ربهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

لغزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی ، راهی است لغزنده ، پرپیچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکباً علی وجهه> (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به

لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه <سوئاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

لغزش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۲

۲ امکان لغزش تقوایبشگان و ارتکاب گناه از سوی آنان

اعدت للمتقين .. و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم

لغزش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۷

۷ - انسان ها ، حتی محسنان ، در معرض ارتکاب لغزش ها و خطاهایند .

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش إلا اللمم

لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۴

۴ انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند *

أولئک هم المؤمنون حقاً لهم .. مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱۰، ۹

۹ خداوند ، بخشنده گناهان و لغزش های مؤمنان حقیقی و راستین

لهم مغفره و رزق كريم

۱۰ همه انسان ها ، حتى مؤمنان حقيقي ، از خطا و گناه مصون نيستند و نيازمند مغفرت الهی هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۴

۴ - مؤمنان ، از

لغزش و گناه ، مصون نیستند .

و الذین ءامنوا .. لنکفرنّ عنهم سیئاتهم

<سیئات> مطرح شده در آیه، می تواند مربوط به قبل از ایمان و می تواند مربوط به بعد از ایمان باشد. نکته بالا، بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۶

۶ - انسان های مؤمن نیز در معرض لغزش و نیازمند آموزش اند . *

الذین ءامنوا .. أولئک لهم مغفره

این که خداوند فرموده است: برای مؤمنان قطعاً مغفرتی وجود دارد، به ملازمه دلالت بر وجود لغزش می کند و اگر نه آمرزیدن معنا نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۲

۱۲ - لغزش های مؤمنان ، مانع ورود آنان به بهشت نخواهد بود .

و یکفرّ عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۳

۳ - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إنما أموالکم و أولدکم فتنه

لغزش همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۲

۳۲ - همسران پیامبر مانند سایر زنان ، در معرض لغزش بودند .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

موانع لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۶

۶ - باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطاها

أولايعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جمله <أتحدثونهم .. ليحاجوكم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

موانع لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۵

۵ - رحمت ، فضل ، توبه پذیری و حکمت خداوند ، جلوگیری مؤمنان از سقوط بر اثر لغزش ها و نادانی هایشان

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و أن الله تواب حكيم

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند محذوف باشد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۲۱ همان مضمونی است که در برداشت یاد شده آمده است.

مؤمنان و لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۶

۶- مؤمنان بدون عنایت خداوند در معرض لغزشند .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ

از اینکه خداوند فرمود: مؤمنان را با سخن استوار ثابت قدم می داریم و تثبیت را به خود نسبت داده است، استفاده می شود که مؤمنان نیازمند به تثبیت هستند و بی عنایت خداوند در معرض لغزش و تزلزل خواهند بود.

لغزشگاهها

اهمیت شناخت لغزشگاهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف -

۳۶- لزوم آگاه ساختن مسئولیت پذیران از خطرات و لغزش گاه های منصب ها و موقعیت های اجتماعی آنان

ولیتلطف و لایشعرن بکم أحداً

لغواز دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لغو

آثار اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۱

۱ - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

<الذین> در آیه فوق عطف بر <الذین> در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای <المؤمنون> می باشد. <لغو> به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. <ال> در <اللغو>، <ال> جنس و مفید استغراق است. بنابراین <اللغو> شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

آثار اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۱

۱ - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

<الذین> در آیه فوق عطف بر <الذین> در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای <المؤمنون> می باشد. <لغو> به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. <ال> در <اللغو>، <ال> جنس و مفید استغراق است. بنابراین <اللغو> شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

آثار اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذين هم ... أولئك هم الورثون

آثار روانی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۳

۳ - تأثیر سوء بیهوده گویی و نسبت های ناروا دادن ، در سلامت روحی و روانی جامعه

لا يسمعون فيها لغوًا ولا تأثيماً

آثار سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۴

۴ - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذين هم عن اللغو معرضون

آثار عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۴

۴ - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذين هم عن اللغو معرضون

اجتناب از استماع سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۴

۴ - پرهیز از گوش دادن به سخنان یاوه و دروغین ، حالتی پسندیده است .

لا یسمعون فیها لغوا

اجتناب از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

۱۴ - همسران پیامبر ، به بر زبان جاری ساختن سخنانی درخور شأن شان و به دور از هرگونه خواسته و یا سخن بیهوده ، موظف بودند .

و قلن قولاً معروفاً

احتمال دارد که مراد از <قول معروف> به قرینه <إن كنتن تردن الحياه الدنيا> خواسته ها و سخنانی باشد که در شأن همسری پیامبر نبوده و پرهیز از سخن گفتن باطل و پوچ باشد.

اجتناب از سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و كلوا مما رزقكم الله حللا طيباً .. كذلك بين الله لكم آيته لعلكم تشكرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله <كذلك بين الله لكم آيته> مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و ...

اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱۰، ۶، ۵

۵ - بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

باللغو مَرّوا كرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مَرّوا باللغو مَرّوا كرامًا

۱۰ > عن أبي عبد الله (ع) : ... و فرض على السمع أن يتنزه عن الإستماع إلى ما حرّم الله ... فقال في ذلك : ... و إذا مَرّوا باللغو مَرّوا كرامًا ...

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ..[خداوند] بر گوش فرض نموده که از شنیدن آنچه حرام گردیده، پرهیز کند... پس در این باره فرموده است: ... <و إذا مَرّوا باللغو مَرّوا كرامًا...>.

اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۸

۸ گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس ، نشان کرامت و بزرگواری انسان است .

و إذا مَرّوا باللغو مَرّوا كرامًا

اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۴

۴ - پرهیز از گفتن و شنیدن سخنان نسنجیده ، بی ثمر و زشت ، کاری پسندیده و مطلوب است .

لا تسمع فيها لغية

پیراسته خواندن بهشتیان از شنیدن گفتار <لغو>، بیانگر ناروا بودن آن است.

اهمیت اجتناب از سخن لغو

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۳

۳ - لزوم پرهیز از گفتن سخن های یاوه و زشت

لا یسمعون فیها لغوا

توصیف بهشتیان به خصلت های نیک، ترغیب به کسب آن صفات در دنیا است.

اهمیت اجتناب از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۵

۵ - رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ، امری ستوده و مورد توصیه خداوند

و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

اهمیت اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۲

۲ - پرهیز از هرگونه سخن لغو و بیهوده ، لازم است .

لا یسمعون فیها لغوا

اوصاف بهشتیان علاوه بر جنبه توصیفی، می تواند حاوی توصیه ها و نکته هایی از جمله زشتی سخن بیهوده و کار لغو و ضرورت پرهیز از آن باشد.

بهشتیان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۱

۱- در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جَنَّتِ عَدْنُ التِّي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ .. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

<لغو>؛ یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث به قرینه <استماع> مراد از <لغو> کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۵،۶،۷

۵ - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هرگونه سخن

زشت و بیهوده است .

لا یسمعون فیها لغواً

۶ - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذاباً

<کذاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

۷ - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأساً دهاقاً . لا یسمعون فیها لغواً و لا کذاباً

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

بهشتیان و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لا تسمع فیها لغیه

<کلام لغو>؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه <لاغیه>؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که <لاغیه> اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از <لغو> را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

۲ - اهل بهشت ، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند .

فی جنّه .. لا تسمع فیها لغیه

<لغو>، نشانه نبودن آن است.

۳- نشیندن سخن لغو و بیهوده، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه... لا تسمع فیها لغیه

دعا با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

روش برخورد با سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۵،۶

۵ بندگان خالص خدا، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند.

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

زشتی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۴

۴ - زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لا یسمعون فیها لغوا و لا تأثیما

سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۴

۴ سوگند بر ترک کارهای خیر، تعهدآور نیست.

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند.

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند

لغو، سوگندهایی است که معمولاً به خاطر عادت بر زبان جاری می شود؛ بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله <باللغو> با <بما کسبت قلوبکم> به دست می آید.

۲ سوگند های لغو و بیهوده ، تعهد آور نیست .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم

۵ ناپسندی سوگند های بیهوده و لغو *

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم . . . و الله غفور حلیم

از آیه مزبور استفاده می شود که یادکننده سوگندهای بیهوده، استحقاق مؤاخذة را دارد؛ ولی خداوند تفضلاً او را مؤاخذة نمی کند. این برداشت، مخصوصاً با تکیه بر صفت <غفور> که در پایان آیه آمده است، استفاده می شود.

۸ عدم مؤاخذة بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حلم پروردگار

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم . . . و الله غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به <لا یؤاخذ> است؛ نه <یؤاخذکم>. چون مغفرت با عدم مؤاخذة مناسب است؛ نه با مؤاخذة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۷، ۲۸، ۲، ۱

۱ سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذة ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم

<ایمان> جمع یمین (قسم) و <فی ایمانکم> متعلق به <للغو> می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

۲ تفضل الهی بر اهل ایمان با برداشتن مؤاخذة و بازخواست از سوگند های لغو و بی هدف .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی

أيمنكم

لحن امتناني جمله <لايؤاخذكم> می رساند که عدم مؤاخذة نسبت به سوگندهای لغو و بی هدف، برخاسته از تفضل و لطف خدا به مؤمنان است.

۲۷ سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمنكم

امام صادق(ع) در توضیح معنی <لغو> در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل <لا والله> و <بلى والله> و لا يعقد على شيء.

کافی، ج ۷، ص ۴۴۳، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۳.

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذا ید بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمنكم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات .. فقاموا هولاء فقالوا يا رسول الله فقد حلفنا على ذلك فانزل الله تعالى <لايؤاخذكم الله باللغو في أيمنكم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

عبادت با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده ، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

قرآن و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه، مبرّا است.

و ما هو بالهزل

<هزل> و <هزال> از یک ریشه

اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزَل> نقطه مقابل <جَدَّ> و <هُزَال> نقطه مقابل <فربهی> است. (مقایس اللغه)

لغو در اماکن مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۶

۶ مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لا يسمعون فيها لغوًا و لا تأثيماً

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لا يسمعون فيها لغوًا .. إلا قیلاً سلماً سلماً

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است ؛ یعنی ، <لا يسمعون فيها إلا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم> .

لغو در عبادتگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۶

۶ مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

لغو

در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۴

۴ بازداشتن مؤمنان از مسجد الحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجد الحرام ... إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای <کنتم تکفرون> رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ؛ یعنی بازداری از مسجد الحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

لغو گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا فاخران یقومان مقامهما

عُثِرَ و عُثِرَ مصدر عُثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عثر...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ...

مراد از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۶،۷

۶ - > عن أمير المؤمنين (ع) : كل قول ليس لله فيه ذكر فلغو ... ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. <..>.

۷ - > روی عن أبي عبدالله

(ع) انه قال : هو < اللغو > أن يتقوّل الرجل عليك بالباطل أو يأتيك بما ليس فيك فتعرض عنه لله ، و في رواية أخرى أنّه الغناء و الملاهي ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: <لغو> این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که <لغو> غنا و لهویات است.

مراد از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۶،۷

۶ - > عن أمير المؤمنين (ع) : كلّ قول ليس لله فيه ذكر فلغو . . . ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. <..>

۷ - > روی عن أبي عبدالله (ع) انه قال : هو < اللغو > أن يتقوّل الرجل عليك بالباطل أو يأتيك بما ليس فيك فتعرض عنه لله ، و في رواية أخرى أنّه الغناء و الملاهي ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: <لغو> این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که <لغو> غنا و لهویات است.

موارد لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکّه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده

در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما كان صلاتهم . . . > عطف بر <و هم يصدون ... > باشد.

مؤمنان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۳

۳- مؤمنان ، در دنیا از سخنان بیهوده مردم در آزارند .

لا يسمعون فيها لغوًا

بیان تمام آنچه در بهشت انجام نمی گیرد نه ممکن است و نه مفید؛ ولی طرح بعضی از آن امور، مژده ای است به مؤمنان که آنچه در دنیا شما را آزار می داد، آن جا وجود ندارد.

ناپسندی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۳

۳- بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا ، دو بیماری روحی روانی برای انسان ها

إلا قیلاً سلماً سلماً

از تعبیر <سلاماً> استفاده می شود که <لغو> و <تأثیم> که در آیه پیش آمده دو گونه از بیماری است.

نفی سخن لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۱

۱- تقوای پیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

<لغو> یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب).
نشیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است.

ضمیر < فیها > به < مفازاً > برمی گردد؛ به این اعتبار که مراد از آن < جَنّه > (بهشت) باشد.

لقاءالله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لقاءالله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۲

۱۲ کلیه انسان ها ، خداوند را ملاقات خواهند کرد .

و اعلموا انکم ملاقوه

آثار تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۲

۲ انکار لقای خدا ، دل بستگی به دنیا و غفلت از آیات الهی ، زمینه ساز اعمال نارواست .

إن الذین لایرجون لقاءنا .. أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

اشراف قوم نوح و لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای < لقاءالله > و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لکنی أریکم قومًا تجهلون

اهمیت ایمان به لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۹

۹ ضرورت ایمان به قیامت و ملاقات خداوند

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴- ایمان به معاد و لقای پروردگار، در مجموعه اصول عقیدتی، دارای اهمیت خاصی است.

كفروا بأيت ربهم و لقاءه .. فلانقيم لهم يوم القيمة وزناً

تفریط مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا

تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیهما>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

تکذیب لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۷

۷ - انکار لقای پروردگار و نفی هر گونه مسؤلیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

و قالوا أءذا .. بل هم بلقاء ربهم كفرون

حتمیت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۱

۱ - انسان ها به ملاقات خدا خواهند رفت و تنها به سوی او باز خواهند گشت .

أنهم ملقوا ربهم و أنهم إليه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۶

۱۶ همه انسان ها با خداوند ملاقات خواهند کرد و به او خواهند رسید .

لعلکم بقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۴

۴ - ملاقات خداوند و حضور در پیشگاه او ، فرجام محتوم هر انسان و با هر نوع کردار است .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ . . . فَمَلَقِيه

حسرت مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن

حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

خجالت اخروی مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران لقاء الله در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم

خواسته های مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة

<رجاء> در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله <لا يرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

دلایل حقانیت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۵

۵ - نزول کتابی آسمانی بر موسی (ع) ، دلیلی بر حقانیت و تحقق لقاءالله است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا. .. و لقد آتينا موسى الكتب فلا تكن في مريه من

احتمال دارد به قرینه سیاق مراد از <لقاء>، روز قیامت و معاد باشد و مرجع ضمیر در <لقاءه> واژه <بعث> باشد که مستفاد از آیه های ده و چهارده است. بنابراین، معنا چنین می شود: <تو در لقای ربّ که قرآن درباره آن سخن گفته تردیدی به خود راه نده! چرا که قرآن حاوی مسأله لقای ربّ

نازل شده از ناحیه کسی است که تورات را به موسی (ع) داده است.

روز لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۱،۲،۴

۱ - به هنگام لقاءالله ، بر مؤمنان ، با واژه < سلام > ، تحیت گفته می شود .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که اضافه < تحیت > به ضمیر < هم >، اضافه مصدر به مفعول اش باشد.

۲ - تحیت بر مؤمنان ، به هنگام لقاءالله ، سلامتی و امنیت کامل داشتن است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

احتمال دارد که مراد از < سلام >، معنای اصطلاحی آن باشد که نوعی تحیت گفتن است و احتمال دارد که معنای لغوی آن باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

۴ - تحیت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءالله ، با واژه < سلام > است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که اضافه < تحیت > به ضمیر < هم >، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

روش تحصیل لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۵

۵ - توحید و پرستش خدای یگانه ، راهی که به لقای خدا می انجامد .

سبیل الله

مراد از < سبیل الله > (راه خدا) توحید و یکتاپرستی است. تسمیه توحید به < راه خدا > یا بدان جهت است که آیین توحید، خطی است که از سوی خدا ترسیم شده و به وسیله پیامبران به مردم ارائه شده است و یا بدان جهت می باشد که توحید و

یکتاپرستی، راهی است که با پیمودن آن، می توان به خدا رسید و به لقای او دست یافت.

زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

زمینه لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پرستش خدای یگانه ، راهی به سوی خدا و منتهی به لقای او است .

و یصدون عن سبیل الله

<سبیل الله> یعنی راه خدا <راه خدا> می تواند به معنای راهی باشد که <خدا برای اهل ایمان ترسیم و تعیین کرد> و یا می تواند به معنای راهی باشد که <به سوی خدا و به او منتهی می شود>. برداشت فوق بر پایه معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی وجود یافتن قیامت و ملاقات انسان ها در آن ، با خداوند است .

إلی ربِّک کدحًا فملقیه

زیانکاری مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱،۵

۱ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسرو الذین کذبوا بقاء الله

۵ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسرو الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <الساعه> می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق <الساعه> به معنی مرگ گرفته شده است.

ظن به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۵

۵ - گمان

به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

به کارگیری <یظنون> (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

فرجام مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - انکار لقای پروردگار از سوی کافران ، باعث نمی شود که آنان در پیشگاه خدا حاضر نشوند ، بلکه به اجبار به سوی خدا باز خواهند گشت .

بل هم بقاء ربهم كفرون .. ثم إلی ربکم ترجعون

گناه تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۲

۲ - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانه است .

بقاء ربهم كفرون .. إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

<ال> در <المجرمون> عهد است و به <هم بقاء ربهم كفرون> برمی گردد.

لقاءالله در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۴

۴ - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذین .. کذبوا ... و لقاءِ الآخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقاءِ آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

لقاءالله در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۱۳ امکان رسیدن به مقام لقای خداوند در دنیا

إنهم ملقوا ربهم

لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه

<الساعه> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۴

۴- قیامت ، ظرف تحقق لقاءالله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<لقاءالله> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۵

۱۵- ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إنَّ كثيرًا من الناس بلقاء ربهم لكفرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاءالله می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده

۱۱ - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءنَّا لفي خلق جديد بل هم بلقاء ربهم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

۳ - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محرومان از لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه

های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

مقام لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۱، ۱۹

۱۱ مؤمنان قوم نوح ، مردمی مقرب درگاه خدا و برخوردار از مقام لقای او

إنهم ملقوا ربهم

جمله <إنهم ملقوا ربهم> می تواند بیانگر حال فعلی پیروان نوح باشد یعنی ، هم اکنون به مقام لقای پروردگار رسیدند و همچنین می تواند خبر از فرجام اخروی آنان دهد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای <لقاءالله> و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لكنی أریکم قومًا تجهلون

مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۹

۹ - بسیاری از مردم ، منکر معاد و لقاءالله اند .

و إن کثیرًا من الناس بلقای ربهم لکفرون

مکذبان لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶، ۷

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده

که مرجعی معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران لقاء الله در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بقاء ربهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم

موانع لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذب به الاکل معتد ائیم .. انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون

موجبات لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۵

۵ مؤمنان با کشته شدن در راه خدا به جوار او بار خواهند یافت .

إنا إلی ربنا منقلبون

وصول به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۱

۱ - امیدواران به لقای الهی ، حتماً ، آن را درک خواهند کرد .

من كان یرجوا لقاء الله فإنّ أجل الله لأت

وقت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۴، ۵، ۶

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از <یوم یلقونه> می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۶ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : < و

اما قوله تعالى: . . . < إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعده . . . يعني البعث فسّمَاهُ اللهُ عز و جل لقائه ;

مراد از <یوم یلقونه> در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵ - ۴،۵،۲

۲ - لقای الهی ، موعد مشخصی دارد .

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

۴ - قیامت ، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<لقاء الله> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

۵- لقاء الله، پس از مرگ، برای مشتاقان به آن، تحقق پیدا می کند.

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<أجل> در اصل، به معنای <مدت تعیین شده برای هر چیز> است و در <مدت تعیین شده برای حیات انسان>

که از آن، به <مرگ> تعبیر می شود نیز استعمال می شود (مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از <أجل الله> مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، <فإنَّ أجلَ الله لأت> اشعار دارد که لقاء الله، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

و إنَّ كثيرًا من الناس بلقاء ربهم لكفرون

مراد از <لقاء ربهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء رب> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۴

۴ - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذين .. كذبوا ... و لقاء الأخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقای آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۸

۸ - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

یأس مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۱

۱ - کافران به آیات الهی و لقاء الله ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذين كفروا بأيت الله و لقاءه

أولئك يسوا من رحمتي

يهود و لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - يهود ، قومی هراسان از مرگ و غير مشتاق برای لقاء الهی

و لا يتمنونه أبداً

لقمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لقمان

امر به معروف در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

بينى أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنكر

انقياد لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و مَنْ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرنى ربى قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم على فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود

قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا

دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سراپا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد.

اهمیت قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قصه لقمان حکیم ، قصه ای بس مهم است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه

شروع قصه لقمان با لام قسم و حرف تأکید (قد)، حکایت از اهمیت آن می کند.

بینش لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۵

۵ - اقامه نماز ، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد .

بینی أقم الصلوه

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد ، حکایت از اهمیت آن می کند.

پسر لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۵

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو يعظه بيني لا تشرک بالله

از آن جایی که نهی <لاشرك> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

تعالیم شریعت دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۳ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

تعقل لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أَقُولُ : لَمْ يَكُنْ لِقْمَانُ نَبِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ عَبْدًا كَثِيرَ التَّفَكُّرِ حَسَنَ الْيَقِينِ أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحَبَّهُ وَ مَنْ عَلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ . كَانَ نَائِمًا نِصْفَ النَّهَارِ إِذْ جَاءَهُ نِدَاءُ يَا لِقْمَانُ ! هَلْ لَكَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللَّهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ تَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ فَأَجَابَ الصَّوْتُ إِنَّ خَيْرَنِي رَبِّي قَبْلَتِ الْعَافِيهِ وَ لَمْ أَقْبَلِ الْبَلَاءَ وَ إِنْ عَزَمَ عَلَيَّ فَسَمْعًا وَ طَاعَةً . . . فَأَعْطَى الْحِكْمَةَ ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا

به او حکمت داده شد.

توصیه به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۶

۶ - رهنمود الهی به لقمان ، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد آتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و منّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحکم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرنى ربى قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم على فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند،

پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا به او حکمت داده شد >.

۱۸ - > عن هشام بن الحكم قال : قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) : ... يا هشام ! إنَّ الله يقول في كتابه ... > و لقد آتينا لقمان الحكمة < قال : الفهم و العقل ... ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: .. ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید:... > و لقد آتينا لقمان الحكمة < می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]... <.

خلافت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحبَّ الله فأحبه و مَنْ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربِّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه ... فأعطى الحكمة ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی

شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟
لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد.

ذکر مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۱

۱ - مواعظ لقمان به پسرش، شایسته یادآوری است.

و إذ قال لقمن لابنه و هو يعظه

بنابراین احتمال که <إذ> متعلق به <أذکر> مقدر باشد، این نکته به دست می آید.

عظمت آیات سوره لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۳

۳ - آیه های سوره لقمان، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است.

تلک ءایت الکتب الحکیم

مراد از <آیات> در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

عقل لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - > عن هشام بن الحكم قال : قال لی أبو الحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنَّ الله يقول فی کتابه . . . > و لقد

آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: .. ای هشام! خداوند که در کتاب اش

می گوید:.... <و لقد آتینا لقمان الحکمه > می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

فلسفه اعطای حکمت به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۸

۸ - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد آتینا لقمان الحکمه أن اشکر لله

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان الحکمه للشکر لله>؛ ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند.>

فهم لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - <عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبو الحسن موسی بن جعفر (ع) : ... یا هشام ! إنَّ الله يقول فی کتابه ... > و لقد آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل ... ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: ..ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید:.... <و لقد آتینا لقمان الحکمه > می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷، ۱۹

۱۷ - <عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حقاً أقول : لم یکن لقمان نبیاً و لكن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبَّ الله فأحبَّه و منَّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء

يا لقمان! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه... فأعطى الحكمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا به او حکمت داده شد <.

۱۹ - > عن رسول الله (ص) (أنه قال :) كان (لقمان) حبشياً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود <. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

محبت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و مَنْ عليه بالحكمه . كان

نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعة . . . فأعطى الحكمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا به او حکمت داده شد <.

محبوبیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و منّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه

و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعة . . . فأعطى الحكمة ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام >... در این جا به او حکمت داده شد <.

مسؤولیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۶

۶ - رهنمود الهی به لقمان ، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد ءاتینا لقمن الحكمة أن اشکر لله

مقامات لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۲

۲ - لقمان ، دارای مقامی والا نزد خداوند است .

و لقد ءاتینا لقمن الحكمة

ملیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - > عن رسول الله (ص) (أنه قال :) كان (لقمان) حبشياً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت:

لقمان، اهل حبشه بود<. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

منشأ حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، عطاکننده حکمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد ءاتینا لقمن . . . و إذ قال لقمن لابنه ... لا تشرک بالله

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو یعظه یبئی لا تشرک بالله

از آن جایی که نهی <لا تشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱

۱ - تذکر به نظارت دقیق الهی بر اعمال انسان ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

یبئی إنّها إن تک مثقال حبه . . . یأت بها الله

احتمال دارد که ضمیر <إنها> ضمیر قصه باشد و در نتیجه، مرجعی لازم نداشته باشد و احتمال دارد ضمیری باشد که مرجع آن، به قرینه سیاق، چیزی مانند <خصلت پسندیده و ناپسند> و یا <عمل خوب و بد> و مانند آن باشد. نکته بالا بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

بَيْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ .. وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پرهیز از روی گرداندن متکبرانه از دیگران ، از جمله رهنمود های لقمان به پسر خویش بود .

و لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا

<صَعَرَ> در لغت به معنای <متمایل کردن گردن به سویی است> و معنای باب تفعیل آن (تصعیر)، متکبرانه سرگرداندن و گردن فرازی کردن است (مفردات راغب).

۲ - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لَقَدْ ءَاتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ .. إِذْ قَالَ ... وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

۵ - لقمان به پسرش سفارش کرد که از سرمستی کردن در زمین ، پرهیز کند .

و لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سفارش لقمان به پسر خویش ، برای رعایت اعتدال در راه رفتن

بَيْنِي .. وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ

<اقصد> به معنای، حد میانی بین افراط و تفریط است (مفردات راغب) و نیز به معنای <اعتدال> است و <مشی>، انتقال از جایی به جایی است (مفردات راغب) که از آن، به <راه رفتن> تعبیر می شود.

۳ - پرهیز از رفتار همراه با ذلت و خواری و نیز اجتناب از رفتار

متکبرانه ، سفارش لقمان به پسر خویش است . *

بینی . . . و اقصد فی مشیک

به قرینه آیه قبل که در آن، از رفتار و یا راه رفتن متکبرانه نهی شده است احتمال دارد مراد از <واقصد فی مشیک> نهی از راه رفتن و یا رفتاری باشد که همراه با ذلت است.

۴ - کاستن از طنین صدا ، از سفارش های لقمان به پسر خویش است .

و اغضض من صوتک

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه . . . و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

مهمترین مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۵

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لابنه و هو یعظه بینی لاتشرک باللّه

از آن جایی که نهی <لاتشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

نشانه های حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد آتینا لقمن . . . و إذ قال لقمن لابنه ... لاتشرک باللّه

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۹ - متوجه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشی قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد آتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... یبنیٰ إنّها إن تک مثقال حبه ... یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۲

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد آتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... یبنیٰ أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... و لاتصعّر خدک للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه .. إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

نماز در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یبنیٰ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

۳ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود.

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

يقين لقمان

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أَقُولُ : لَمْ يَكُنْ لِقْمَانُ نَبِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ عَبْدًا كَثِيرَ التَّفَكُّرِ حَسَنَ الْيَقِيْنِ أَحَبَّ إِلَهًا فَأَحْبَبَهُ وَ مَنْ عَلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ . كَانَ نَائِمًا نِصْفَ النَّهَارِ إِذْ جَاءَهُ نِدَاءٌ يَا لِقْمَانُ ! هَلْ لَكَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللَّهُ خَلِيْفَهُ فِي الْأَرْضِ تَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ فَأَجَابَ الصَّوْتُ إِنَّ خَيْرَنِي رَبِّي قَبْلَ الْعَافِيَةِ وَ لَمْ أَقْبَلِ الْبَلَاءَ وَ إِنْ عَزَمَ عَلَيَّ فَسَمْعًا وَ طَاعَةً . . . فَأَعْطَى الْحِكْمَةَ ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر

بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد.

لنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لنگ

معذوریت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

لنگی

آثار لنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۰، ۱

۱ - نابینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و لا علی أنفسکم أن تأكلوا..> استینافیه و جدا از جمله <لیس علی الأعمی حرج...> باشد. بر این اساس جمله <لیس علی الأعمی...> درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند؛ مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

۲۰ - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

لنگ

شخصیت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است زیرا اسلام خواسته است با چنین سنتِ نادرستی مبارزه کند.

محدوده اختیارات لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج ..

أن تأكلوا من بيو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا- علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳- نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴- نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

همسفرگی با لنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹- نابینایان، لنگ ها و مریضان، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه، غذا میل کنند.

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۸- > عن أبي جعفر (ع) في قوله < لیس علی الأعمی حرج و لا- علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج > و ذالک أن أهل المدینه قبل أن

- رواج لواط و راهزنی و گناه علنی در جامعه ، در پی دارنده عذابی شکننده و سخت است .

أنتکم لتأتون الرجال و .. إنا منزلون علی أهل هذه القریه رجًا ... بما كانوا

آثار لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۷، ۴، ۲

۲ قوم لوط به سبب گرایش شدید به لواط ، همبستری با زنان خویش را ترک کردند .

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<شهوه>، مفعول مطلق برای فعل محذوف (یشتهونها) است و دلالت بر گرایش و علاقه شدید مردان قوم لوط به لواط دارد.

۴ قوم لوط به دلیل ارتکاب لواط ، مردمی متجاوز و اسرافگر

بل أنتم قوم مسرفون

۷ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوه من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا ، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۸

۸- عمل شنیع و ناپسند لواط و همجنس بازی ، مایه رسوایی و شرمساری است .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۳

۳- رواج فحشا (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری ، زمینه ساز انتقام الهی است .

و إن كان أصحاب الأيكة لظلمين . فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۷

۷ - هم جنس بازی و لواط ، تجاوز به حریم ارزش ها است .

أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ .. بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ظلم قوم لوط با لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، در پی دارنده هلاکت و عذاب برای آنان

أَنْتُمْ لَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ... إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

آثار لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۵

۵ پیشینه تبه کاری قوم لوط و خو گرفتن با عمل شنیع لواط ، آنان را به سوی خانه لوط (ع) برای تعرض به مهمانانش ، گسیل داشت .

و جاءه قومه يهرعون إليه و من قبل كانوا يعملون السيئات

جمله <و من قبل كانوا...> که حکایت از پیشینه تبه کاری و استمرار بدکاری در میان قوم دارد - بیانگر فاعل محذوف از <یهرعون> می باشد؛ یعنی ، عامل و باعث هجوم قوم لوط به خانه لوط(ع) ، سابقه سوء و خوی بدکاری آنان بود.

آثار لواط قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۳

۳- عمل لواط و همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدينة .. قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون ... فأخذتهم الصيحة مشرقين .

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۲

۲- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم < ایکه > ، موجب انتقام الهی از آنان شد .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ مَجْرَمِينَ . إِلَّا أَعَادَ لُوطٌ ... وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ . فَا

آمرزش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و الذان یأتیانها منکم .. فان تابا و اصلحا ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا

احکام لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۶

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله <فان تابا .. > عطف بر جمله ای محذوف باشد ؛ یعنی <فاذوهما ان لم يتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا
عنهما>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۵

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

اولیت مبتلایان به لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۷،۸

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و . . .) پیش از قوم لوط مبرا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین> ، به مناسبت حکم و موضوع ، مکلفان ، اعم از جن و انس ، است . تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است .

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را تویخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

اولین مبتلایان به لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۷،۸،۱۰

۷ - عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۸ - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۱۰- لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آزمایش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

بدعت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۸

۸ - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

بی منطقی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۱

۱ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا

پلیدی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۹

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم

تعزیر در لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

تنفر از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۲

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

توبه از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۶

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و

لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله <فان تابا .. > عطف بر جمله ای محذوف باشد ؛ یعنی <فاذوهما ان لم يتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما> .

حرمت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۵

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

زشتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۱

۱ قوم لوط ، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع <تأتون> حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به <ابتلا> تعبیر شد.

زمینه لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۵

۵ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون .. بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله <بل أنتم قوم مسرفون> به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در شهوت جنسی خواهد بود.

سرزنش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶۸

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته

می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توییخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط، آنان را توییخ کرد.

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۶

۶ لواط، عملی تجاوزکارانه و مرتکبان آن، مردمانی متجاوز هستند.

بل أنتم قوم مسرفون

<اسراف> به معنای تجاوز کردن از حد میانه است.

شگفتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱

۱ - عمل لواط، امری شگفت آور و تعجب انگیز است.

أئنکم لتأتون الرجال

همزه در <أئنکم> برای استفهام تعجیبی است.

شیوع لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۴

۴ - لواط (آمیزش با مردان)، در میان قوم لوط رواج داشت.

إنکم لتأتون الفحشه

<فاحشه> به هر <کردار زشت> اطلاق می شود و به قرینه آیه بعد، منظور از آن، لواط است.

ظلم لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۸

۸ همجنس بازی ، ظلم است و جوامع مبتلا به آن ، در معرض عذاب های دنیوی اند .

و ما هی من الظلمین ببعید

مصدق مورد نظر برای <الظالمین> به قرینه آیات گذشته ، همجنس بازان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۹

۹ - لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه

، عملی ظالمانه است .

أنتكم لتأتون الرجال .. إنا مهلكوا أهل هذه القرية إن أهلها كانوا ظلمين

فساد لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۳

۳ - عمل لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، از موارد افساد است .

أنتكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون في نادیکم المنکر .. انصرنی علی ال

فسق لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۷

۷ - لواط و راهزنی و ارتکاب گناه علنی ، از مظاهر فسق است .

أنتكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون في نادیکم المنکر .. بما كانوا یفس

کیفر لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۵

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و اللذان يأتيانها منكم فاذوهما

۵ لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین

آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

گناه لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۴

۴ لواط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <ال> در <السيئات> عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از <السيئات> لواط است. اطلاق <سيئات> به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۸

۸ - ارتکاب فحشا (زنا و لواط) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفواحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

لواط آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۶

۶ - قوم لوط ، عمل لواط ، را در منظر و دید دیگران انجام می

دادند .

أنتكم .. و تأتون في نادیکم المنکر

<ال> در <المنکر> برای عهد ذکری است و مراد از <منکر>، آمیزش با مردان است.

لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۳،۸

۳ لواط ، عملی شایع در میان قوم لوط بود .

أتأتون الفحشه

با توجه به آیه بعد معلوم می شود مراد از <الفحشه>، لواط است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توییح کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۱،۲

۱ قوم لوط ، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع <تأتون> حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به <ابتلا> تعبیر شد.

۲ قوم لوط به سبب گرایش شدید به لواط ، همبستری با زنان خویش را ترک کردند .

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<شهوه>، مفعول مطلق برای فعل محذوف (یشتهونها) است و دلالت بر گرایش و علاقه شدید مردان قوم لوط به لواط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۴، ۲۳

۲ قوم لوط ، مردمی تبه کار و مبتلا به عمل شنیع

لواط (همجنس بازی) بودند .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

از مصداقهای بارز برای <السیئات> به مناسبت مورد لواط و همجنس بازی است.

۳ قوم لوط علاوه بر لواط ، به گناهان فراوان دیگری نیز آلوده بودند .

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق ، بر این اساس است که <ال> در <السیئات> برای جنس باشد. <ال> جنسیّه در صیغه جمع ، دلالت بر عموم و احیاناً حکایت از کثرت دارد.

۲۴ > عن أبي جعفر (ع) : إن قرية قوم لوط كانت على طريق السّيّارة إلى الشام و مصر فكانت السّيّارة تنزل بهم فيضيّفونهم .. فدعاهم البخل إلى أن كانوا إذا نزل بهم الضيف فضحوه ... و إنما كانوا يفعلون ذلك بالضيف حتى ينكل النازل عنهم ... فأورثهم البخل بلاء لا يستطيعون دفعه عن أنفسهم ... حتى صاروا يطلبونه من الرجال في البلاد و يعطونهم عليه الجعل ...

از امام باقر(ع) روایت شده است که آبادی لوط بر سر راه مسافرانی بود که به شام و مصر می رفتند. کاروانیان بر آن قوم وارد می شدند و مهمانشان می شدند. بخل آنان سبب شد که هر گاه مهمان بر آنان وارد می شد [با انجام عمل زشت] رسوایشان می کردند ... و این کار را بدین جهت انجام می دادند که مهمان از آنان بهراسد و باز گردد. پس بخل سبب شد که آنان مبتلا به بلایی شدند (مرض ابنه) نمی توانستند آن را از خود دور کنند ... تا آن جا که از مردان شهر هادفع آن بلا را درخواست می کردند و به

آنها اجرت می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۲،۳

۲ ترک ازدواج و اطفای غریزه جنسی از طریق لواط ، به صورت یک سنت و اخلاق اجتماعی در میان قوم لوط بروز کرده بود

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

از آن جا که قوم لوط ، ازدواج با دختران او را امری نابخق شمردند، معلوم می شود: ازدواج با زنان را ممنوع می دانستند و یا اخلاق جنسی آنان از سیر طبیعی خود خارج شده بود به گونه ای که تمایل به جنس مخالف نداشتند.

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۴

۴ قوم لوط ، به خاطر آلوده بودن به عمل شنیع لواط ، در پیشگاه خداوند مردمی ستمکار محسوب می شدند .

و ما هی من الظلمین ببعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۳،۴

۳- قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را ، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

از اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط(ع)، استفاده می

شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می‌انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه ۷۸ <هود> و نیز اشاراتی که در آیات بعد (۶۸، ۶۹ و ۷۱) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

۴- انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) عملی رایج و علنی در میان قوم لوط

و جاء أهل المدينة يستبشرون

تصریح به آمدن <اهل مدینه> که شامل همه یا عموم مردم می‌شود، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۹

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان، پیشنهاد کرد.

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فاعلين

۹- قوم لوط علی‌رغم وجود راه‌های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی، اصرار داشتند.

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فاعلين

جمله <إن كنتم فاعلين> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنكم تفعلون> است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهاد ترتیب اثر دهید که گمان نمی‌کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۳

۳- لواط و همجنس بازی، انحرافی ابداع شده توسط قوم لوط

أتأتون الذکران من العلمین

قید <من العلمین> می‌تواند متعلق به <تأتون> باشد؛ یعنی، <أتأتون أنتم من بین العالمین الذکران؛ آیا از میان مردم جهان، شما با مردان می‌آمیزید؟> مقصود این است که در دنیا، هیچ قومی را نمی‌یابید که چنین

رویه زشتی را برگزیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۵

۵ - قوم لوط ، مرتکب فحشا (لواط) ، به گونه ای آشکار و در برابر دیدگان همه

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

<إبصار> (مصدر <تبصرون>) به معنای دیدن است. بنابراین <و أنتم تبصرون> دلالت می کند که آن قوم، گناه لواط را در برابر چشم دیگران انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۱

۱ - مردان قوم لوط ، گرفتار هم جنس گرایی

أنتکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۵،۷

۵ - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطاً إذ قال .. إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد

۷ - عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۲،۳،۵،۶،۸،۹

۲ - عمل لواط ، در میان قوم لوط ، رواج داشت .

أَنْتُمْ لِتَأْتُونَ الرِّجَالَ

۳- قوم لوط، از آمیزش با زنان اعراض کرده و به عمل لواط، روی آورده بودند.

أَنْتُمْ لِتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ

مراد از <سبیل>، در این آیه، احتمال دارد که به قرینه مقام، راه ایجاد نسل باشد و احتمال دارد که راهزنی باشد. برداشت بالا بنابر احتمال

نخست است. گفتنی است، بنابراین احتمال، <تقطعون السبیل> کنایه از قطع نسل، به سبب ترک آمیزش با زنان است.

۵- قوم لوط، راه ها را بر مسافران می بستند تا با آنان، عمل لواط انجام دهند.

أُنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ

احتمال دارد که عطف <تقطعون..> بر <لتأتون> به منظور بیان یک واقعیت خارجی چنان که مفسران نیز گفته اند باشد و آن، این است که قوم لوط، راه را بر مسافران می بسته اند تا بر آنان دست بیابند و با آنان آمیزش کنند.

۶- قوم لوط، عمل لواط، را در منظر و دید دیگران انجام می دادند.

أُنْتُمْ... وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ

<ال> در <المنکر> برای عهد ذکری است و مراد از <منکر>، آمیزش با مردان است.

۸- لوط (ع)، قوم اش را به جهت ارتکاب عمل لواط و راهزنی و ارتکاب آشکار منکر، سرزنش کرد.

أُنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ

۹- لوط (ع)، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط، راهزنی و ارتکاب علنی منکر، به عذاب الهی وعده داد.

أُنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ... فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّتُمْ بَعْدَ اللَّهِ

مبارزه با لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴ - تلاش پیگیر و مجدانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قَالُوا لئن لم تنته يلوطن لتكونن من المخرجين

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

منشأ لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۵

۵ - همجنس گرایی و لواط ، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً... بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

ناپسندی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۵،۶

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أَتَأْتُونَ...> انکار توییحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱۰،۶

۶ - عمل لواط ، عملی بس زشت و ناروا است .

إنکم لتأتون الفحشه

۱۰- لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد.

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

ناپسندی لواط در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۸۰ - ۷

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها، جنیان و ...)

(پیش از قوم لوط میرا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین>، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

نهی از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

لوح محفوظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لوح محفوظ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۵

۵ - اعمال آدمیان ، در عین منزّه بودن خداوند از جهل و فراموشی ، در کتابی بی کم و کاست (لوح محفوظ) ثبت و ضبط می شود .

علمها عند ربّی فی کتب لایضلّ ربّی و لاینسی

جمله <لایضلّ..> ممکن است در مقام دفع این توهم باشد که اگر اعمال آدمیان نوشته و ثبت می گردد، به این جهت نیست که چیزی از پروردگار جهان مخفی باشد و یا نسیان در او راه پیدا کند؛ بلکه جهات دیگری دارد. نکره آوردن <کتاب> بر تفخیم آن از لحاظ احاله کامل بر جزئیات، دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۴

۴ - مدت زمان اقامت انسان ها در برزخ ، امری مقدر و تعیین شده در کتاب الهی (لوح محفوظ) است

لقد لبثتم في كتب الله إلى يوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - مقدار عمر تمامی انسان ها و کم و زیاد شدن آن ، در نوشته ای (لوح محفوظ) ثبت و مشخص است .

و ما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلا في كتب

در این که مقصود از < کتاب > چیست، مفسران اختلاف نظر دارند و چند مصداق برای آن ذکر کرده اند ولی بیشتر آنان یکی از مصادیق آن را < لوح محفوظ > دانسته اند.

آثار علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - آصف بن برخیا (آورنده تخت بلقیس) دارای بخشی از علم به کتاب (لوح محفوظ)

قال الذي عنده علم من الكتب أنا آتيتك به قبل أن يرتد إليك طرفك

عبارت < علم من الكتاب > با توجه به نکره بودن < علم > به معنای آگاهی داشتن به گوشه ای از دانش کتاب می باشد. گفتنی است که بر طبق روایات، آورنده تخت بلقیس آصف بن برخیا، وصی و وزیر سلیمان (ع) بوده است و مراد از < کتاب > بنا بر گفته برخی از مفسران لوح محفوظ است.

۳ - امکان سلطه بر قوانین طبیعت با در اختیار داشتن گوشه ای از دانش کتاب الهی (لوح محفوظ)

قال الذي عنده علم من الكتب أنا آتيتك به قبل أن يرتد إليك طرفك

اختفای لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۵

، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصيبة .. إلفی کتب

نکره آمدن <کتاب> که همان لوح محفوظ است می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

امکان علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۷

۷ - امکان آگاهی به دانش های لوح محفوظ

قال الذی عنده علم من الکتب

در این که مراد از <کتاب> در آیه فوق چیست، میان مفسران دو نظر هست: برخی آن را کتاب های آسمانی و عده ای لوح محفوظ دانسته اند. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲

۲ - هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و ...) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود (مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و ...) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصيبة فی الأرض و لافی أنفسکم إلفی کتب من قبل أن نبرأها

جامعیت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - همه قوانین نظام تشریح و تکوین و نیز اعمال آدمیان ، مکتوب در لوح محفوظ *

و لدینا کتب ینطق بالحقّ

برداشت های پیشین بر این اساس بود

که مراد از <کتاب> نامه اعمال آدمیان باشد. برخی از مفسران <کتاب> را به قرینه <لدنیا> به لوح محفوظ تفسیر کرده اند. برداشت فوق، بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۴

۴ - لوح محفوظ ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتب مبین

ظاهراً مراد از <کتاب مبین> چنان که مفسران نیز گفته اند لوح محفوظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۸

۸ - همه پدیده ها و حوادث عالم ، در <لوح محفوظ> از پیش شمارش و ثبت شده است .

و کلّ شیء أحصینة فی إمام مبین

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <إمام مبین> ، <لوح محفوظ> است. از این رو به آن کتاب <إمام> گفته شد؛ چون این کتاب، اصل و مادر همه کتاب ها و دانش ها است و همه چیز در آن ثبت شده و همه کس و همه چیز تابع آن است. چنان که در قرآن از آن به <أم الکتاب> یاد شده است: <وإنه فی أم الکتاب لدینا لعلی حکیم> (زخرف، آیه ۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و ...) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود

(مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و ...) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصيبة في الأرض و لا في أنفسكم إلا في كتب من قبل أن نبرأها

۳- لوح محفوظ ، دربرگیرنده همه رویدادها و حوادث

ما أصاب من مصيبة في الأرض و لا في أنفسكم إلا في كتب

در آیات دیگر، کتابی که در آن تقدیرهای الهی ضبط شده، <لوح محفوظ> نامیده شده است.

جایگاه لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۲

۲ - لوح محفوظ در نزد خداوند است .

أُمُّ الْكُتُبِ لَدَيْنَا

حقیقت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۴

۴- لوح محفوظ ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه في السماء و الأرض إلا في كتب مبين

ظاهراً مراد از <کتاب مبین> چنان که مفسران نیز گفته اند لوح محفوظ است.

درباریان سلیمان(ع) و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۶

۶- حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبارت <قال الذی عنده علم من الکتب> می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

عظمت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لوح محفوظ ، کتابی بس ارجمند و والا

ما أصاب من مصیبه . . . إلیافی کتب

تنکیر <کتاب>، می تواند برای تفخیم و بیان عظمت و ارجمندی لوح محفوظ باشد.

علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۲

۲ - لوح محفوظ ، کتابی غیر قابل دسترسی برای بشر

فی کتب مکنون

<مکنون> به معنای نهفته و پنهان است. مقصود از آن، پنهان بودن محتویات لوح محفوظ از دید بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۲،۶

۲ - دانش و آگاهی فرشتگان ، نسبت به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ

فی کتب مکنون . لا یمسه إلی المطهرون

در صورتی که ضمیر <لا-یمسه> به <کتاب مکنون> باز گردد، مراد از <مس> (لمس کردن)، آگاهی و اطلاع یافتن و مراد از <المطهرون> فرشتگان الهی خواهد بود.

۶ - امکان آگاهی یافتن به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ ، برای پیامبران و اولیا

لا یمسه إلی المطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۵

۵- لوح محفوظ ، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصيبة .. إلهی کتب

نکره آمدن <کتاب> که همان لوح محفوظ است می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

قرآن در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۵

۱ - قرآن ، دارای حقیقتی

متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا .. وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا

مراد از < اُمُّ الْكُتُبِ > لوح محفوظ است.

۵- قرآن ، در اُمُّ الْكُتُبِ (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ .. حَكِيم

< حکیم > به معنای محکم است و < محکم > به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستگی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمُّ الْكُتُبِ به < محکم > با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمُّ الْكُتُبِ، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴- فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از < سفره > چه کسانی اند، نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به < کرام > در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند، زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف < کرام > ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر (ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱- قرآن ،

بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

۲- لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

قرآن و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلك آيات الكتب و قرآن مبین

با توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الكتاب> ذکر شده و نیز اصل در آوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از <الكتاب> لوح محفوظ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۱

۱ - محتوای قرآن ، مطابق با لوح محفوظ

إنه لقرآن کریم . فی کتب مکنون

مراد از <کتاب مکنون> طبق آنچه که در سوره <بروج> آمده (بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) لوح محفوظ است.

کتاب لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۳

۳ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

مراد از <الکتاب> می

تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

نقش لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۳

۳ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

مراد از <الکتاب> می تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۹

۹ - تمامی رفتار و آثار انسان ، در کارنامه روشن و در لوح محفوظ ، شمارش و ثبت می شود .

و کلّ شیء أحصینہ فی إمام مبین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و کلّ شیء..> تأکید برای جمله <و نکتب ما قدّموا...> و مربوط به اعمال انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۳

۳ - لوح محفوظ ، <أمّ الکتاب> (ریشه و اصل کتاب های آسمانی) است .

و إنّه فی أمّ الکتب لدینا

<ال> در <أمّ الکتاب> ، <ال> جنس و مفید استغراق است یعنی ، مادر همه کتاب ها .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۸

۸ اعمال آدمیان ، محفوظ در کتابی نزد خداوند *

و عندنا کتب حفیظ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که صدر آیه <قد علمنا..> نظر به معاد خود انسان و <عندنا...> نظر به احضار و نمایاندن اعمال وی داشته باشد؛ زیرا تعبیر

<کتاب...> در مورد ثبت اعمال به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۳

۳ - قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إِنَّه لقرءان کریم . فی کتب مکنون

لوط از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

لوط(ع)

آثار پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۵

۵- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطاً .. نجینه ... و أدخلنه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار صلاحیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۳

۳- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع) ، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

و أدخلنه فی رحمتنا إنه من الصالحین

برداشت

یاد شده به خاطر این است که جمله <إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ> تعلیل برای جمله <وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا> است.

آثار عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ

عبارت <إِنَّهُمْ أَنَاسٌ> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار عفت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ

عبارت <إِنَّهُمْ أَنَاسٌ> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

و إِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

آثار نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

آرزوی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۲،۳

آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو... أوءاوی إلی رکن شدید

آگاهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۵

۵ لوط (ع) ، آگاه به رسوخ خوی همجنس گرایی در اخلاق و رفتار قوم خویش

و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۷

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوز کارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

آیات خدا در قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلم عليم . . . و أمطرنا عليهم حجاره من سجيل. إن في ذلك

برداشت

فوق مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

اتمام حجت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳،۸

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جنك بما كانوا فيه يمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما كانوا فيه يمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط ، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود .

قالوا بل جنك بما كانوا فيه يمترون

اجابت دعای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱،۲

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجينه و أهله

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

رَبِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنجينه و أهله أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۳

۳ - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از

جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال رب انصرني .. و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه

اخراج لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته .. من المخرجين

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

اخلاص لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على رب العلمين

اذیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا يوم عصيب .. قال يقوم هؤلاء بناتي

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۳

۳ - حضرت لوط (ع) ، ہم

چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نَجِّينَهُ و لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۶

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لَوْطًا ... و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبْثَ

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

ارزیابی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۶

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا يوم عَصِيبٍ

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصَبٌ به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عَصِيبٍ> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

ازدواج با دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۲۵

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از

آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم

۲۵ > عن أبى عبدالله (ع) فى قول لوط < هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم > قال : عرض عليهم التزويج ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱۰، ۱۳، ۱۰

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتى> زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰- > عن أحدهما : ... ثم عرض عليهم بناته نكاحاً ... ؛

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. <..>

ازدواج در دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هؤلاء بناتى هنّ

جمله <فأسر بأهلك .. إلا امرأتك> حاکی است که دختران حضرت لوط(ع) از مؤمنان به او بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۴

۴- ازدواج زن و مرد ، راه مقبول در شریعت حضرت لوط (ع) و وسیله طبیعی و شایسته برای ارضای غریزه جنسی

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين

استقامت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إني لعملكم من القالين

<قلا> (مصدر <قالین>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

استمداد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱

۱ - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قال رب انصرني على القوم المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۳

۳ - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی

خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال رب انصرني .. و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه

اطاعت از لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتقوا الله و اطيعون

تفریح < اتقوا الله > بر < انی لکم رسول أمين > بیانگر مطلب یاد شده است.

اطمینان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۸

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلو ط انا رسل ربك لن يصلوا اليك

اظهار خیرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

انی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید < لکم > (برای شما) به دست می آید.

اعتراض به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اعتماد به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط (ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

اقلیت مؤمنان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ از میان قوم لوط، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند.

كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ .. فَأَسْرَبُ أَهْلَكَ بِقَطْعِ مِنَ الْإِيلِ ... إِلَّا أَمْرًا تَكْ

اکثریت مخالفان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند.

قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

امانتداری لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تأکید لوط (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أَمِين> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

۶- لوط (ع)

، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴- لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریع >اتَّقُوا اللَّهَ < بر >إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ < بیانگر مطلب یاد شده است.

امدادگران به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱

۱- فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال رب انصرني .. و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه

امنيت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۸

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندى متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلو ط انا رسل ربك لن يصلوا اليك

انبیای قبل از لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۱

۱- حضرت نوح (ع)، پیامبری که پیش از حضرت ابراهیم و لوط (ع) می زیست .

و نوْحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که

مراد از <من قبل> به قرینه آیات پیشین که در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بود زمان قبل از حضرت ابراهیم و لوط(ع) است.

اندوه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۴

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین <ضاقت بهم ذرعاً> / یعنی، ضاقت ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سىء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سىء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنك بما كانوا فيه يمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما كانوا فيه يمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۵

۵ - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

و أمطرنا عليهم مطرًا فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قید <منذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط ، از پی انذار های مکرر لوط (ع) به ایشان درباره انتقام سخت الهی

و لقد أنذرهم بطشتنا

ذیل آیه شریفه (فتماروا بالذکر)، قرینه است بر این که انذار لوط(ع) نسبت به قومش، به صورت مکرر رخ داده بود.

اهانت به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۵

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

ایمان خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها

خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّی و اهلی ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳،۴

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتمكم

۴ - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا آل لوط من قريتمكم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّينه و أهله أجمعين . إلا عجوزًا فی الغبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب

همسر لوط به نشانه کفر او

است.

ایمان خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إنا منجوك و أهلك

ایمان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. فأمن له لوط

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط و قال إني مهاجر إلى ربي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فأمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

بلوغ دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۶

۶ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

بی تأثیری تبلیغ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

بی تأثیری تلاش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۹

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

بی تأثیری مواعظ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا... لتكوننَّ من المخرجين

بی یآوری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۱

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشان را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ -

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷، ۸، ۴، ۳

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردارهای ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم .. > و نیز آوردن کلمه <اناس> ، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پناه جویی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۳

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو .. أوءاوی إلی رکن شدید

پیروان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

پیری همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجینه و أهله أجمعین إلا عجوزاً فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن

است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۲

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلا عجوزاً

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

پیشگامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل

، ادريس ، ذالكفل ، يونس ، زكريا و يحيى (عليهم السلام) ، پيشگامان در كار هاى خير

و لقد آتينا موسى و هرون ... يحيى ... إنهم كانوا يسرعون فى الخيرت

برداشت بالا- مبتنى بر اين است كه ضميرهاى جمع در جمله <إنهم كانوا يسرعون...> به پيامبرانى بازگردد كه در سلسله آيات پيشين (۴۸ ۹۰) از آنان ياد شده است.

پيشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۵

۲۵ > عن أبى عبدالله (ع) فى قول لوط < هؤلاء بناتى هنّ أظهر لكم > قال : عرض عليهم التزويج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط كه فرموده: <اينها دختران منند براى شما پاكيزه ترند> روايت شده است كه فرمود: به آنان پيشنهاد ازدواج داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱۰، ۱۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشويى با دخترانش به جاى همجنس بازى و تعرّض به مهمانان ، پيشنهاد كرد .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جاى همجنس بازى به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنى بر اين نکته است كه مقصود از <بناتى> زنان قوم باشند؛ چون پيامبران به منزله پدر براى امت خويشند. بعلاوه بسيار بودن تعداد كسانى كه به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، مى تواند مؤيد اين نظريه باشد.

۱۰- > عن أحدهما : ... ثم عرض

عليهم بناته نکاحاً... ;

از امام باقر یا امام صادق (ع) روایت شده است: لوط (ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم پیشنهاد کرد. <..>

تاریخ لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۶۷

۶- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) معاصر یکدیگر بودند .

و تَبْتَهُم عن ضيف إبراهيم .. . إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط

۷- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) در میان دو قوم جدا و با فاصله جغرافیایی از هم می زیسته اند .

قال فما خطبكم .. . إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط

تبعید لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲،۳

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است ؛ زیرا جمله <إلا- أن قالوا .. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريتكم إنهم أناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۳

۳ - تأکید لوط (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

تجاوز به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۱،۳

۱ - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

۳ - مردمان وارد بر قوم لوط، در معرض تجاوز و بدنامی *

و لقد رودوه عن ضیفه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعرض قوم لوط، نسبت به میهمانان پیامبرشان، ناشی از اخلاق عمومی آنان نسبت به همه تازهوردان بوده است.

تحقیق همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۴

۴ - تحقیق شدن همسر لوط از سوی خداوند

إلا عجوزاً في الغبرين

تنكير <عجوزاً>، می تواند برای تحقیر باشد.

تعدد دختران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۶

۶ حضرت لوط (ع)، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۴

۴ لوط (ع)، دارای دخترانی متعدد

ما لنا في بناتك من حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۷- حضرت لوط (ع) پیش از هلاکت قومش، دارای چند دختر مجرد بود.

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فاعلين

تقدیر عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۲

۲- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط، به تقدیر و دستور خدا بود.

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرين

تردید نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدّرتنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

تكفل همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳- همسران نوح و لوط پیامبر، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند.

كانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

تلاش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴- تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته يلوط لتكونن من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۵

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

تمدن در دوران

لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۲

۲- وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدينة

تنزیه خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱،۳

۱- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّني و أهلي ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

تنهایی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۵

۵ - لوط (ع) در مبارزه

اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال رب انصرني على القوم المفسدين

ضمير مفعولى <نى> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

توحید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و ابرهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله .. فأمن له لوط

توطئه تبعید خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

توطئه تبعید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

تهدید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته .. من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء>

(مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إني لعملكم من القالين

<قلا> (مصدر <قالين>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

تهدیدهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۹

۹ - لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أنتکم لتأتون الرجال . . . فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

تهمت دروغگویی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم إبرهیم و قوم لوط

جاسوسی همسر لوط(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۳

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعة أملاك

فی إهلاك قوم لوط ... فأتوا لوطاً ... فسلموا عليه ... فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم ... ثم مشى فلما بلغ باب المدینه ... دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته ... صعدت فوق السطح و صفقت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون ... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد ... آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند و سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشیندند. پس دود به پا کرد و همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...<

جامعه دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التي برکنا فیها

جرم خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم إثمهم

أناس يتطهرون

عبارت <إِنَّهُمْ أَنَسٌ> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إِنَّهُمْ أَنَسٌ يتطهرون

عبارت <إِنَّهُمْ أَنَسٌ> تعلیل برای حکم اخراج است.

حامی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد روده عن ضيفه فطمسنا أعينهم

حامی مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد روده عن ضيفه فطمسنا أعينهم

حمایت از لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود .

إنا رسل ربك

برداشت فوق ، از <ربك> (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربك لن یصلوا إلیك فأسر بأهلك

خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج

سازد .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

<اسراء> (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

خانواده لوط(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱

۱- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزّه و پاک بودند .

إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاء ال لوط

خواسته های لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۷، ۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۵

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در <أليس ..> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام

فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید.

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند.

فلاتفضحون... ولاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> بیانگر مطلب یاد شده است.

خوشنامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ -

۶- لوط (ع)، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۱

۱- لوط (ع)، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایه از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۳ - ۳

۳ لوط پیامبر، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش *

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ... و إخوان لوط

واژه <إخوان> می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

خیانت به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷- خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

خیانت همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

خیرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

درخواست نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (

عذاب)

ربِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون) یعنی، پروردگار! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلس را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده

همین برداشت است.

درخواست نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط

(ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۷- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمده های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

درماندگی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱

۱ مهمانان لوط، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند.

قال لو أن لی بکم قوه... قالوا یلوط إنا رسل ربک

دعای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲- التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۷- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمده های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من

و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱

۱ - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قال رب انصرنی علی القوم المفسدین

دعوتهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

واتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲

۲- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

دلداری ملائکه به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۹

۹ - فرشتگان، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او، دلداری دادند.

و قالوا لا تخف و لا تحزن

دلسوزی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

ذکر قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۲

۲ - رسالت لوط و مبارزات او با زشت کرداری های قومش، شایان یاد و یادآوری

و لوطاً إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوطاً> مفعول <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع)، در مبارزه بر ضد فحشا، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و لوطاً إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

رجوع

به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

رد ازدواج با دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۳

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رذایل اخلاقی همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۷،۸،۹

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . . . ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و . . .

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً

رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۱

۱ - تأکید لوط (ع) بر رسالت الهی خویش برای قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۲

۲- لوط (ع)، پیامبری بود که تعالیم ابراهیم (ع) را ترویج می کرد.

قال ربّ انصرنی . . . و لما جاءت رسلنا ابرهیم بالبشری

این که فرستادگان خداوند برای درهم کوبیدن شهر قوم لوط (سدوم)، نزد ابراهیم (ع) رفتند و با او مأموریت خود را در میان گذاشتند، نشان می دهد

که ابراهیم(ع) پیامبر صاحب شریعت بوده و لوط(ع) تعالیم او را تبلیغ می کرده است.

رسالت مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربك

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربك) معرفی کردند ، استفاده می شود.

روزهای سخت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۶

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا یوم عصب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصَب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را >یوم عصیب< می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

روش برخورد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا يوم عصيب .. قال يقوم هؤلاء بناتي

لوط با گفتن <يا قوم> (ای مردم من)

و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

روش تبلیغ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۵

۵ - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

و أمطرنا عليهم مطرًا فساء مطر المنذرین

زمین در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹

۹ - در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

سخاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۷

٧ > عن أبي جعفر (ع) : و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبين
مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه . .

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۸

۸- > قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك .

; . .

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از میهمانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر میهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، میهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<

سرزنش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش میهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي .

.. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

سرزنشهای لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶۸

۶ لوط با توصیف لوط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ...> انکار توییخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لوط ، آنان را تویخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای تویخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲ - قوم لوط ، مورد اعتراض و تویخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العلمین

استفهام در <أتأتون الذکران> برای تویخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما خلق لکم ربکم من أزوجکم

<وَذُرْ> (مصدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و وا گذاشتن است. <من أزوجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>) به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و

تجاوز است؛ یعنی، >و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزیسته اید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توییح و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۵

۵ - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطاً إذ قال .. إنكم لتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد

سوگند به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۳

۳- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <لعمرك ..> ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

شبهه افکنی در اندازهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲- روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها ؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالئنذر

شک به انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۴

۴- قوم لوط ، نسبت به هشدارهای حضرت لوط (ع) مبنی بر نزول

عذاب الهی (استیصال) بر آنان ، پیوسته در شک و تردید بسر برده و ایمان نداشتند .

قالوا بل جننک بما کانوا فیه یمترو

شکرگزاری خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نعمه من عندنا

شکرگزاری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ .. نعمه من عندنا

شهرنشینی در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۲

۲- وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدینه

صداقت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح < اتَّقُوا اللَّهَ > بر < إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ > بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - قوم لوط ، درباره صداقت لوط (ع) و وعده عذاب او ناباور بودند .

اِنَّنا بَعذابِ اللَّهِ اِنْ كُنَّا

من الصدقین

ضعف لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

عبرت از قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطاً إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

- سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إِنَّ لَوْطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

عبودیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

عجز لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۶

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

عجله لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۴

۲۴ فرشتگان ، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب ، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد .

فأسر بأهلك .. إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

جمله <إن موعدهم الصبح ..> به منزله تعلیل برای <فأسر بأهلك ...> می باشد.

عذاب همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۵

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرین

<غایر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <كانت من الغبرین> بیانگر این

است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ همسر لوط، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود، گرفتار می شد.

إنه مصیبتها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۱

۱- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود.

إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم .. إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلا عجوزاً فی الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجیناه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۷

۷- ملائکه عذاب قوم لوط ، پیشاپیش از عذاب شدن همسر لوط خبر داشتند و او را از نجات یافتگان نمی دانستند .

لننجيَنَّهُ و أهله إلاَّ امرأته كانت من الغبرين

<غایر> ماندنِ پس از سپری شدن چیزی است که با او بوده است (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۹

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطَ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

عقیده همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۴

۴ - همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فَأُنجِيْنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

علم لدنی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- حضرت لوط (ع)، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطًا اتینہ حکمًا و علمًا

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

علم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹

۹ - در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و

لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إِنكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

عمل خیر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إناهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عوامل ترس لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین . إلا آل لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهُمْ .. نَعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

عوامل نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِينِهِمْ... نعمة من عندنا

عوامل نگرانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۵، ۲

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم وضاق بهم ذرعاً

<سیء> متعدی به بای سببی است. <سیء بهم> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضاق بهم ذرعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۵ - حضرت لوط (ع)، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم وضاق بهم ذرعاً

۷ - نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم... قالوا لاتخف

۱۰ - لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱ - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم... و قالوا لاتخف و لاتحزن إنا منجوك

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه

باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

فرجام همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - هشدار خداوند ، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه) ، درباره سرنوشت شوم خیانت به پیامبر (ص) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح .. قیل ادخلا النار مع الذلین

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر پس از نقل ماجرای توطئه دو همسر پیامبر اسلام می تواند هشداری به آنان باشد.

فضایل خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۲

۲- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلما جاء ءال لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

فضایل لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی ... و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ > عن أبي جعفر (ع) : ... و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبين
مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً

سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ... ۱

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم میهمانان خود .

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ... ولا تخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) ، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطاً اتينه حكماً و علماً

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۳- حضرت لوط (ع) از عنایت ویژه الهی برخوردار بود .

و لوطاً اتينه حكماً و علماً

جمله <و لوطاً آتیناه..> عطف بر جمله <لقد آتینا ابراهیم...> است و تقدم <لوطاً> که مفعول فعل <آتیناه> است بیانگر این نکته است که لوط(ع) مورد عنایت ویژه خداوند بود زیرا در آیه قبل، خداوند از لوط(ع) به تبع داستان ابراهیم(ع) یاد کرد و ولی در این آیه به طور جداگانه از آن حضرت یاد نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۱،۲،۵

۱- حضرت لوط

(ع) ، مشمول رحمت خاص الهی بود .

و أدخلنه فی رحمتنا

۲- حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنه من الصالحين

۵- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطًا .. نَجِّينَه ... و أدخلنه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۶

۶- لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

فلسفه نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و ...) به مقام نبوت

عبدین من عبادنا صلحین

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

قبول هشدارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به

او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط (ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶۸، ۲، ۱

۱ لوط ، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطاً إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد ؛ یعنی <و ارسلا لوطاً>. و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه <لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشتمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال ... بنابر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ...> انکار توییحی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان

اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه .. قالوا أخرجهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است ؛ زیرا جمله <إلا- أن قالوا .. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجهم .. > و نیز آوردن کلمه <اناس> ، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قريبتكم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قريبتكم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۵، ۴، ۳، ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <كانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

۳ از میان

قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <كانت من الغبرین> بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۹، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً

۲ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم .. و قال هذا يوم عصیب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین این <ضايق بهم ذرعاً>؛ یعنی،

ضايق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای

کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا يوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَضَب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عصب> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث اربعة أملاء-ك في إهلا-ك قوم لوط . . . فأتوا لوطاً وهو في زراعه له قرب المدینه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . . پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۲،۱۳،۱۴،۲۳،۲۵

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداري آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال يقوم . . فاتقوا الله ولا تخزون في ضيفي أليس منكم رجل رشيد

ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا يوم عصب .. قال يقوم هؤلاء بناتی

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط ... فأتوا لوطاً ... فسلموا عليه ... فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم ... ثم مشى فلما بلغ باب المدینه ... دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته ... صعدت فوق السطح و صفقت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند و سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود

به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

۲۵ > عن أبي عبدالله (ع) في قول لوط > هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم < قال : عرض عليهم التزويج ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: >اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند< روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم ... قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من حق و إنك لتعلم ما نريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۱،۲،۳

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشان را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لي بكم قوه أوءاوی إلی رکن شدید

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لي بكم قوه

>لو< در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن

پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو .. أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۳، ۲، ۱

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده در ماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه .. قالوا یلوط إنا رسل ربک

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود .

۳ فرشتگان ، فرا رسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک فأسر .. ألیس الصبح بقرب

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند:

<لن یصلوا إلینا/ آنان از دسترسی به ما ناتوانند>. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که

مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلوط إنا رسل ربك لن يصلوا إليك

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربك لن يصلوا إليك فأسر بأهلك

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

<اسراء> (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <الليل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لا يلتفت منكم

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچ ندهد.

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ بِقَطْعِ مَنْ أَلِيلٍ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلک> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط باز گشت.

و لا يلفت منكم أحد إلا امرأتك

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلا-امرأتک> استثنا از جمله <لا-يلتفت ..> باشد. بر این مبنا جمله <لا-يلتفت...> اینه مصیبا ما أصابهم <چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

۱۸ همسر لوط، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود، گرفتار می شد.

إنه مصيها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود.

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مَصِيبًا مَا أَصَابَهُمْ

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تَبَّئَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ .. فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ... فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطَ الْمُرْسَلُونَ

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱،۲

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت

لوط (ع) ابلاغ گردید .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترو

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترو

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترو> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلک .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال

خاندان رفتن (و اَتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. و اَتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفتات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ بَقْطَعِ مِنَ اللَّيْلِ .. و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اَتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بَقْطَعِ مِنَ اللَّيْلِ) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- < قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون < .

.. قالوا... > فأسر بأهلك < يا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل < إذا مضى نصف الليل > ... و امضوا < من تلك الليلة > حيث تؤمرون < ... >;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر... و در آن شب به هر جا که فرمائتان داده اند بروید...<

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لَمَّا أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة ... و قالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة ... فلَمَّا انتصف الليل سار لوط بيناته ... >;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۱

۱- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدينة يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۱،۵،۹

۱- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدينة يستبشرون. قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

ولاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض

قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون .. ولا تخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

۸- > قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك .
; . .

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۳،۹

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از

<بناتی > زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط (ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فاعلين

جمله <إن كنتم فاعلين > به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنكم تفعلون > است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به كيدًا .. و نَجَّينَه و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي برکنا فيها

۳- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نَجَّينَه و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط (ع) بیانگر برداشت بالا است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵،۶،۹

۵- خداوند ، حضرت

لوط (ع) را از شرّ قوم پلید، ناپاک و زشتکارش نجات داد.

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع)، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطاً... و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند.

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

كذَّبَتْ قَوْمَ لُوطِ الْمُرْسَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶- قوم لوط، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲،۵

۲- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَاتتَقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <أَمِين> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است

از سوی لوط (ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱،۴

۱- دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

۴- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱- تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش، در قبال رسالت خویش

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ... إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲- قوم لوط، مورد اعتراض و توبیخ او، به خاطر انحراف جنسی

أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

استفهام در <أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما

خلق لکم ربکم من أزواجکم

<وَوَدَّرَ> (مصدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و وا گذاشتن است. <من أزواجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>) به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و تجاوز است؛ یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه اید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱،۴،۵

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته... من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکونن من المخرجین

۵ - لوط (ع)، فاقد پایگاه قوی، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکونن من المخرجین

از تهدید حضرت لوط (ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲،۳

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إننی لعملکم من القالین

<قالا> (مصدر <قالین>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط (ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان

به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱،۲،۵،۷

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در

تقدیر باشد (من و ببال ما یعملون) یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي و اَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنَجِّنِيهِ و اَهْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۲،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فَنَجِّنِيهِ و اَهْلِهِ اَجْمَعِينَ اِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرَيْنِ

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابرب> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

اِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرَيْنِ

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَنَجِّنِيهِ و اَهْلِهِ اَجْمَعِينَ . اِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرَيْنِ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳،۴

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توییح و سرزنش است.

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكُم

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكُم

۴ - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكُم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكُم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱،۴،۷

۱ - نجات لوط)

ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيهِمْ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

۴- همسر لوط، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فَأُنجِيهِمْ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

۷- فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قَدَرْنَهَا مِنَ الْغَابِرِينَ

<غبور> (مصدر <غابرين>) به معنای باقی ماندن است، یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند.

فَأَمِنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فَأَمِنَ لَهُ لُوطٌ> حضرت لوط (ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹- در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت.

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

۱۰- لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آموزش با مردان، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد.

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱،۴،۵

- لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قال رب انصرني على القوم المفسدين

۴- لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أئنكم لتأتون الرجال و... رب انصرني على القوم المفسدين

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵- لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال رب انصرني على القوم المفسدين

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱،۳

۱- فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال رب انصرني... و لما جاءت رسلنا إبرهيم بالبشرى قالوا إنا مهلكوا أهل هذه

۳- دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال رب انصرني... و لما جاءت رسلنا إبرهيم بالبشرى قالوا إنا مهلكوا أهل هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱- حضرت ابراهیم (ع) از

عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لَمَّا جَاءت رَسَلْنَا .. قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ... قَالَ إِنَّ فِيهَا لَوْطًا

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت .

قَالُوا إِنَّا مَهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ .. قَالَ إِنَّ فِيهَا لَوْطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهِ

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند

داد .

قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَ أَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لَمَّا جَاءت رَسَلْنَا إِبْرَاهِيمَ .. وَ لَمَّا أَنْ جَاءت رَسَلْنَا لَوْطًا

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لَمَّا أَنْ جَاءت رَسَلْنَا لَوْطًا سِئِءَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا

<سِئِءَ> متعدی به بای سببی است. <سِئِءَ بِهِمْ> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۳ - فرشتگان عذاب قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لَمَّا أَنْ جَاءت رَسَلْنَا لَوْطًا سِئِءَ

احتمال دارد دلیل <سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۰ - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱ - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطًا سیء بهم ... و قالوا لاتخف و لاتحزن إِنَّا منجوك

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

۱۲ - فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط ، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند .

قالوا ..

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

۱۳ - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتوگو پرداختند .

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوْطًا .. و قَالَ لَا تَخَفْ

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عذابِ قومِ لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوكَ و أَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ و أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۱،۲،۷

۱ - همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<غابِر> (مفرد <غابِرین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إِلَّا عَجُوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابرين> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع)، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳،۴،۶

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنا أرسلنا عليهم حاصبًا إلاء لوط

۴ - نجات یافتن خاندان لوط، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّنْهُمْ بِسِحْرِ

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط، تدبیری الهی، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نَجِّنْهُمْ بِسِحْرِ

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّنْهُمْ... نعمة من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۱،۴،۵،۷،۸،۹

۱ - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

۴ - لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به

آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

۵- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

>مراوده< به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

۷- مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

>طمس< (مصدر >طمسنا<) به معنای محو کردن و از بین بردن است. بنابراین >طمسنا أعینهم<؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸- کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه >ذوقوا<، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

۹- >عن أبي یزید الحمار عن أبي عبد الله... فلما دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل یا صبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله > فطمسنا أعینهم... <؛

ابی یزید حمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:.. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...<.

قصه لوط(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش

به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

قصه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

كانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

قوم لوط و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷، ۸

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

جلد - نام سوره -

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلا تفضحون .. ولا تخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

۵- قوم لوط، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۸- > قال أبو جعفر (ع) : ... و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك .
; ..

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری

را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<

قوم لوط و مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتك من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتك من حق و إنك لتعلم ما نريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۱

۱- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۱،۵،۷

۱- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه يستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود

قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوز کارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۵

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

کافران به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجينه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبا ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای

- چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

کفر به دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

کفر همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلّا عجوزاً فى الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - عنكبوت - ٢٩ - ٣٢ - ١٠

١٠ - همسر لوط ،

از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لِنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إِنَّا مَنْجُوكَ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الكفّار والمنفقين .. ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراً نوح و امراً لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

کمی مؤمنان به لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات -

۱- وجود تنها یک خانواده مؤمن ، در میان قوم لوط

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۹

۹ - > عن أبي يزيد الحمار عن أبي عبدالله ... فلما دخلوا (أى دخلوا قوم لوط) أهوى جبرئيل بإصبعه نحوهم فذهبت أعينهم و هو قوله > فطمسنا أعينهم ... < ;

ابی یزید حمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:.. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...<

کیفیت ورود ملائکه بر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۵

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الليل .. وامضوا حيث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع

أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

کیفیت هجرت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۵

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر، حرکتی دسته جمعی، سریع، به دور از انظار مردم و محرمانه بود.

فأسر بأهلك بقطع من الیل .. و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

گفتگوی لوط(ع) با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب، حضرت لوط (ع) و فرشتگان، به گفتوگو پرداختند.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً .. و قالوا لاتخف

گفتگوی ملائکه با لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۴

۴- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت لوط (ع)

قال إنکم قوم منکرون. قالوا

گناه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصيبتها ما أصابهم

همانندی

کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبا ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۱

۱- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إلآءال لوط إنا لمنجّوهم . . . إلآ امرأته

لوط(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلآ هدینا . . . و من ذریته . . . كل من الصلحین . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنه من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

لوط(ع) در سرزمین سدوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۶

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان

أخر جوههم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

لوط(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۷

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار ن سازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخذاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

لوط(ع) و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۷، ۱۴، ۱۲

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار ن سازند .

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

> عن أبي عبدالله (ع) في قول لوط < هؤلاء بناتي هن أطهر لكم > قال: عرض عليهم التزويج؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.

لوط(ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط، مهمترین و مهمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

لوط(ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳،۴

۳ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم .. و قال هذا يوم عصب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سيء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین <ضايق بهم ذرعاً>، یعنی، ضایق ذرعاً (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در <أليس...> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

۲۸ > عن أبي بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام : ... لما قال جبرئيل : > إنا رسل ربك < قال له لوط : يا جبرئيل عجل ، قال : نعم ، قال : يا جبرئيل عجل ، قال : > إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب < ... فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم و رمى جدران المدينة بحجار من سجّيل و سمعت إمرأه لوط الهده فهلك منها ؛

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعد هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل)

سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان، از آنان خواستار معرفی خود گردید.

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۹

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

مبارزه علیه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳- مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع)، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

مبارزه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط

شده است؛ زیرا جمله <إلا أن قالوا.. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۷

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود.

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: <لن يصلوا إليك> آنان از دسترسی به ما ناتوانند. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط (ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته يلوطن لتكونن من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۲،۳

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار

زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملكم من القالين

۳- لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملكم من القالين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۴

۴- مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آزمایش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنكم لتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۴،۵

۴- لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أنتكم لتأتون الرجال و... رب انصروني على القوم المفسدين

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵- لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال ربّ انصرنی

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

مبارزه لوط(ع) با فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطاً إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر <اذکر> باشد. بنا بر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۷،۸

۷ - مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محو کردن و از بین بردن است. بنابراین <طمسنا أعینهم>؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط ، پیش در آمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

مجادله در انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها ، بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالّنذر

محدوده رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت -

۲- رسالت لوط (ع) ، محدود به قوم لوط بود .

و لقد أرسلنا نوحًا .. و لوطًا إذ قال لقومه

محدوده علم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سيء بهم .. و قال هذا يوم عصيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۳

۳- علم حضرت لوط (ع) ، محدود بود .

قال إنكم قوم منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۹

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرّض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرّض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می

دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

محمد(ص) و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩ > عن أبي جعفر (ع) : ... ان جبرئيل قال [لرسول الله] : إني نوديت من تلقاء العرش ... اهبط إلى قريه قوم لوط و ما حوت فاقلعها من تحت سبع أرضين ... فهبطت على أهل القريه .

.. فاقلعتها... ثم عرجت بها... فقلبتها عليهم حتى صار أسفلها أعلاها... فقال له رسول الله (ص): يا جبرئيل و أين كانت قريتهم من البلاد؟ فقال جبرئيل: كان موضع قريتهم في موضع بحيره طبريه اليوم و هي في نواحي الشام قال له رسول الله (ص): أ رأيتك حين قلبتها عليهم في أي موضع من الأرضين وقعت القرية و أهلها؟ فقال: يا محمد وقعت فيما بين بحر الشام إلى مصر فصارت تلوّاً في البحر... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... که جبرئیل به رسول خدا(ص) گفت: از سوی عرش به من ندا رسید ... به آبادی لوط و آنچه در میان دارد فرود آی و آن جا را از زیر هفت زمین بکن ... پس من بر اهل آن قریه فرود آمدم ... و آن را از جای کندم ... و بالا بردم ... و بر روی آنان واژگون کردم تا اینکه زیر و رو شد ... رسول خدا(ص) از جبرئیل پرسید: قریه قوم لوط در کجای بلاد بود؟ جبرئیل گفت: قریه آنان در محل دریاچه طبریه امروز بود که در نواحی شام واقع شده بود. رسول خدا(ص) به جبرئیل فرمود: بگو بدانم هنگامی که قریه را بر روی آنان واژگون کردی، آن قریه و اهلش در کجای زمین افتاد. جبرئیل گفت: ای محمد! در میان دریای شام تا مصر افتاد و به صورت تپه هایی در میان دریا درآمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۳

۲ - سرگذشت لوط پیامبر، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

و إِنَّ لوطًا لَمِنَ المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط (ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

مخالفت با لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

مربی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۶

۶ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود .

إنا رسل ربك

برداشت فوق، از <ربك> (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

مردمی بودن لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع)، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهك عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

مزد رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم علیه من

أجر .. إلا على ربّ العلمين

مسؤولیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

مسؤولیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مهمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۵

۵- لوط (ع) ، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و لما جاءت رسلنا .. قال هذا یوم عصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ -

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون > ... قالوا ... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعة أيام و لیلایها > بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل > ... و امضوا > من تلک اللیله > حیث تؤمرون > ; ...

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...<

مسئولیت مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم . . . و قال هذا يوم عصيب

مسیر هجرت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۰، ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . . . و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) : . . . > فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضى لك من یومك هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من اللیل > إذا مضى نصف اللیل > . . . و امضوا > من تلك اللیله > حیث تؤمرون > ; . . .

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید . . . >

مسیر هجرت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۰، ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ،

مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند.

فأسر بأهلك... و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- > قال أبو جعفر (ع): ... > فلما جاء آل لوط المرسلون > ... قالوا... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل > ... و امضوا > من تلك الليلة > حیث تؤمرون > ; ...

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند: ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...<

مقامات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۴

۴- حضرت لوط (ع) دارای مقام و منزلتی والا در پیشگاه خداوند

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند، از

منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینه حکماً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحاً .. و لوطاً

کلمه <لوطاً> می تواند عطف به <صالحاً> و به تقدیر <و أرسلنا لوطاً> باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر <و اذکر لوطاً> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ لوطاً لمن المرسلین

مقدرات همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبا ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

مکذبان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت

لوط (ع) از سوی قومش

کذبت قوم لوط المرسلین

ملائکه عذاب و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۳

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط ... فأتوا لوطاً ... فسلموا عليه ... فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم ... ثم مشى فلما بلغ باب المدینه ... دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته ... صعدت فوق السطح و صفقت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد ... آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...<

ملائکه و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۱،۲

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند

و لما جاءت رسلنا لوطاً

۲ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۷، ۲۶، ۲۴، ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۲۸

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا يلو ط إنا رسل ربك

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربك) معرفی کردند ، استفاده می شود.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلو ط إنا رسل ربك لن يصلوا إليك

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلك بقطع من أيل

<اسراء> (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <بئاء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <الليل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لا يلتفت منكم أحد

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الليل .. إلا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است

که < امرأتک > استثنا از < أهلك > باشد.

۲۴ فرشتگان ، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب ، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد .

فأسر بأهلك .. إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

جمله < إن موعدهم الصبح .. > به منزله تعلیل برای < فأسر بأهلك ... > می باشد.

۲۶ > عن أبي جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون ... قالوا : ... > فأسر بأهلك < یا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل < إذا مضى نصف الليل ... > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط ! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... < .

۲۷ > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة ... وقالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة ... فلما إنتصف الليل سار لوط ببناته ... > ;

از امام باقر روایت شده است: ... هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ... < .

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید.

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترو

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

منشأ آگاهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۱

۱- خداوند، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدّر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت.

و قضینا إلیه ذلك الأمر

متعدّی شدن <قضینا> به <إلی> متضمن معنای <أوحینا> است. بنابراین معنای جمله <و قضینا إلیه ذلك الأمر> چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهش ساختیم.

منشأ حکمت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- حضرت لوط (ع)، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینہ حکماً و علماً

یکی

از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

منشأ عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۲

۲- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط، به تقدیر و دستور خدا بود.

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

تردیدی نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدّرتنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

منشأ قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود.

و لوطاً اتینه حکماً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

منشأ نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲- نجات لوط (ع) و همه کسانش، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنّجینه و أهله أجمعین

منشأ نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون .

فَنَجِّينَهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

منشأ هلاکت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۷

۷- فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب ، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قَدْرِنَهَا مِنَ الْغَبْرِينَ

<غبور> (مصدر <غابرين>) به معنای باقی ماندن است، یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

منیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. وَ اتَّبَعَ أَذْبَرَهُمْ

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع اذبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

موجبات عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَبْرِينَ

موقعیت اجتماعی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أولم ننهك عن العلمين

از اینکه قوم لوط آن

حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۵

۵ - لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکونن من المخرجین

از تهدید حضرت لوط(ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

مؤمنان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لَنَنْجِيَنَّهٗ وَاٰهْلَهٗ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إِنَّا مَنجُوکٌ وَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۴

۴ - لوط (ع) ، دارای طرفدارانی مؤمن ، به رغم کفر فراگیر جامعه وی

فأخرجنا من كان فيها من المؤمنين

مؤمنان و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

و إن لوطاً لمن المرسلين

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

مهربانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازسازی آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال يقوم .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا یوم عصیب .. قال یقوم هؤلاء بناتی

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

مهمان نوازی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۵،۷

۵ - لوط (ع) ، خویشان را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و

لما جاءت رسلنا .. قال هذا يوم عصيب

۷ > عن أبي جعفر (ع) : ... و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبين
مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر
مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان
را از قوم خود برحذر می داشت <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۷، ۱۴، ۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش
برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۲، ۳

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش

در برابر آنان

قال لو أن لي بكم قوه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو .. أو اوی إلى رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۷

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند:
<لن يصلوا إليك> آنان از دسترسی به ما ناتوانند. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۲،۸، ۱

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۸- > قال أبو جعفر (ع) : ... و كان لوط

رجلاً سخياً كريماً يقري الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين
لا تقري ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك ... ;

امام باقر(ع) فرمود:.. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود بر حذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی بر حذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود .

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون ... و لاتخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۵

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و

اظهار شفقت به ایشان ، در صدد بازداري آنان از تعرّض به مهمانان خویش بر آمد .

قال يقوم .. فاتقوا الله و لاتخزون في ضيفي أليس منكم رجل رشيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده در ماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه .. قالوا یلوط إنا رسل ربک

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تبئهم عن ضیف إبرهیم .. فما خطبکم أیها المرسلون ... فلما جاء ءال لوط المرس

الف و لام در < المرسلون > برای عهد ذکر ی است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم (ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم (ع) بر لوط (ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمایر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به میهمانانش، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد، برحذر داشت.

و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱،۳،۵،۶

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع)، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند.

و لَمَّا جَاءت رَسَلْنَا إِبْرَاهِيمَ . . . و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا

۳ - فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا سِئِءَ بِهِمْ

احتمال دارد دلیل <سِئِءَ بِهِمْ و ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط (ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط (ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع)، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا سِئِءَ بِهِمْ و ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا

۶ - حضرت لوط (ع)، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها، ناتوان بود.

و لَمَّا أَن جَاءت رَسَلْنَا لُوطًا سِئِءَ بِهِمْ و ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا

احساس ناتوانی لوط (ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

مهمترین رسالت لوط (ع)

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۵

۵ - دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إذ قال لهم أخوهم لوط ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۴

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۱

۱ لوط، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطاً إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد؛ یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که

داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۱

۱ - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم ابرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی تمود أخاهم صلحاً .. و لوطاً

کلمه <لوطاً> می تواند عطف به <صالحاً> و به تقدیر <و أرسلنا لوطاً> باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر <و اذکر لوطاً> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) ، پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند

و لقد أرسلنا نوحاً .. و ابرهیم ... و لوطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ لوطاً لمن المرسلین

نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۷، ۲۶، ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

۲۶ > عن أبي جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون ... قالوا : ... > فأسر

بأهلك < یا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل < إذا مضى نصف الليل ... >

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>

۲۷ > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة ... وقالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة ... فلما إنتصف الليل سار لوط بيناته ... >

از امام باقر روایت شده است: .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی بیرون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب

، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنّجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنّجینه و أهله أجمعین إلاّ عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزًا> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابری> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنّجینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل

<عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت

واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی، به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَهُمْ .. نَعْمَهُ مِنْ عِنْدِنَا

نجات خانواده لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجيها و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنا منجوك و أهلک إلا امرأتك

نجات خویشاوندان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <كانت من الغبرين> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

نجات لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من أيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۳

۳- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج

ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك .. و أتبع أدرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به كيدًا .. و نَجِّينَهُ و لوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شر قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجِّنِي و أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنَجِّينَهُ و أَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَنَجِّينَهُ و أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به

جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فَأُنجِيهِ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۷

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابرين> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط،

برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ، به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجَّيْنَاهُمْ... نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا

نجات لوط (ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن لَّنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إِنَّا مَنجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ

نژاد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و

نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

نظارت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك .. و اتبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

نعمتهای خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّنْهُمْ .. نعمه من عندنا

نعمتهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّنْهُمْ .. نعمه من عندنا

نفاق همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . .. ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح

و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخاتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

نقش خانه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أولم ننهك عن العلمين

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

نقش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۳

۳- لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعلمكم من القالين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

نگرانی برای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

ولما جاءت رسلنا .. قالوا إنّنا مهلكوا أهل هذه

القریه... قال إنّ فیها لوطاً

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت.

قالوا إنّنا مهلكوا أهل هذه القریه .. قال إنّ فیها لوطاً قالوا نحن أعلم بمن فیه

نگرانی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۴

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین <ضاقت بهم ذرعاً>؛ یعنی، ضاقت ذرعاً (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۷

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوز کارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود.

قال إنّ هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط (ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد

حکایت از این نکته می کند که لوط (ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۲

۲ - اظهار شگفتی و نگرانی لوط (ع) ، از انحراف فصاحت بار قوم خویش

أنتکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۹

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

نواهی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش
برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هر گونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه يستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هر گونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، بر حذر داشت .

و لاتخزون

نهی از ذلت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هر گونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، بر حذر داشت .

و لاتخزون

نهی به خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود بر حذر داشت .

فأسر بأهلك .. و لا یلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

نهی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود بر حذر داشت .

فأسر بأهلك .. و لا یلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۳،۵،۸

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هر گونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و بر حذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضيفي . . قالوا أولم ننهك

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمین

۸- > قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك .
; . .

امام باقر(ع) فرمود: .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<.

نیاکان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . . . و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

وحی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق

، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تبئهم عن ضیف إبرهیم . . . فما خطبکم أیها المرسلون ... فلما جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

ورود ملائکه بر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

ورود ملائکه عذاب بر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۳،۷،۱۰

۳- فرشتگان عذاب قوم لوط، به صورت انسان، بر لوط (ع) وارد شدند.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم

احتمال دارد دلیل <سىء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۷- نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی، در چهره اش نمایان شد.

و لما أن جاءت رسلنا لوطاً سىء بهم... قالوا لاتخف

۱۰- لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

و قالوا لاتخف و لاتحزن

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴- نجات یافتن خاندان لوط، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِينِهِمْ بِسِحْرِ

هَتَكَ آبروی لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴ - قوم

لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند

فلاتفضحون... ولاتخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می‌کند که آنان با این بیان، می‌خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود.

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجینه و أهله أجمعین . إلا عجوزاً فی الغبرین

از واژه <الغابریین> استفاده می‌شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجینه و أهله .. ثم دمّرنا الآخرین

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) مرادف <إهلاک> و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است، یعنی، <سپس دیگران را هلاک گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره -

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نَجِّنْهُمْ بِسِحْرِ

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

هجرت شبانه خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۳، ۲، ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنْ آيِلٍ

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. وَ اتَّبِعْ أَذْبُرَهُمْ

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع اذبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لا یلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ .. وَ اتَّبِعْ أَذْبُرَهُمْ

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون > ... قالوا ... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضى لك من یومك هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من اللیل > إذا مضى نصف

اللیل > ... و امضوا < من تلك اللیله > حیث تؤمرون < ... ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...<

۱۱- > عن أبی جعفر (ع) : ... إن الله تعالی لَمَّا أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إلیهم ملائکه ... و قالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القریه اللیله ... فلَمَّا انتصف اللیل سار لوط بیناته ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...<

هجرت شبانه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۷، ۱۱

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

>اسراء< (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلک> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره

ای از این شب کوچ ده.

۲۷ > عن أبي جعفر (ع) :... إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة... وقالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة... فلما إنتصف الليل سار لوط لبناته... ۱

از امام باقر روایت شده است: .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۳، ۱

۱- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلك بقطع من اليل

۳- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلك... و اتبع أدبرهم

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) :... > فلما جاء آل لوط المرسلون >... قالوا... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها > بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل >... و امضوا > من تلك الليلة > حيث تؤمرون >

...

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند... گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...<

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لَمَّا أَرَادَ عَذَابَهُمْ (قوم لوط) ... بعث إليهم ملائكة ... وقالوا للوط : أَسْرَ بِأَهْلِكَ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ اللَّيْلَةَ ... فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلَ سَارَ لُوطُ بِبَنَاتِهِ ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...<

هجرت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۶

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أَخْرَجَهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است

و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید.

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغیرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳، ۱۴

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش، از دیار آنان خارج شود.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲، ۴

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع)، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند

إلى الأرض التي برکنا فيها

۴- هجرتگاه ابراهیم و لوط (ع) (شام فلسطین)، برای تمام مردم جهان با برکت است.

و نَجِّينَه و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها للعلمين

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات است. مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک می باشد. گفتنی است نوع مفسران بر آنند که مقصود از سرزمین مبارک، شام (فلسطین) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجینه و أهله أجمعين . إلا عجوزًا فی الغبرين

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۲،۱۳

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند.

فأمن له لوط و قال إني مهاجر إلى ربِّي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فأمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۱۳ - <عن أبي جعفر (ع) : .. فأمن له لوط > و خرج مهاجرًا إلى الشام هو و ساره و لوط ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: >.

..لوط، ابراهیم(ع) را تصدیق کرد و با آن حضرت و ساره به شام هجرت کرد<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۷

۷- نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

هدایت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كَلَّا هَدَيْنَا... و من ذریته... كل من الصالحین... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

هدایتگری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۶

۶- سرمستی، تحیر و بصیرت نداشتن قوم لوط، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود.

و اتقوا الله و لاتخزون... لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین

مقصود از جمله <لفی سکرتهم یعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۵

۵- دعوت به تقوا، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

هلاکت همسر لوط(ع)

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرين

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <كانت من الغبرين> بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

۲۸ > عن أبي بصير وغيره عن أحدهما عليهما السلام: ... لما قال جبرئيل: <إنا رسل ربك> قال له لوط: يا جبرئيل عجل ، قال: نعم ، قال: يا جبرئيل عجل ، قال: <إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب> ... فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم ورمى جدران المدينة بحجار من سجّيل وسمعت إمرأه لوط الهدهه فهلكت منها ;

ابوبصير و غیر او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت

کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعده هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجینه و أهله أجمعین إلا عجوزاً فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابیر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِیْ ذَٰلِكَ لَآیَٰةٍ

<ذَلِكْ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<غابری> (مفرد <غابریین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

همسر لوط (ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قِيلَ ادْخُلِ النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

همسر لوط (ع) هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۶، ۱۷

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فَأَسْرَأْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الْإِيلِ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلک> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط باز گشت .

و لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إِلَّا امْرَأَتَكَ> استثنا از جمله <لَا يَلْتَفِتْ ..> باشد. بر این مبنا جمله

<لَا يَلْتَفِتْ... إِنْه مَصِيبَهَا مَا أَصَابَهُمْ> چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز

گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

همسفران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب، به همراه خویش کوچ ندهد.

فَأَسْرَ بِأَهْلِكَ بِقَطْعِ مَنْ أَلِيلٍ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلک> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط باز گشت.

و لایلتفت منکم أحد إلا امرأتک

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلا امرأتک> استثنا از جمله <لایلتفت ..> باشد. بر این مبنا جمله <لایلتفت...> این مصیبتها ما أصابهم <چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

يَأْسَ لُوطَ (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

اقدام لوط (ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

لهو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لهو

آثار ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۳

۳ - کافران ، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل ، سرمایه گذاری می کردند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

آورده شدن فعل مضارع <یشتري> و <يضلّ> دلالت

بر تلاش های مستمر می کند.

آثار لهُو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۳

۳ - دل مبتلا به لهو و باطل ، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد .

من یشتری لهو الحدیث .. و إذا تتلی علیه ءایتنا ولی مستکبراً کأن لم یسمعها

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهُو، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا .. إنما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أنما الحيوه الدنيا لعب . . .

و تکاثر ... و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

استهزای طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ - لهوگرایانِ رویگردان از آیات خداوند، مورد استهزای خداوندند.

فبشره بعذاب أليم

کاربرد <بشارت> که در خبر خوش حال کننده استعمال می شود برای <عذاب> به منظور استهزا و تمسخر است.

اهمیت اجتناب از لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیکم التکاثر

آیه <لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت‌ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت‌ها بازمی‌دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت‌ها، پاسخی داشته باشد.

تهدید طالبان لهُو

جلد - نام سوره -

۱۱ - لهو گرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتري لهو الحدیث . . . و لى مستکبرا... فبشره بعذاب أليم

خدا و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا . . . لعین . لو أردنا أن نتخذ لهوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لو> امتناعیه باشد بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <اگر ما چیزی را بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم. . .>. گفتنی است که برخی از مفسران <إن> در <إن کنا فاعلین> را نافیه دانسته اند؛ که در این صورت مؤید برداشت یاد شده خواهد بود.

۲- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتخذ لهوا لاتخذنه من لدنا إن کنا فعلین

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهوا لاتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنا>، معنای <من جهة قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنا> ظرف مختص در

قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است.>. گفتنی است آمدن <لدنا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- اگر خداوند برفرض محال به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید، جهان طبیعت، شایسته این منظور نبود؛ بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد.

لو أردنا أن نتخذ لهواً لاتخذنه من لدنا إن كنا فعلین

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <من لدنا> به معنای <مما عندنا> باشد و یا معنای <مما یلیق بحضرتنا..> را افاده کند؛ یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گردیم.

زمینه لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۷

۷ - جهل و نادانی، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است.

یشتری لهو الحدیث .. بغیر علم

ساجدان و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند، میرا از سرمستی، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون. و انتم سمدون. فاسجدوا

لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

سخنان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۹

۹ - سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله

سنگینی گوش مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۸

۸ - رواج دهندگان سخنان باطل ، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند .

كأَنَّ فِي أُذُنِهِ وَقْرًا

طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۰، ۱

۱ - برخی از مردم ، به دنبال فراگیری سخنان بیهوده و داستان های بی اساس اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث

<لهو> در لغت، به معنای هر چیزی است که انسان را از مقصدش باز دارد. عبارت <لهو الحدیث> اضافه صفت به موصوف خودش است و به معنای <سخن و کلام و یا افسانه های بیهوده> است.

۱۰ - گروهی از مردم ، در برخورد با آیات قرآن کریم ، آن را می پذیرند و گروهی دیگر ، از آن روی گردانده و به سخنان

بیهوده روی می آورند .

تلك آیت الکتب .. هدی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با

قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۴

۴ - کسانی که در پی کسب لَهو و گمراهی مردم اند ، در برخورد با آیات خداوند ، از آن اعراض می کند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله . . . و إذا تتلى عليه آيتنا

عابدان و لَهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لَهو

و تضحكون و لاتبكون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و ترویج لَهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لَهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافران مکه، به کشورهایمانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با

قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل الله> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

کیفر مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث .. أولئك لهم عذاب مهین

لهو بودن دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۱،۷

۱ - زندگی دنیایی ، جز سرگرمی و بازی نیست .

و ما هذه الحیوه الدنیا إلا لهو و لعب

<لهو> چیزی است که انسان را از هدف باز می دارد (مفردات راغب) و <لعب>، انجام دادن کاری است که قصدی در آن نیست (مفردات راغب)

۷ - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من .. و ما هذه الحیوه الدنیا ... لو كانوا یعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

لهو در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۶

۶- لهو و اشتغال به کار های سرگرم کننده ، اقتضای دوران نوجوانی است .

أَنا الحیوه الدنیا . . . و لهو

متقین و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۸

۸ تقوای پیشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت

دور هستند.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو و للدار الآخره خير للذين يتقون

مسلمانان صدر اسلام و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - مسلمانان صدر اسلام، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، رها می کردند.

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضوا إليها و تركوك قائمًا

۲ - نكوهش مسلمانان صدر اسلام از سوی خداوند، به خاطر ترك مصلاً برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضوا إليها و تركوك قائمًا

موارد لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱،۳

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله . . . و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۹،۱۹

۹ - سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّٰه

۱۹ - < فی مجمع البیان : و روی ... عن أبی عبداللّٰه (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به ... >

در مجمع البیان [ذیل آیه] < و من الناس من یشتری لهو الحدیث > آمده است: از امام صادق(ع) روایت شده که گفت: لهو الحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. <..>

موضعگیری مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۴

۱۴ - گمراهان و رواج دهندگان سخنان باطل در برابر قرآن کریم ، در مقابل هر پیامی که نشانه الهی داشت ، موضع گیری می کردند و حساسیت شان ، تنها مربوط به تلاوت آیات خدا از سوی پیامبر (ص) نبود .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولیّ مستکبراً

مجهول آورده شدن فعل <تُتلی> به جای فعل معلوم، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

نضر بن حارث و ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۸

۱۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله > و من الناس من یشتری لهو الحدیث ... < فهو النضر بن الحارث ... و کان النضر راویاً لأحدیث الناس و أشعارهم ... >

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند < و

من الناس من يشتري لهو الحديث < روایت شده است که: او، نضر بن حارث بود .. او، گفتارهای بیهوده دیگران و اشعار آنان را روایت می کرده است... >.

لهو و لعب

{لهو و لعب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵، ۲، ۱

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲ گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از <دینهم> می تواند آیین الهی باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین .. >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

لیاقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لیاقت

ارزش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۷

۷ تفصّلات خداوند

به افراد ، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان

ذلك الفضل من الله و كفى بالله عليماً

لیاقت آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۲

۲ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون اليوه الدنيا بالآخره

لیاقت در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۳

۳ لیاقت و اهل بودن ، شرط واگذاری مسؤولیت ها و مقام ها به افراد

ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها

از مهمترین مصادیق امانت، مسؤولیتها و مقامهایی است که در اجتماع به افراد واگذار می شود.

لیاقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۱ - ۵

۵ پیامبراسلام (ص) ، برخوردار از توانایی ها و شایستگی های لازم برای ابلاغ رسالت جهانی خویش

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیراً

اكتفا به رسالت پیامبراسلام(ص) به جای پیامبران متعدد برای هر منطقه ای، می تواند حاکی از توان مندی و قابلیت بسیار آن حضرت برای ایفای نقش جهانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، دارای مقامی والا در پیشگاه خداوند و شایسته اهدای شرح صدر

الم نشرح لك صدرک

<لام> در <لك> یا برای تعلیل است یا انتفاع. در صورت اول، مفاد آیه این است که: آیا به خاطر خودت به تو شرح صدر

ندادیم؟ این تعبیر دلالت دارد که شخصیت نبی اکرم(ص)، علتی کافی برای عطای شرح صدر بود. در صورت دوم، نشانه ارجمندی آن حضرت است که خداوند، در جهت منافع پیامبر(ص) نعمت شرح صدر را در اختیارش نهاد.

لیاقت مشمولان شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۴

۴ - وجود قابلیت و شایستگی در شفاعت شوندگان ، شرط پذیرش شفاعت درباره آنان

عن المجرمین .. فما تنفعهم شفاعه الشفیعین

لیاقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۴،۶،۳

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش

را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

نقش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۲۴

۲۴ قابلیت، شرط بهره مندی از تجلی صفات الهی

و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً

جمله <لوجدوا الله> به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیت در آنان نباشد، <تواب> و <رحیم> بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود؛ نه اینکه خداوند <تواب> و <رحیم> نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۷

۷- اعطای فضیلت بیشتر به برخی از انبیا از جانب خداوند، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان است.

و ربك أعلم بمن .. و لقد فضلنا بعض النبيين على بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۴

۴- لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسئولیت های اجتماعی به آنان

الله يصطفى من الملائكة رسولاً و من الناس

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

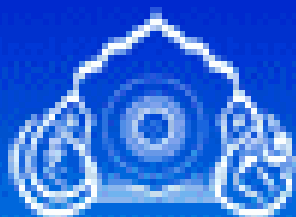
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

